نگرش نو در فهم دین

نماز تراویح



سوال وجواب

جلد ششم

مؤلف : استاد ولی الله لبیب

طبع دوم

مقدمه:

الحمدلله رب العالمین والعاقبة للمتقین والصلاة والسلام علي رسول الله صلي الله علیه وسلم و بعد.

خداوند بزرگ, در مورد ابدیت، حقانیت، شمول، عمومیت، وفطری بودن دین واحکام اسلامی به شیوه های متعدد در قرآن کریم بحث وتأکید کرده شده که دین واحکام اسلام همیشه وقت جاری، جاوید و مفید بوده و جهت منفعت فرد و جامعه، قواعد و مقرراتی از طرف شریعت درابعاد مختلف زندگی بشریت بعد از حیات منور رسول اکرم صلی الله علیه وسلم وضع گردیده است. وامت مسلمه را به اطاعت از اوامر واصول شریعت مکلف گردانیده و میفرماید: هرشخصیکه اطاعت از پیامبر صلی الله علیه وسلم نماید یقیناً از الله بزرگ, اطاعت نموده است.

همچنان اجتهاد معاذ بن جبل رضی الله عنه را در زمان، تقرر وی به حیث مسؤل سرزمین یمن که فرموده: (اجتهد رأئ). اگر حکمی را در کتاب الله وحدیث رسول اللهصلی الله علیه وسلم نیافتم به اجتهاد خود حکم میکنم. به این الفاظ مبارک خود (الحمد لله الذی وفق رسول رسول الله) حمد ثنا بر ذاتی که فرستاده شده ی رسول اللهصلی الله علیه وسلم را به راه صواب توفیق داده. پیامبرصلی الله علیه وسلم موقف مجتهد را تأئید نموده، بلکه تمجید کرد. مسلمین در عصر منور و مبارک آن حضرت سعادت، فلاح وسعادت خود را در اطاعت الله و رسول اللهصلی الله علیه وسلم جستجو می کردند.

بنابرین همه صحابه اعم از زن و مرد سعی می نمودند که از هر وسیله ممکن و از هر فرصت مناسبی از احکام اسلام استفاده کرده و احکام اسلام را در تمام امور فردی و اجتماعی، زندگی سیاسی و عبادی، تعلیمی و تخنیکی، حربی و صلح خود تطبیق و جامعه خود را جامعه الگو ونمونه بگردانند. طوریکه چنین کاری را در حیات خود به تمام جوامع بشری آن زمان به نمایش قرار دادند. وتمام جوامع بشری آن عصر، از امنیت و رفاه، اخلاق و تربیت، تمدن و نظم، اطاعت و شفقت متقابل افراد جامعه حظ گرفته روی همین روش واخلاق بوده که مردم جماعت - جماعت وگروه گروه به دین اسلام مشرف شده، به دعوت و نشر اسلام پرداختند، که تعدادی از بزرگان دین به نوبه خود بخصوص پدر بزرگوارم که عمر

گرانبهای خود را صرف خدمت دین، تبلیغ و تدریس دین نموده بود و براي بازماندگان خود به میراث گذاشته اند.

من هم بنده ي عاجز به تأسي از روش گذشته گان خواستم به نوبه خود احکام ضروري دین را پیرامون احکام نماز تروایح، نماز وتر، به اندازه درك و فهم خود از زبان عربي به زبان دري ترجمه کرده و به شیوه ساده و آسان به گونه سوال و جواب، در اختیار جوانان و نوجوانان، اعم از ذکور و إناث، برادران و خواهران قرار بدهم.

موضوعاتی را که من پیرامون آن در این کتاب بحث نمودم با ارزش، مفید و برای همه مومنان ضروری و از وجیبه های اشد هر مومن به حساب میاید، زیرا نماز تراویح، نماز وتر، زنده داری شب قدر و صدقه فطر بالای هر مومن عاقل بالغ اعم از مرد زن، غنی وفقیر، آمر و مامور وجیبه میباشد. و ازمکلیفت های دینی هر مومن بوده که شریعت اسلام به انجام آن پیروان خود را ترغیب وتشویق نموده است.

بعضی مطالب مذکوردر عصر حاضر برای تعدادی از نسل جوان وسائر مسلمانان بحث بر انگیز شده که نماز تراویح در عصر نبوت وصحابه چند رکعت بوده وآیا هشت رکعت است ویا بیست رکعت، وچگونه ادا گردد؟

جهت روشن شدن مباحث فوق بنده تصمیم گرفت در سلسله کتاب های قبلی ام سوالات مطروحه هذا را نیز تا حد امکان جواب داده واحکام مربوط به نماز تراویح و نماز وتر را در روشنی از نصوص شریعت و نظریات مذاهب چهار گانه مستند به دلائل در کتاب حاضر تحت عنوان احکام نماز تراویح شب قدر وصدقه فطر در پرتو دستور اسلام در رشته تحریر آورده و به دسترس هموطنان عزیز خود قرار دهم.

باید اذعان داشت که کتاب جلد هفتم پیرامون احکام صدقه فطر و وشب های قدر می باشد. تحریر نمودم، در فرصت مناسب خدمت شما خوانندگان محترم قرار خواهم داد.

ناگفته نباید گذاشت که همه ي این پاسخ ها از آیات الهام بخش اللهی، احادیث منور و کتب معتبر فقه گرفته شده است،که بنده سوره وشماره آیات نور بخش اللهی را مشخص ، احادیث واقوال صحابه را تخریج واحیانا پیرامون اسناد بعضی احادیث هم نظریات محدثین را در حاشیه ذکر نمودم. و سعی شده که نظریات مذاهب فقهی اهل سنت را از کتاب های خود ایشان گرفته ودر هامش به جلد صفحه کتاب نیز اشاره کرده ام.

و این کتاب شامل احکام مربوط به نماز تراویح و نماز وتر می باشد، که حاوی مطالب! معنای تراویح و ترویحه واینکه در جلسه چه خوانده شود، قدامت تاریخی تراویح ، فضیلت تراویح ، حکمت تراویح ، هدف حکم تراویح ، شرائط نماز تراویح آداب نماز تراویح ، ختم قرآن در تراویح ، جماعت نماز تراویح برای زنان ، امامت زنان در تراویح ، حضور زنان در مساجد جهت اشتراک در نماز های تراویح، پول گرفتن قاری ها در نمازو ختم تراویح ، عجله خواندن نماز تراویح، معنای وتر، تعداد رکعت ها ی وتر که 13-11-9- 7-3-1- رکعت در احادیث رویات شده تحقیق شده، حکم نمازوتر، قضائی وتر، دعای وتر، کیفیت ادا کردن سه رکعت وتر می باشد.

باید عرض نمود که همه ي پاسخ ها مطابق به احادیث صحیح نبوي و فقه مذهب حنفي می باشد.

باز هم اظهار عجزو ناتواني مي کنم که این کتاب عاري از سهو و خطا در بخش هاي علمي و تخنيکي نيست. بناً از تمام دوستان خود عاجزانه مي خواهم که بنده را در اصلاح خطاها متوجه سازند، تا همه ما و شما مورد رحمت الله، قرار گیریم.

باز هم تاکید می کنم اگر اشتباه کرده باشم از طرف نفس من است واگر درست نوشته کرده باشم فضل و منت ذات رب العالمین مي باشد.

ومن الله التوفیق

استاد ولي الله « لبیب»

فـهـرسـت

عـــــــــــــــــــنـــــــــــــــــــــــــــــو ان

صفـحه

بخش دوم

نماز وتر

بخش اول
نماز تراویح

نماز تراویح :

س 1- تراویح را در لغت واصطلاح تعریف نمائید؟

ج- تراویح از ترویحه گرفته شده به معنای راحت شدن وبه معنای نشستن استعمال گردیده است. اما در اصطلاح عبارت از عبادت مخصوص ، در وقت مخصوص ، به نیت خاص را میگویند .ابن الهمام میگوید : ترویحه اسمی برای چهار رکعت نماز است و دراصل ترویحه راحت دادن وراحت شدن را می گویند که همانا جلسه ی بین چهار رکعت نماز تروایح می باشد ونشستن بین آن چهار رکعت نماز را، ترویحه خواندند بخاطر اینکه بعد ازچهار رکعت نماز تراویح، اکثر نماز گذاران به این استراحت عقلا نیاز دارند)1 در مجموع گفته می توانیم که نماز تروایح؛ آن نماز نفل را گفته می شود که تنها در شب های رمضان میارک به گونه جماعت ویاهم منفرد وتنها گذار به تعداد 20 رکعت می خوانند.

س2-نماز تراویح را چرا تراویح می گویند؟

ج - بخاطر اینکه بعدازهر چهار رکعت باید نشسته شود ومردم آرام بگیریند وراحت شوند.

س3- آیا نام تراویح در حدیث ذکر شده ویا اینکه این اسم را فقهآء گذاشته اند؟

ج- در روایات حدیث نامی از تروایح ذکر نشده، بلکه از محتوای وشکلیات این عبادت چنین اسم را فقهآی کرام استنبط کرده اند.

س4 -دراحادیث تراویح به کدام نام ها ذکر شده است؟

ج- در احادیث به نام قیام شب ذکر گردیده است . . نگاه کن به احادیث شریف.

1

[1] - البنائع والصنائع، ج2، ص410

[1] - أخرجه الدارقطني، "152/2، 153"،

(عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، أَنَّ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وسلم قَالَ:مَنْ قَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا ، غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ.)2

ترجمه : محمد صل الله عليه وسلم فرموده است : هر شخصيکه از روى ايمان واخلاص د رماه رمضان قيام شب کند .خداوند بزرگ گناهان گذشته وى را عفو مکيند. پس از الفاظ حديث معلوم ميشود که نام تراويح، **قيام در شب هاى رمضان بوده است. همچنان در حديث ديگرى نقل شده است .**

حَدَّثَنِي أَبِي أَنَّ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وسلم ذَكَرَ شَهْرَ رَمَضَانَ , فَقَالَ : شَهْرٌ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ صِيَامَهُ ، وَسَنَنْتُ لَكُمْ قِيَامَهُ ، فَمَنْ صَامَهُ وَقَامَهُ , إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا , خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمِ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ.)3 ترجمه: از پيامبر صل الله عليه وسلم روايت شده که فرموده : ماه رمضان ماهى است که خداوند بزرگ گرفتن روزه را بالاى شما در اين ماه فرض گردانيده ومن قيام شب را براى شما سنت گذاشتيم . پس کسيکه در ماه رمضان روزه بگيرد وقيام شب نمايد مانند شخصى است که گويا نو از مادر تولد شده باشد.)

منظور ا زهر دو حديث استعمال کلمه قيام شب، در شب هاى رمضان است.که فقهاى بزرگوار اسلام قيام شب هاى ماه رمضان را تعبير به تراويح کرده اند.

س5 - آيا نماز تراويح مشروع وجائز مى باشد؟

ج- بلى همه بزر گان اهل سنت به مشروعيت وجواز نماز تراويح اتفاق نظر دارند.

س6 - حکم نماز تراويح چيست ؟

ج- اکثريت مذهب حنفى معتقد اند که نماز تراويح بالاى زن و مرد سنت مى باشد .4 وبعضى از علماى مذهب ، نماز تراوايح را نفل مى دانند.

---

2 رواه النسائي 201/3 و156/4 و117/8 ، وفي "الكبرى" 1298 و2522 و3411

3أخرجه أحمد 191/1 (1660) و"ابن ماجة"1328 و"النَّسائي" 158/4 , وفي "الكبرى"2529 و"ابن خزيمة" 2201

4 شرح فتح القدير ج-1-ص466- المبسوط ج-2-ص195- المحيط ج-1-ص456- بدائع الصنائع ج-1-ص-644- اعلاء السنن ج-ص7-ص69-

س 7- شما نماز تراویح را سنت گفتید. در حالیکه سنت حکمی را گفته می شود، که پیامبر صل الله علیه وسلم به آن مواظبت وهمیشگی کرده باشد .در حالیکه رسول کریم صل الله علیه وسلم نماز تراویح رابیشتر از سه شب زیاد انجام نداده است؛ چطور نماز ترک شده ی تراویح را، سنت می نامند؟

ج- فرموده شما درست است، ولی گوش کن به جواب تان .

✓ اول اینکه پیامبر علیه الصلاة والسلام تا آخرین لحظه حیاتش قیام ونفل شب رمضان را، به گونه افنرادی رها نکرده بود.

✓ پیامبر صلی الله علیه وسلم صرف جماعت تراویح را ترک نمود نه اصل تراویح را. زیرا شخص پیامبر صلی الله علیه وسلم وصحابه کرام الی ختم حیات خود به خواندن نماز تراویح دوام داده بودند.

✓ رسول الله صلی الله علیه وسلم جماعت تروایح راخوف از فرض شدن ترک نمود.

✓ پیامبر علیه السلام به زبان خود فرموده است: **(وَسَنَنْتُ لَكُمْ قِيَامَهُ)** ترجمه : ومن قیام شب را برای شما سنت گذاشتیم. یعنی نماز تراویح را به عنوان سنت برای شما گذاشتم . خود مبارک نام سنت را گرفته است.

✓ **محمد صل الله علیه وسلم فرموده است : فَعَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي ، وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمَهْدِيِّينَ ، عَضُّوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِذِ .**)5 ترجمه : لازم گیرید بر خود سنت من وسنت خلفای راشدین که هدایت داده شده گان اند. وسنت ها را به دندان های نواجذ که به دری (کله دندان) گفته میشود .محکم بگیرید. از حدیث معلوم میشود که سنت شامل گفتار وعمل کرد اصحاب نیز می شود.

✓ از همه مهمتر اینکه سنت تنها شامل عمل پیامبر علیه السلام نمی شود . بلکه سنت تمام اقوال ، افعال وتقریر محمد رسول الله صل الله علیه وسلم را گفته میشود . اگر عملا جماعت تراویح را ترک نمود ولی به زبان به قیام شب رمضان ، دستور وترغیب داده است.

---

5 رواه ابن ماجة (42) أحمد 126/4 (17275) . وأبو داود (4607)

✓پیامبر علیه الصـــلاة و الســـلام بنابر معذرت وعلت واضح جماعت تراویح را در رمضان مبارک ترک نمود . آن علت خوف فرضـــیت نماز تراویح بالای امت بوده . هر گاه اگر جماعت تراویح را بدون علت مشـــهود، تر ک می نمود سوال واعتراض مذکورموجه می بود.

✓در اخیر بایـد عرض کنم کـه فقهـآی بزرگوارمردم عادی نیســـتند. تما م کتاب های فقهی از مذاهب چهار گانه تراویح را ســــنت می گویند. طبعاً آن بزرگ مردان بدون دلیل حکم سنت را به هر چیز نداده ونمی دهند.

س8 - دلیل ســـنت بودن نماز تراویح را اگر توضـــیح دهید؟

ج- دقت کن به دلائل.

1- **(عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، أَنَّ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وسلم قَالَ:مَنْ قَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا ، غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ.)6**

ترجمه : محمد صل الله علیه وسلم فرموده است : هر شخصیکه از روی ایمان واخلاص درماه رمضان قیام شب کند .خداوند بزرگ گناهان گذشـــــته وی را عفو می کند. پس منظور از قیام شـــب رمضـــان ،همانا تراویح اســـت. وجه استدلال: چنین ترغیب به قیام شب رمضان ،ووعده به کثرت ثواب ،دلالت به سنت بودن تراویح دارد.

2- **(حَدَّثَنِي أَبِي أَنَّ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وسلم ذَكَرَ شَهْرَ رَمَضَانَ , فَقَالَ : شَهْرٌ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ صِيَامَهُ ، وَسَنَنْتُ لَكُمْ قِيَامَهُ ، فَمَنْ صَامَهُ وَقَامَهُ , إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا , خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمِ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ.)7** ترجمه : از پیامبر صـل الله علیه وسلم روایت شده است : ماه رمضان ماهی است که خداوند بزرگ گرفتن روزه را بالای شـما در این ماه فرض گردانیده .ومن قیام شب را برای شما سنت گذاشتیم . پس

6أ رواه النسائي 201/3 و156/4 و117/8 ، وفي "الكبرى" 1298 و2522 و3411

7 رواه أحمد 191/1 (1660) و"ابن ماجة"1328 و"النَّســـــائي" 158/4 , وفي "الكبرى"2529 و"ابن خزيمة" 2201

کسیکه در ماه رمضان روزه بگیرد وقیام شب نماید مانند شخصی است که گویا نو از مادر تولد شده باشد.
وجه استدلال : در حدیث مذکور لفظ سنت به کار برده شده است. پس قیام شب رمضان سنت است.

3- عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَبْدٍ الْقَارِئ، أَنَّهُ قَالَ: خَرَجْت مَعَ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ لَيْلَةً فِي رَمَضَانَ إِلَى الْمَسْجِدِ، فَإِذَا النَّاسُ أَوْزَاعٌ مُتَفَرِّقُونَ، يُصَلِّي الرَّجُلُ لِنَفْسِهِ، وَيُصَلِّي الرَّجُلُ، فَيُصَلِّي بِصَلَاتِهِ الرَّهْطُ، فَقَالَ عُمَرُ: إِنِّي أَرَى لَوْ جَمَعْت هَؤُلَاءِ عَلَى قَارِئٍ وَاحِدٍ، لَكَانَ أَمْثَلَ، ثُمَّ عَزَمَ، فَجَمَعَهُمْ عَلَى أُبَيِّ بْنِ كَعْبٍ، ثُمَّ خَرَجْت مَعَهُ لَيْلَةً أُخْرَى، وَالنَّاسُ يُصَلُّونَ بِصَلَاةِ قَارِئِهِمْ، فَقَالَ عُمَرُ: "نِعْمَتْ الْبِدْعَةُ هذه، والتي ينامون عنها أفضل عن الَّتِي يَقُومُونَ"، يُرِيدُ آخِرَ اللَّيْلِ، وَكَانَ النَّاسُ يَقُومُونَ أَوَّلَهُ8

ترجمه : عبدالرحمن ابن عبد القاری می گوید : در یکی از شب های رمضان ، ما همرای عمر بن الخطاب در مسجد رفتیم . دیدیم که مردم در مسجد بطور متشتت وپراگنده مصروف نماز نفل اند. شخصی تنها در نماز است وشخصی حیثیت امام را داشته مردم عقب آن اقتدا کرده اند. عمر ابن الخطاب فرمود: من فکر میکنم اگر همه مردم را به یک امام جمع کنیم بهتر خواهد بود .بعداً تصمیم گرفت وایشانرا به امامت ابی ابن کعب جمع نمود. در شبی دیگری از منزل به قصد مسجد خارج شدیم دیدیم که مردم به امامت قاری ایشان جمع بوده ودرجماعت مصروف نماز بودند. عمررضی الله عنه فرمود: چه کاری جدیدی ؛ خوب شد . از نمازیکه از آن استراحت می کردند بهتر شد اینکه فعلاً قیام داشته وبر پا میدارند.) هدفش این بود که مردم در اول شب قیام داشتند اما حالا در اخیر شب

8.رواه ابخاری في "الصيام في باب فضل من صام رمضان" ص 269. أخرجه أبو داود في "باب قيام شهر رمضان: ص 202، والترمذي: ص 99، وابن ماجه: ص 95، والنسائي في "التهجد" ص 238. امام الزيلعی در کتاب نصب الراية در فصل قيام شب رمضان در مورد حدیث مذکور چنین فرموده: حدیث مذکور را اصحاب سنن روایت کرده وامام تر مذی ونووی حدیث را حسن گفته اند.

در قیام شب مصروف اند. روی همین سبب اگر مشقتی نباشد تراویح در اخیر شب مستحب است.

4- اجماع صحابه بر مشروعیت نماز تراویح است .اگر عمل کرد عمر ابن الخطاب غیر مشروع می بود به هیچ وجه صحابه رضی الله عنهم در عمل منکر سکوت را اختیار نمی کردند. همین که سکوت نمودند دلیل بر مشروعیت وحقانیت عمل کرد عمر ابن الخطاب رضی الله عنه است.1

5- عمر ابن الخطاب رضی الله عنه به دلیل حدیث، جماعت تراویح را به امامت ابی ابن کعب دوباره احیاء نمود.

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، قَالَ:خَرَجَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وسلم ، فَإِذَا أُنَاسٌ فِي رَمَضَانَ يُصَلُّونَ فِي نَاحِيَةِ الْمَسْجِدِ ، فَقَالَ : مَا هَؤُلاَءِ ؟ فَقِيلَ : هَؤُلاَءِ نَاسٌ لَيْسَ مَعَهُمْ قُرْآنٌ ، وَأُبَيُّ بْنُ كَعْبٍ يُصَلِّي وَهُمْ يُصَلُّونَ بِصَلاَتِهِ ، فَقَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وسلم: أَصَابُوا ، وَنِعْمَ مَا صَنَعُوا).[2]

ترجمه : ابو هریره رضی الله عنه روایت نموده است که پیامبر علیه السلام همرای جمع از اصحاب در مسجد آمدند که تعدادی مردم در رمضان مبارک در کنار مسجد نماز میخوانند . گفت این ها کی ها اند ؟ گفته شد این ها اشخاصی اند که قرآن همرای ایشان نیست ابی بن کعب نماز میخوانند ومردم به نماز ابی بن کعب نماز میخوانند. پیامبر علیه السلام فرمود : رسیدند ونیک عمل را انجام داده اند) . از این حدیث معلوم میشود که خوف فرض شدن بالای ابی بن کعب رضی الله عنه نبود جماعت تراویح را احیانا انجام میداد وپیامبر علیه السلام هم عمل وی را تأیید نمود. اما عمر رضی الله عنه خواست که این سنت را به شکل رسمی دوباره احیا نماید که چنین عملی را انجام داد .

---

1 شرح فتح القدیر ج-1-ص 466-

2رواه أبو داود (1377) و"ابن خزيمة" 2208 و"ابن حِبَّان" 2541 .در صحت سسند حدیث مذکو ر ا اختلاف نظر است تعدادی معتقد به ضعیف بودن حدیث دارند.علت ضعف حدیث وجودمسًلم بن خالد است. که در حدیث ضعیف است. گرچه علت ضعف هم واضح نشده است. به دلیل اینکه نوعیت ضعف مسلم بن خالد مشخص نیست صرف گفته شده که مسلم در حدیث ضعیف است.

6- اقرار دوخلیفه ی بعدی عثمان وعلی رضی الله عنهما در طول خلافت ایشان جماعت تراویح را در حرم مکی ومدینه منوره ترک نکردند. این عمل کرد دوخلیفه راشده تأکید بر عمل قبلی ودلیل بر مشروعیت وسنت بودن جماعت نماز تراویح می باشد.

7- محمد صل الله علیه وسلم فرموده است : **فَعَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي ، وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمَهْدِيِّينَ ، عَضُّوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِذِ .)1(** ترجمه : لازم گیرید بر خود سنت من وسنت خلفای راشدین که هدایت داده شده گان اند. وسنت ها را به دندان های نواجذ که به دری کله دندان گفته میشود .محکم بگیرید. از حدیث معلوم می شود که سنت شامل گفتار وعمل کرد اصحاب نیز میشود.بناءً قیام شب رمضان که به نام تراویح شناخته شده سنت خلفای راشدین نیز می باشد.

8- بعد از رحلت خلفای راشدین سائر خلفاء، امیران ، اصحاب مذاهب فقهی وزعمای مسلمین جماعت تراویح را ترک نکرده بلکه خود ایشان در طول تاریخ اسلام در جماعت تراویح شریک وسهیم شدند . تمام این دلائل حکم سنت بودن تراویح را مستحکم می گرداند.

س 9- پیامبر علیه السلام نماز تراویح را در کدام سال سه شب ادا نمود؟

ج- دقیق وقت وسال ادای تراویح معلوم نیست ولی بنابرروایت ها و فرموده ی بعضی فقهآء ؛رسول اکرم صلوات الله علیه نماز تراویح را در آخرین سال های حیا تش انجام داده است . بخاطر اینکه بعداً از وی ثابت نشده که تراویح را انجام داده باشد ویا از وی در مورد کدام سوالی صورت گرفته باشد .

س 10- عمر رضی الله عنه در کدام سال تراویح را به جماعت دستور داد ؟

ج- عمر رضی الله عنه جماعت تراویح را بعد از گذشت دوسال خلافتش در سال 14-هجری دستور داد وآغاز نمود. 2

---

1 رواه ابن ماجة (42) أحمد 126/4 (17275) . وأبو داود (4607)
2 الموسوعة الفقهية الكويتية ج- 27-ص139-

س 11- از این تاریخ معلوم میشود که بعد ازعصر نبوت جماعت تراویح الی عمل کرد امیر مومنین عمر رضی الله عنه متروک بوده است؟

ج- بلی در مورد ادای جماعت تراویح در زمان خلافت ابی بکر الصدیق هم چیزی روایت نشده یعنی جماعت تراویح صورت نگرفته است.

فضیلت نماز تراویح :

س12 -آیا در مورد فضیلت تراویح وقیام شب رمضان چیزی از نصوص شریعت وجود دارد ویا خیر ؟

ج- بلی در مورد بر تری قیام رمضان وتراویح، احادیث قولی وفعلی از پیامبر علیه الصلاة السلام روایت شده استازآن جمله :

1- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، أَنَّ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وسلم قَالَ:مَنْ قَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا ، غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ.)1 ترجمه: محمد صل الله علیه وسلم فرموده است : هر شخصیکه از روی ایمان واخلاص د رماه رمضان قیام شب کند .خداوند بزرگ گناهان گذشته وی را عفو می کند. پس منظور از قیام شب رمضان، همانا تراویح است. از حدیث شریف معلوم میشود که نماز تراویح سبب محو گناه شده. گرچه در حدیث گناه مطلق ذکر شده ولی ممکن است که سبب محوگناهی صغیره وکبیره شود.

2-(**حَدَّثَنِي أَبِي أَنَّ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وسلم ذَكَرَ شَهْرَ رَمَضَانَ , فَقَالَ : شَهْرٌ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ صِيَامَهُ ، وَسَنَنْتُ لَكُمْ قِيَامَهُ ، فَمَنْ صَامَهُ وَقَامَهُ , إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا , خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمِ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ.**)2 ترجمه : از پیامبر صل الله علیه وسلم روایت شده : ماه رمضان ماهی است که خداوند بزرگ گرفتن روزه را بالای شما در این ماه فرض گردانیده ومن قیام شب را برای شما سنت گذاشتیم . پس کسیکه در ماه رمضان روزه بگیرد وقیام شب نماید مانند شخصی است که گویا نو از مادر تولد شده باشد. از حدیث مذکور معلوم می شود کسیکه به اساس ایمان قیام شب کند وروزه بگیرد گناه های وی محو می شود

---

1 رواه أ النسائي 201/3 و156/4 و117/8 ، وفي "الكبرى" 1298 و2522 و3411

2 رواه ر أحمد 191/1 (1660) و"ابن ماجة"1328 و"النَّسائي" 158/4 , وفي "الكبرى"2529 و"ابن خزيمة" 2201

این خود دلیل بر فضیلت قیا م شب های رمضان وتراویح می باشد.

3- عن أبي هُرَيْرَة ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْه أَن رَسُول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ قَامَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ).1 ترجمه : از ابو هریره رضی الله عنه روایت شده که رسول اکرم صلوات الله علیه فرموده: کسیکه شب های قدر را از روی ایمان واخلاص زنده داری کند گناهان قبلی وی عفوکرده می شود. در حدیث قیام شب قدر ذکر شده که منظور از قیام شب قدر نمازتهجد ونماز تراویح می باشد.

4- عن سلمان الفارسي قال: خطبنا رسول الله صل الله عليه وسلم في آخريوم من شعبان فقال :ياايها الناس قد أظلكم شهر عظيم ، شهر مبارک ، شهر فيه ليلة خير من الف شهر ، شهر جعل الله صيامه فريضة وقيام ليله تطوعاً . من تقرب فيه بخصلة من الخير كان كمن ادي فريضة فيما سواه ومن ادي فريضة فيه كمن ادي سبعين فريضة فيما سواه .وهو شهر الصبر .والصبر ثوابه الجنة ، .شهر المواساة وشهر يزاد فيه الرزق المؤمن . من فطَّر فيه صائماً كان له مغفرة لذنوبه وعتق رقبته من النار .وكان له مثل اجر ه من غيران ينقص من اجره شئ. قلنا يا رسول الله«.صل الله عليه وسلم » ليس كلنا نجد ما نفطربه ا لصائم. فقال رسول الله« صل الله عليه وسلم »:يعطي الله هذا الثواب من فطَّر صائماً علي مذقة لبن، اوتمرة، او شربة من ماء، ومن اشبع صائماً سقاه الله من حوضي شربة لا يظمأ حتي يدخل الجنة. وهو شهر اوله رحمة ، واوسطه مغفرة ، وآخره عتق من النار. من خفف علي مملوكه فيه غفر الله واعتقه من النار)2 ترجمه: سلمان رضي الله عنه روايت مي كند: كه در روز اخیر ماه شعبان پیامبر بزرگوار اسلام در مورد فضیلت روزه مبارک رمضان خطبه

---

1 رواه البُخاري" 38 (1901) (2014) مسلم" 1731 و"أبو داود" 1372 و"ابن ماجة" 1326 أبي شيبة ،(1641) الدارِمِي" 1776

2 رواه کنزل العمال ج8-ص 757در مورد صحت، سقم ،رفع و وقف حدیث اختلاف نظر میباشد تعدادی میگویند که حدیث ضعیف است. امام بخاری وترمذی معتقد اند که حدیث سخن سلمان رضی الله عنه است. یعنیی حدیث موقوف است. نه حدیث مرفوع .اگر حدیث ضعیف هم باشد، بحث موجود فضایل اعمال است ، روایت وعمل به حدیث ضعیف در فضایل اعمال نزد محدثین قبول است .

جامع را ایراد نمودند . اي مردم یقینا سـایه افگنده بالاي شما ماه بزرگ ،ماه مبارک ، ماهي که در ان شبي است بهتر از عبادت هزار ماه ، در آن ماه روزه ی آن فرض وقیام شـب آن بعنوان نفل ،کسیکه بسوي خداوند تقرب به اعمال خیر ونوافل بجوید ، مانند شـخصـي اسـت که فرض را ادا کرده .هر که در رمضان فرضي را ادا کند مانند شخصي است که هفتاد فرض را در غیر رمضان ادا کرده باشد .این ماه –ماه ی صبراست وپاداش صـبرجنت اسـت،این ماه–ماه همدردي وماه ی ازدیاد رزق مومن مسلمان است . هرشخصیکه براي برادر مسلمان خود افطاري دهد، خداوند جلت عظمته گنا هان اورا بخشـیده وگردن انرا از آتش جهنم نجات میدهد . صحابه کرام از رسول الله صل الله علیه وسلم سؤال کردن که اي رسول خدا تمام ما این توانمندي را نداریم . پیامبرعلیه السلام در جواب فرمود : خداوند بزرگ این ثواب را براي کسي میدهد که یکدانه خر ما ویا یک قطره آب وشیر (یکشـپ شـیر)براي روزه دار بدهد .هر که شـکم روزه دا ر را سـیر نماید، خداوند از حوض من آنرا سـیراب میگرداند، که بعدا هرگز تشنه نمیشود تا اینکه داخل جنت گردد . این ماه ي است که اول آن رحمت، وسط آن مغفرت ،واخیر آن نجات انسان از آتش جهنم .هر که در رمضـان مبارک بالاي مأ مورین وزیر دسـتان خود تخفیف کند. خداوند آنرا بخشـیده واز نار جهنم. نجاتش میدهد .

5- در حدیث مذکور نامی از قیام شب رمضان ذکر شده وگفته شـده که ثواب یک نفل به اندازه فرض ارتقا می کند. پس هر شخصیکه در شب رمضان دو رکعت نماز نفل ویا تروایح می خواند در حقیقت ثواب فرض را کسب نموده است . پس در یک شب رمضان هر مومن حد اقل بیست رکعت تراویح را ادا می کند .این بیست رکعت اگر به نماز فرض محاسبه شود چه اندازه ثواب خواهد شد ؟ وچه اندازه گناهی انسـان مسـلمان محو خواهد شـد ؟وچه اندازه انسان مسلمان .مستحق اجرخواهد گردید.

6- عمل کرد پیامبر علیه اسلام بر اینکه دو ویا سـه شـب تراویح را ادا نمود؛ ولی از خوف فرض شدن ترکش کرد خود دلیل بر فضـیلت نماز تراویح می کند. زیرا اگر فضـیلت نمی داشـت شخصاً اشتراک نمی کرد .

7- زمانیکه افطار دادن یک صائم در رمضان ثواب بیشتر داشته باشد وافطار یک نفر یک روزه حساب شود پس آیا نماز که چندین رکعت خوانده میشود در حالیکه بهترین عبادت است ثواب بیشتر نداشته باشد؟

حکمت نماز تراویح

س 13- حکمت نماز ترا ویح را اگر تشریح کنید ؟

ج- هر عبادت از خود حکمت ها دارد که بعضی آنها الی همین اکنون درک شده است وبعضی از حکمت ها مجهول می ماند. از جمله حکمت های نماز تراویح .

1- جستجوی طرق وراه های خیر.

2- چون رمضان موسم عفوگناه ا ست .نماز یکی از اسباب بزرگ محو گناه می باشد .روی همین مطلب نماز تراویح در رمضان مبارک مشروع گردانیده شده است.

3- -تراویح دردنیا مشقت وسخت بوده، ولی در روز آخرت سبب راحتی انسان مسلمان می گردد.

4- - از اینکه رمضان مبارک وقت کسب ثواب بوده وپاداش هرعبادت در رمضان مبارک الی هفتاد وهفتصد برابرمی شود . ثواب نفل به اندازه ثواب فرض می شود.خداوند بزرگ اراده دارد که توسط نماز تراویح ثواب مسلمان را بیشتر سازد .

5- رمضان ماهی خلاصی انسان از آتش جهنم است. الله جل جلاله میخواهد که توسط نماز تراویح مسلمان را از آتش جهنم خلاص گرداند.

6- نماز وماه رمضان از اسباب قوی تقرب الی الله است . الله جلت عظمته می خواهد که به سبب هر دو عبادت بنده به پروردگارش تقرب بیشتر حاصل نماید.

7- عادت گرفتن بیشتر انسان در نماز می باشد.

8- اهمیت دادن به نماز است.

س 14- نماز تراویح چگونه ادا می گردد به جماعت ویا انفرادی ؟

ج- در مورد جماعت نماز تراویح نظریات فقهاء متعدد است .تعدادی مانند امام شافعی ، ابویوسف ، عیسی ابن

ابان ، ومزنی می گویند: چونکه تراویح نفل وسنت است باید پنهان در خانه ادا گردد . اما جمهور فقهاء جماعت نماز تراویح را ترجیح داده ومعتقد به افضلیت جماعت آن در مساجد می باشند.1

س 15- جماعت تراویح در منزل ادا شود؛ ویا در مسجد ؟

ج- به اساس عمل کرد رسول الله صلی الله علیه وسلم وخلفای راشدین ادای جماعت تراویح به مسجد بهتر است.

س 16- جماعت تروایح به کدام مساجد بهتر است که ادا گردد؟

ج- بهتر آن حرم مکه مکرمه ، حرم مدینه منوره ، مسجد اقصی وسائر مساجد جامع.

س 17- جماعت تراویح سنت عین است ویا کفایه ؟

ج- تعدادی معتقدانـد کـه اگر تمام اهل قریه جماعت تراویح را در مسجد ترک نمایند همه گنه گار میشوند. ولی تعدادی دیگر از فقهاء می گویند که جماعت تراویح سنت عین است همه باید اشتراک کنند.ودر صورت ترک ، همه مسؤلیت دارند2 با در نظر داشت اینکه مسولیت بی توجه به نماز بیشتر می باشد.

س 18- تروایح چگونه به جماعت خوانده شود در حالیکه رسول اکرم صلوات الله علیه بجز از چند شب محدود بیشتر نخوانده بلکه ترک کرده؟

ج- صحیح است که ترک نموده، ولی تر ک آن جهت عدم مشروعیت نماز تراویح نبوده است، بلکه ترک آن از جهت خوف فرضیت نماز تراویح بالای امت بود.

س 19-آیا شما در مورد اینکه در شب های رمضان تراویح خوانده شده ولی ترک آن به سبب خوف فرضیت بوده دلیل دارید؟

ج- بلی حدیث شریف صراحت دارد . **(عن عائشة أن رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صلى في المسجد ذات ليلة فصلى بصلاته ناس ثم صلى من القابلة فكثر الناس ثم اجتمعوا من**

1 المبسوط ج-1-ص196

2 البدائع والصنائع ج-1ص- 644

الليلة الثالثة أو الرابعة فلم يخرج إليه رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فلما أصبح قال: "قد رأيت الذي صنعتم فلم يمنعني من الخروج إليكم إلا أني خشيت أن يفرض عليكم" قالت: وذلك في رمضان[1].) ترجمه : عائشة رضی الله عنها می گوید : یکی از شب ها پیامبر علیه الصلاة و السلام نماز خواندن را در مسجد آغاز نمود . مردم عقب پیامبر علیه السلام ایستاده شده ودر نمازش شریک شدند. در شب بعدی مردم بیشتر شد .در شب سوم ویا چهارم مردم جمع شده ومنتظر شدند پیامبر علیه السلام به قصد ادای نماز خارج نشد درحالیکه مردم جمع وانتظار بودند. زمانیکه صبح شدخارج شد وفرمود : عملی را که دیدید ومن انجام دادم البته مانع خروج من به نماز خوف فرض شدن نماز بالای شما بود عائشة رضی الله عنها می گوید که این جریان در رمضان مبارک واقع شده بود.از حدیث شریف به صراحت معلوم می شود که رسول اکرم صلوات الله علیه تراویح را ادا نموده، ولی صرف بخاطرفرضیت آن جماعت تراویح را ترک کرد.

2-(**أَنَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَرَجَ لَيَالِيَ مِنْ رَمَضَانَ وَصَلَّى فِي الْمَسْجِدِ وَلَمْ يَخْرُجْ بَاقِي الشَّهْرَ وَقَالَ "صَلُّوا فِي بُيُوتِكُمْ فَإِنَّ أَفْضَلَ صَلَاةِ الْمَرْءِ فِي بَيْتِهِ إِلَّا الْمَكْتُوبَةَ"(وَقَالَ عبد الْأَعْلَى : فِي رَمَضَان - فَخرج النَّبِي - صَلَّى الله عَلَيْهِ وَسلم - فَصَلى فِيهَا . قَالَ : (فتتبع) إِلَيْهِ رجال وَجَاءُوا يصلونَ (بِصَلَاتِهِ) قَالَ : ثمَّ جَاءُوا إِلَيْهِ فَحَضَرُوا وَأَبْطَأَ النَّبِي - صَلَّى الله عَلَيْهِ وَسلم - عَنْهُم فَلم يخرج إِلَيْهِم ، فَرفعُوا أَصْوَاتهم وحصبوا الْبَاب ، فَخرج إِلَيْهِم) رَسُول (مغضبًا فَقَالَ (لَهُم) : مَا زَالَ بكم صنيعكم حَتَّى ظَنَنْت أَنه سيكتب عَلَيْكُم ، فَعَلَيْكُم بِالصَّلَاةِ فِي بُيُوتكُمْ ؛ فَإِن خير صَلَاة الْمَرْء فِي بَيته إِلَّا (الصَّلَاة) الْمَكْتُوبَة فى رواية ثُمَّ قَالَ مِنْ الْغَدِ خَشِيت أَنْ تُفْرَضَ عَلَيْكُمْ فَلَا تُطِيقُوهَا** »[2]

---

1. رواه البُخَارِي" 13/2 و 58/3 . و"مسلم" 177/2 . وابوداود 1373 و"النَّسائي" 202/3 ، وفي "الكبرى" (1602) . و"ابن خزيمة" 1128 أخرجه مالك "الموطأ" (91) . و"أحمد" 169/6

2 رواه البخاري "251/2": "731"، ومسلم "325/3، 326- النووي": ، حديث "213- 781"، البدر المنير فى تخريج

ترجمه : در روایتی دیگری نقل شده که پیامبر علیه الصلاة والسلام چند شبی از رمضان در مسجد آمد ونماز را ادا نمود . مردم به اختیار خود در نماز پیامبر علیه السلام شریک شده اند ولی درباقی شب ها خارج نشد . وفرمود: شما نماز های تانرا در خانه ها بخوانید .زیرا بهترین نماز شخص در خانه وی می باشد مگر نماز فرض . عبد الاعلی روایت نموده وگفت : در ماه مبارک رمضان پیامبر علیه السلام چند شب از منزل به قصد نماز خارج شد. مردم هم به نماز پیامبر علیه السلام شریک شدند. بعداً حسب عادت مردم جمع شدند وانتظار خروج ونماز پیامبر علیه السلام را داشتن، ولی خارج نشد. تا اینکه صدای مردم بلند شده ودروازه را دق الباب کردند. پیامبر علیه السلام در حالی خارج شد که غضب شده بود وگفت : چیست که به چنین عمل دوام میدهید من گمان کردم که این نماز بالای شما فرض نشود. شما نماز های تانرا به منزل خود لازم گیرد .زیرا بهترین نماز شخص در خانه وی می باشد مگر نماز فرض . در روایتی دیگری نقل شده وفرموده : وقتیکه صبح شد خارج شد وگفت : من ترسیدم که نماز بالای شما فرض نشود که بعداً طاقت ادای آنرا نخواهد داشتید.

س 20- آیا اصحاب خواندن نماز تراویح را دوام داده اند ویا خیر ؟

ج-بلی اصحاب نماز نفل را در ماه مبارک رمضان به گونه انفرادی دوام دادند .

س 21- چند شبی که پیامبر علیه السلام نماز تراویح را به جماعت ادا نمود مشخص است که کدام شب های رمضان بود ؟

ج- بلی بنابر روایت ابو ذر غفاری رضی الله عنه درشب 23- رمضان جماعت آغاز شد که بعداز گذشت دو شب پس قطع گردید.

الاحادیث والآثار ج-4-ص352وأبو داود "340/1": "1044"، والترمذي "312/2": "450"، والنسائي "3/ 197 "1599"، والدارمي "317/1":

س 22- جماعت تراویح برای مرد ها است ویا زنان نیز حق اشتراک را دارند؟

ج- نماز تراویح عبادت است . زن ومرد مسلمان در برابر عبادت مکلیفت یکسان دارند.

س 23- آیا خانم ها مثل مرد ها در جماعت حاضر شوند ویا اینکه در منزل خود ادا نمایند؟

ج- اگرشرائط خوب برای زنان در مسجد مد نظر گرفته شود ومصؤنیت عام ومطمئن باشد در مکان خاص در مسجد بهتر است و الا درخانه تراویح خود را ادا نمایند .

س 24- سنت نماز تراویح خاص برای خانم ها است؛ ویا دختران مجرد جوان، هم مکلفیت شرعی دارند؟

ج- نماز تراویح بالای هرعاقل ،بالغ وصحتمند سنت می باشد.برابر است که زن باشد ویامرد.

س 25- منظور از صحت کدام صحت است ؟

ج- صحت خاص خانم ها .1

س 26- یعنی اگر خانم ها مریض مهوار باشند ؛ روزه نگیرند ونماز نخوانند؟

ج- بلی اگر در جریان چنین مریضی روزه گیرندویا نماز بخوانند مرتکب گناه می شوند.

نیت نماز تراویح

س27- نماز تراویح نیت دارد ویا خیر ؟

ج- بلی هیچ عبادت بدون نیت نبوده و صحیح هم نمی شود .

س28- چگونه نیت کند آیا مطلق نیت نفل را داشته باشد ویا تراویح را مشخص نمایند ؟

ج- نظریات متعدد است ولی نظر اکثراین است. اگر نماز ووقت تراویح را در نیت وزبان مشخص کند بهتر خواهد بود.

---

1 شرح فتح القدیر ج-1-ص466- المبسوط ج-2-ص195- المحیط ج-1-ص456- بدائع الصنائع ج-1-ص-644- اعلاء السنن ج-ص7-ص69-

س 29- در هر رکعت نیت کند ویا نیت، دراول نماز کفایت می کند؟
ج- چونکه بعد از هردو رکعت سلام گردانیده می شود بهتر است که در ابتداء وآغاز هررکعت مانند خواندن اعوذ بالله بسم الله نیت را نیز تجدید نماید.
س30 - چه قسم نیت کند ؟
ج- در قلب خود بگرداند که نیت میکنم دو رکعت تراوایح میخوانم
س31- آیا تمام نماز های را چنین نیت کرده می تواند؟
ج_ بلی مثلا نیت می کنم چهار کعت فرض عصر ویا ظهر ویا چهار رکعت سنت ظهر ویا سه رکعت وتر الله اکبر را به زبان بگوید درست می شود.
س 32- نیت به زبان باشد ویا به قلب ؟
ج- محل نیت قلب است ونیت قلبی اعتبار قوی را دارد .
س 33- اگر نماز گذاری به زبان نیت نکند چه حکم دارد؟
ج- به اساس مذهب حنفی نیت زبانی خوب است .اگر به زبان نیت صورت نگیرد اکشالی ندارد. نماز وی می شود.
س 34- یعنی تنها به قلب خود بگرداند که چهار کعت فرض ویا سنت همین قدر کفایت می کند؟
ج_ بلی همین قدر درست است، ولی ! الله اکبر را باید به زبان بلند بگوید.
سوال35- آیا در آغاز دو رکعت که سلام گردانیده می شود سبحانک اللهم ، اعوذ بالله وبسم الله خوانده می شود وسنت است؟
جواب- بلی در ابتدای هر نماز باید خوانده شود وسنت است؟
سوال36- بعضی اوقات امام عاجل قرائت را قبل از ما آغاز می کند باز هم ما بخوانیم؟
جواب- در صورتیکه قرائت آغاز گردد خواندن سبحانک اللهم ، اعوذ بالله وبسم الله تر ک می شود ونباید خوانده شود؟
سوال37- چرا خوانده نشود طوریکه شما قبلاً گفتید سنت است؟

جواب- فعلا هم می گویم که خواندن سبحانک اللهم ، اعوذ بالله وبسم الله بعد از تکبیر تحریمه وقبل از قرائت درهر نمازسنت است . ولی در صورتیکه قرائت آغاز گردد سنت با واجب در تکر ودر تصادم می باشد. بناءً خواندن سنت در وقت انجام فرض وواجب صحیح نیست.

سوال38- چگونه در تصادم است ؟

جواب- گوش کردن قرائت قرآن واجب است امام قرائت دارد باید گوش کنیم . اما اگر خود را به خواندن سبحانک اللهم ، اعوذ بالله وبسم الله مصروف کنیم که حکم سنت را دارد گوش کردن قرآن که واجب است ترک وفوت می شود. طوریکه الله جلت عظمته به صراحت فرموده است (وقتیکه قرآن تلاوت شد، خاموش باشید وگوش کنید)

سوال39- اگر چنین حالت در نماز فرض تصادف کند عین حکم را دارد ؟

جواب- بلی در حالت نماز فرض قبل از ختم کردن(سبحانک اللهم واعوذ بالله وبسم الله) اگر امام قرائت را آغاز کند مقتدی نباید سبحانک اللهم ، اعوذ بالله وبسم الله را بخواند .

سوال40- آیا شرائط نماز تراویح با سائر نماز های فرض ، سنت واجب نفل فرق دارد ویا خیر؟

جواب- در اسلام همه یک نماز ویک عبادت می باشد از نگاه شرائط تمام نماز ها باهم مساوی وبرابر اند.

سوال41- هیچ فرق ندارد ویا در بعضی حالات تراویح با سائر نماز ها فرقی دارد ؟

جواب- از نگاه فرائض داخلی وخارجی نماز ، واجبات ، نواقض تمام نماز ها مساوی وبرابر اند . صرف در بعضی حالات تفاوت های اندک با هم دارند.

سوال42- اگر تفاوت ها را واضح سازید بهتر خواهد بود؟

جواب- سائر نوافل ، سنت ها وواجبات در جماعت ادا نمی گردد، ولی تراویح بر تری اش در جماعت است. در نماز فرض اگر امام در قرائت توقف می کند وآیت را فراموش می کند اگر به قدر سه آیت خوانده بود فتحه دادن در مذهب حنفی جواز ندارد امام باید رکوع کند . اگر فتحه داده شود نماز فتحه دهنده فاسد اگر امام انتظار فتحه را داشته باشد، با وصفیکه سه آیت خوانده است نماز امام فاسد می شود اما در تراویح وسعت است .نماز فرض عقب طفل ممیز قبل از بالغ شدن اش به اتفاق نماز نمی شود . ولی نماز تراویح عقب چنین

طفل که ده ساله باشد به نزد تعدادی از فقهاء جائز می باشد. زیرا سن ده سالگی اولین لحظات جوانی پسران محسوب می شود.

سوال43- آیا رکوع ، سجده ، قرائت و تشهد نماز تراویح با سائر نماز ها فرق ندارد ؟

جواب- نه در موارد مذکور یاد شده تراویح با سائر نماز ها کاملا یکسان می باشد.[1]

سوال44- اگر امام در تراویح سهو شد چه باید کند ؟

جواب- چه نوع سهو . اگر سنت را ترک کند نمازش درست، ولی ثواب کم. اگر فرض را ترک کند نمازش فاسد . اگر واجب را ترک کرد ویا فرض را تقدیم وتأخیر نمود در آن صورت سجده سهو کند.

سوال45- اگر در قرائت سهو شد چه باید کرد؟

جواب- در صورتیکه بعضی از آیا ت ترک شده باشد در رکعت دوم همان آیات را پس اعاده کند وبخواند.

سوال46- اگر آیات را در رکعت اول کاملا اشتباه خوانده باشد در آن صورت چه بایدکرد؟

جواب- در آن صورت دورکعت نماز خوانده شده را دو باره اعاده کند.

سوال47- تعدادی نماز گذاران در وقت تراویح نشسته وامام قرائت دارد وقتیکه رکوع نزدیک می شود آنها نیز استاده می شوند ونیت می کنند. آیا این عمل کرد، درست است؟

جواب- نه درست نیست، بلکه چنین عمل ، عمل منافقین می باشد . زیرا منافقین در نماز تنبل وکسلان می باشند. الله جلت عظمته می فرماید : **(إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَىٰ يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا)**[2] ترجمه : منافقان می‌خواهند خدا را فریب دهند؛ در حالی که او آنها را فریب می‌دهد؛ و هنگامی که به نماز برمی‌خیزند، با کسالت برمی‌خیزند؛ و در برابر مردم ریا می‌کنند؛ و خدا را جز اندکی یاد نمی‌نمایند!

سوال48- اگر در تراویح مقتدی نشسته باشد وامام ایستاده چه حکم دارد ؟

جواب- در صورت ضرورت اشکال ندارد می شود. اما اگر بدون ضرورت نشسته باشد فقهاء اختلاف نظر دارند . برخی می گویند

1- المحیط، ج1، ص466

[2] سوره نساء ایت 142

که نماز وی نمی شود. تعدادی می گویند که نماز نشسته می شود ولی ثواب آن نهایت درجه کم می شود.

سوال49- اگر امام ومقتدی ها نماز تراویح را نشسته انجام دهند چه حکم دارد؟

جواب- اگر همه معذور باشند جواز اگر معذور نباشند صحیح نیست.[1]

سوال50- اگر امام در تراویح تشهد درود ودعا را عاجل ختم کند در حالیکه مقتدی به درود ودعا نرسیده باشند اما امام سلام گرداند چه باید کرد؟

جواب- متابعت امام واجب است باید عقب امام سلام دهند وخواندن متباقی را ترک نمایند.

سوال 51_- آیا نماز مقتدی می شود در حالکیه بعضی افعال نماز را ترک کرده است.

جواب- بلی نماز مقتدی می شود تقصیر وگناه متوجه امام می شود.

سوال 52- چرا امام مقصر وگناه گار شود، در حالیکه امام شاید مکمل خوانده باشد؟

جواب- اگر امام مناسب خوانده باشد بسیار سرعت نخوانده باشد، در آن صورت گناه بالایش نیست ومقصر قتدی است. اما اگر امام به سرعت زیاد خوانده باشد؛ مقصروگنه گارامام است.

سوال53- اگر امام در عدد نماز تراویح شک نمود چه باید کرد؟

جواب- اول به علم یقین خود عمل نماید ویا به خبر قوم ویا به اعلان و خبر دو عادل.

سوال54- اگر فرضا یک رکعت را ادا کرده بود سلام داد ویا سه رکعت خواند چه باید کرد؟

جواب- در آن صورت نماز تراویح آن فاسد می شود باید از سر بخواند.

سوال55- اگر ختم هم بوده باشد قاری در یک ویا در سه رکعت اشتباه شد نماز را از سر گرفت قرآنی را که خوانده از سر بخواند ویا چطور؟

1- المبسوط، ج 2، ص198

جواب- به نظر مذهب حنفی قرآن خوانده شده ؛ تکرار نشود . صرف نماز از سر خوانده شود آیاتی بعدی را امام قرائت نماید.

وقت ادای نماز تراویح

سوال56- نماز تراویح چه وقت ادا گردد؟

جواب- وقت جواز آن بعد از نماز عشـــاء قبل از وتر الی اخیر شب می باشد.

سوال57- وقت بهتر ادای نماز تروایح چه وقت است؟

جواب- وقت بهتر آن نیمه شب قبل از وتر تا ثلث شب می باشد .[1] مشروط بر اینکه اگر مردم الی اخیر شب انتظار بکشند. واگر انتظار نکشند بهتر وقت آن بعد از نماز خفتن قبل از وتر به جماعت می باشد.

سوال58- آیا نماز تراویح بعد از وتر می شـود مانند اینکه انسان در نماز وتر در جماعت برسد میتواند که بعداً تراویح را بخواند؟

جواب- در این صــورت خواندن تراویح بعداز وترجواز دارد. اما بهتر نیست.

سوال59- اگر یک رکعت تراویح را پشت امام یافتیم بعداً چه باید کرد؟

جواب- مانند سـائر نماز ها یک رکعت دیگر آنرا مقتدی ادا کند.

سوال60- اگرشخصی آمد که چندین رکعت تراویح خوانده شده است چه وقت نماز باقی را بخواند؟

جواب- بعد از ختم تراویح قبل از وتر اگر بقیه تراویح را ادا کند بهتر خواهد بود. اما اگر جماعت وتر خوانده شود در آن صورت جماعت وتر را ادا کند سپس تراویح باقی را ادا نماید.[2]

سوال 61 - یک تعداد مقتدی ها بعضی نماز های فوت شده ی تروایح خود را در حالی می خواند که امام در حالت نماز وقرائت است چه حکم دارد؟

جواب - کاملا این شخص مقصر وخلاف اسلام عمل نموده است . زیرا در وقت جماعت مسـلمان حق ندارد نماز دیگری را ادا نماید.

1- المبسوط، ج2، ص201، المحیط، ج1، ص 458

2- درالمختار، ج1، ص473

سوال 62- از مقتدی جند رکعت تراویح فوت شده است پس چه کار کند؟
جواب - اگر در بین ترویحه ها وقت بود تلاوت نمی شد، در بین تروحیه بخواند اگر نشد؛ در اخیر تراویح بخواند.
سوال63- اگر از شخصی نماز تراویح به جماعت فوت شد قضائی دارد و یا خیر؟
جواب- قضائی بطور جماعت ندارد ،ولی اگر تنها در همان شب بخواند بهتر وخوب است.
سوال64- اگر مسلمان در شب رمضان مریض بود ویا مصروفیت ضروری داشت تراویح وی کلاً ترک شده در شب های بعدی قضائی دارد؟
جواب- نظر به فتاوای فقهاء در شب های بعدی قضائی ندارد.[1]
سوال 65- اگر آن شخص بخواند چه حکم است ؟
جواب - بهتر است عبادت است
سوال66- اگر شخصی بنابر معذرت بعضی اوقات تراویح را خوانده نتوانست روزه آن صحیح می شود ؟
جواب- بلی روزه بدون نماز تراویح میشود؛ ولی تراویح بدون روزه نیست.
سوال67- اگر شخصی بنابر معذرت ها در خانه جماعت کنند درست است ویا خیر ؟
جواب- شکی نیست که جماعت ترا ویح در مسجد بهتر است . ولی اگر در خانه به اساس عذر شرعی باشد جواز اگر نباشد جماعت تراویح وهمه جماعت های نماز در مسجد بهتر می باشد.
سوال68- اگر درخانه جماعت کردند آیا خانم ها میتوانند که در جماعت مرد ها شریک شوند؟
جواب- بلی شریک شده می توانند که صف خانم ها در عقب مرد ها باشد نه مختلط.
سوال69- زن مرد باهم محرم اند یک خانواده اند .
جواب- اگر محرم نباشند اصلا نماز ایشان بطور مختلط درست نیست. اگر محرم باشند بازهم مختلط ایستاد شدن ایشان جواز ندارد.

1- هدایه، ج1، ص61. بدائع الصنائع، ج1، ص645

سوال 70- اگر در جماعت خانوادگی که همه محارم اند، یکی از خانم ها می توانند که اقامه بگویند ویا تسبیحات بین چهار رکعت تراویح را بخوانند ؟

جواب - بلی می توانند اشکالی شرعی ندارد.

سوال71- آیا مرد ویا خانم ها تنها گذار تراویح را در خانه ادا کرده می توانند؟

جواب- بلی اگر مشکل جماعت باشد می توانند که انفرادی ادا کنند

سوال72- اگر در اول شب نتوانند که تراویح را در جماعت ادا کنند آیا می توانند که قبل از سحری تراویح خود را ادا کنند ؟

جواب- بلی می توانند.

سوال73- تنها گذار ویا به جماعت ؟

جواب- در هر دو صورت .

سوال74- قبل از سحری نماز فرض وترایح را ادا کرده می توانند؟

جواب- اگر بنابر معذرت فرض ویا ترو ایح ترک شده باشد قبل از روز شدن در وقت سحری جواز دارد ولی خوب نیست .

سوال75- چرا خوب نیست؟

جواب- بخاطریکه وقت فرض اخیر شب نیست .

سوال 76- آیا مسلمانی همیشه می تواند که فرض ویا ترو ایح را قبل از سحری بخوانند ؟

جواب - نخیر درست نیست.

مقدار ترویحه ویا جلسه

سوال77- این نشستن بین هر چهار رکعت چه حکم دارد؟

جواب- سنت است.

سوال78- سنت کیست؟

جواب- سنت صحابه وسلف صالح است. زیرا عمل کردن ایشان به گونه جماعی به مثابه اجماع امت می شود ؛ اجماع امت یکی از ادله شرعی می باشد.

سوال79- چه مقدرا باید نشست ومکث کند؟

جواب- به اندازه خواندن چهار رکعت نماز تراویح .

سوال81- حکمت چیست؟

جواب- رفع خستگی واینکه در عبادت ملالت رخ ندهد.

سوال82- در این ترویحه چه چیز خوانده شود؟

جواب- در اصل هیچ چیزی خوانده نمی شود، زیرا ترویحه واین جلسه بخاطر رفع خستگی است که بین هر چهار کعت انجام می شود.

سوال83- پس آیا سکوت کند ویا چیزی را بخواند؟

جواب- در مورد خواندن وعدم آن نظریات فقهاء متعدد است .

- برخی معتقد اند که کسیکه در حرم مکه مکرمه باشد باید طواف کند.
- برخی می گویند در این وقفه باید نمازنفل بخوانند .
- بعضی می گویند سبحان الله ویا مطلق ذکر نماید .
- برخی می گویند باید از خوردنی ونوشیدنی ها جهت آمادگی به چهارکعت دیگری ، استفاده کنند.
- برخی دیگری عقیده دارند که باید سکوت نمود.
- تعدادی می گویند قرآن بخوانند.
- تعدادی می گوید که هر نماز گذار اختیار دارد که چه عملی رادر ترویحه انجام میدهد.
- وتعدادی می گویند که این اذکار خوانده شود. (**سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ ، سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ وَالْعَظَمَةِ وَالْقُدْرَةِ وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْجَبَرُوتِ ، سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ ، سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ نَسْتَغْفِرُ اللَّهَ ، نَسْأَلُك الْجَنَّةَ وَنَعُوذُ بِك مِنْ النَّارِ**)[1]

ترجمه : پاکی است بر ذاتی که صاحب پادشاهی وملکوت است پاکی است به ذاتی که صاحب عزت ، عظمت ، قدرت ، کبریاء وزور فشار است پاکی است بر ذاتی که پادشاه است مرگ ندارد. پاک است از هر گونه عیب ها ویگانه است پروردگار فرشتگان وروح جبریل است. نیست معبود برحق مگر یک الله ؛ از الله سبحانه وتعالی مغفرت وبخشش میخواهیم . از وی جنت ونجات از آتش جهم میخواهیم.

سوال84- آیا الفاظ مذکور در احادیث ثابت است؟

جواب- در مجموع الفاظ ثابت است ولی بطور کلی منحیث حدیث مستقل در کتب احادیث پیدا شده ولی به سند ضعیف برخی از فقهاء مثل فقهای مذهب حنفی در کتاب های خود نقل کرده اند.

1- شرح فتح القدیر، ج1، ص466، المبسوط، ج2، ص195، المحیط، ج1، ص456، بدائع الصنائع، ج1، ص 644،

سوال85- آیا همین الفاظ در مورد رمضان ذکر شده ویا مطلق ؟

جواب- بلکه مطلق ذکر شده است.

سوال86- پس شما این الفاظ را از کجا نقل کردید؟

جواب- از کتاب ابن عابدین . بنام الدرالمحتار باب نماز تراویح.[1]

سوال87- کتاب مذکورکتاب حدیث نیست شما چطور حدیث را نقل کردید؟

جواب- درست است که حدیث باید از کتاب های حدیث نقل شود اما اینکه در کتاب های مشـــــهور حدیث نبود من هم از کتاب فقه نقل کردم.

سوال88- خواندن این دعا وذکر در بین مردم افغانستان شهرت خاص داشته و در بعضی مساجد همین اکنون خوانده می شود. این عمل از نظر شریعت صحیح است وثواب دارد ویا خیر؟

جواب- بلی ثواب دارد مخالف به سنت نیست وکلمات پر محتوا دارد ومورد تائید محتهدین می باشد.

سوال89- اگر شخصی در بین هر چهار رکعت قرائت ویا سکوت کند چه حکم دارد ؟

جواب- در مورد هر امام واهل مسجد مختار هستند که در بین هرچهار رکعت چه عملی اسلامی را انجام میدهند.[2]

ســــوال 90- اگر نماز گذاران در بین هرچهار رکعت تراوایح نشستن را ترک کنند، چه حکم دارد؟

جواب - کار خوب نیست. شاید هم گناه نباشد. نماز ایشان می شود .

قرائت در نماز تراویح

سوال91- در نماز تراویح چه خوانده می شود؟

جواب- نماز تراویح مثل سایر نماز ها است، قرآن خوانده می شود.

سوال92- آیا آغاز نماز تراویح مانند سائر نماز ها است ؟

جواب- بلی در آغاز وختم ؛ نماز تراویح با ســائر نماز ها در شرائط وواجبات کدام تفاوتی ندارد .

سوال93- آیا درهردو رکعت قرائت، به یک اندازه باشد ؟

1- حاشبیة بن عابدین، ج2، ص46

2- اعلاء الاسنن، ج7، ص73،

جواب- بلی اگر یک اندازه باشـــــد خوب ، اگر رکعت اول نسبت به دوم طویل تر باشد، بهتر خواهد بود.
ســــــوال94- در وطن ما رواج اســـــت که در تمام رکعت های تراویح سوره ها ی کوتاه را تلاوت می کنند آیا صحیح است؟
جواب- بلی صحیح است اما اگر تکرار نشود بهتر است به دلیل اینکه قرآن آیات زیادی دارد که در نماز تراویح تلاوت شود.
سوال95- آیا مقدار قرائت در تراویح معلوم است ویاخیر ؟
جواب- نخیر. تراویح مانند سائر نمازها بوده مقدارمشخص از قرائت وجود ندارد.
ســــــوال96- آیا امام از روی قرآن کریم ختم ویا تراویح داده می تواند؟
جواب- در بین امامان مذهب حنفی موضوع مذکورمورد اختلاف نظر اســـــت. به نظر امام ابوحنفیه قرائت در داخل نماز از روی قرآن عمل کثیر می باشـــد وانســـانرا از تفکر وتوجه به نماز مصروف می سازد بناءً سبب فساد نماز می شود. اما امام ابویوســـــف وامام محمد می گویند : قرائت در نماز ازروی قرآن سبب فساد نماز نمی شود.[1]
سوال 97- طوریکه در عصر کنونی مردمی زیاد مسلمان می شـوند ، پس ایشــان قرآن را حفظ ندارند، آیا می توانند که از روی قرآن در نماز بخوانند؟
جواب _ در صورت ضرورت الی حفظ قرآن که امام هم نباشد؛ جایز است.
ســــــوال98- اگر مقتدی یا ســـــامع در عقب امام در جریان تروایح قرآن کریم رابدست داشته وتعقیب کند چه حکم دارد؟
جواب- اختلاف قبلی است. در مذهب حنفی عمل خوب نیست.
سوال99- اگر ضرورت باشـد هیچ یک قرآن را یاد نداشـته باشند شب رمضان هم است مسلمانان روزه هم گرفته اند ووقت نماز تراویح هم فرا رسیده باشد. چه باید کرد؟
جواب- در صــورت ضــرورت امامت از روی قرآن ان شـــا الله به اتفاق جائز می باشد.
ســـوال 100- آیا در مورد جواز موضــــوع دلیل شـــرعی وجود دارد؟

---

[1]- تبین الحقائق، ج1، ص158. المبسوط، ج 1، ص369

جواب – بلی است نگاه کنید به روایت اثر.
در یکی از روایت ها نقل شده که عائشة رضی الله عنها غلامش را امر کرد که تراویح رابرای ما جماعت بدهد، در حالیکه غلامش ذکوان قرآن کریم را از روی آن، قرائت می نمود. (عن عائشة رضي الله عنها أنها أمرت مولاها ذكوان أن يؤمها في قيام رمضان ، وكان يقرأ من المصحف)[1]
سوال101- مذهب حنفی این قول عائشه رضی الله عنها را چه جواب داده است؟
جواب- مذهب حنفی هیچ وقت مخالفت از اقوال وافعال صحابه نمی کند ولی می گویند که ذکوان (رض) قبل از نماز قرآنرا از روی، جهت آمادگی تلاوت می نمودآنها فکر کرده اند که در نماز بوده باشد.
سوال102- مذاهب دیگری در مورد قرائت از روی قرآن در داخل نماز چه نظر دارند؟
جواب- مذاهب فقهی غیر از مذهب حنفی قرائت را از روی قرآن در داخل نماز در صورت مشکلی اجازه داده اند.
سوال103- حالا ما می توانیم که تراویح را از روی قرآن کریم امامت کنیم ویا در حین قرائت نماز ،قرآن کریم را بدست خود داشته وقرآن را نگاه کنیم .
جواب- شما در مورد اختیار دارید نظریات را عرض نمودم به عقیده من عمل کثیر در نماز است مناسب نمی باشدقبلا جهت ضرورت انجام شده است.
سوال104- ختم قرآن کریم در نماز تراویح چه حکم دارد؟
جواب- سنت است.
سوال105- در نماز تراویح چند ختم باید صورت گیرد؟
جواب- به اساس نظر امام ابو حنیفه رحمة الله علیه در طول نماز تراویح یک ختم بهتر وسنت می باشد.[2]
سوال106- آیا پیامبر علیه الصلاة والسلام در تراویح ختم کرده بود ؟

---

[1]- رَوَاهُ الْبَيْهَقِيّ بِإِسْنَاد صَحِيح ذكره الْبُخَارِيّ فِي «صَحِيحه» تَعْلِيقا بِغَيْر إِسْنَاد. مصنف کتاب البدر المنیر ج4، ص519، میگوید که حدیث مذکور را امام بخاری در کتاب صحیح خود بدون اسناد تعلیقاً روایت نموده اما ابن ابی شیبه بعضی محدثین دیگری حدیث را باتمام اسنادش نقل کرده اند وامام بیهقی هم فرموده که اسناد حدیث صحیح است.
2- المبسوط، ج2، ص195، المحیط، ج1،ص456، بدائع الصنائع، ج1، ص،644، شرح فتح القدیر، ج1، ص466،

جواب- نخیر .

سوال107- وقتیکه پیامبر علیه الصلاة والسلام در تراویح چند شب ختم نکرده. پس شما به کدام دلیل ختم تراویح را سنت گفتید؟

جواب- اول اینکه طوریکه جماعت نماز تراویح سنت صحابه وخلفای راشدین بوده ختم قرآن در نماز تراویح ، نیز سنت صحابه وخلفای راشدین مخصوص سنت عمر ابن الخطاب رضی الله عنه می باشد. دوم: فقهای مذهب حنفی ختم قرآن را در تروایح سنت گفته اند .

سوال108- به اساس نظر امام در هر رکعت چند آیت باید خوانده شود؟

جواب- به نظر امام ابوحنفیة رحمة الله علیه در هر رکعت باید ده آیت شریف خوانده شود.

سوال109- آیا در مورد ختم قرآن در نماز تراویح دلیل شرعی دارید؟

جواب- در کتاب اعلاء السنن به یک حدیث ضعیف استدلال کرده اند.

(عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، قَالَ:خَرَجَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وسلم ، فَإِذَا أُنَاسٌ فِي رَمَضَانَ يُصَلُّونَ فِي نَاحِيَةِالْمَسْجِدِ ، فَقَالَ : مَا هَؤُلاَءِ ؟ فَقِيلَ : هَؤُلاَءِ نَاسٌ لَيْسَ مَعَهُمْ قُرْآنٌ ، وَأُبَيُّ بْنُ كَعْبٍ يُصَلِّي وَهُمْ يُصَلُّونَ بِصَلاَتِهِ ، فَقَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وسلم: أَصَابُوا ، وَنِعْمَ مَا صَنَعُوا).[1]

ترجمه :ابو هریره رضی الله عنه روایت نموده که پیامبر علیه السلام همرای جمع از اصحاب در مسجد آمد که تعدادی مردم در رمضان مبارک در کنار مسجد نماز می خوانند . گفت این ها کی ها اند؟ گفته شد این ها اشخاصی اند که قرآن همرای ایشان نیست ابی بن کعب نماز میخواند و مردم به نماز ابی بن کعب نماز می خوانند. پیامبر علیه السلام فرمود : رسیدند ونیک عمل را انجام داده اند.

وجه استدلال: ابی بن کعب چون حافظ قرآن بود برای مردم جماعت میداد وپیامبر علیه السلام عمل وی را تمجید نمود. اگر حدیث ثابت شود حضرت عمر بن الخطاب رضی الله عنه ابی بن

1- رواه أبو داود (1377) و"ابن خزيمة" 2208 و"ابن حِبَّان" 2541 .در صحت سسند حدیث مذکور اختلاف نظر است تعدادی معتقد به ضعیف بودن حدیث دارند. علت ضعف حدیث وجود مسًلم بن خالد است. که در حدیث ضعیف میباشد. گرچه علت ضعف هم واضح نشده است. .ولی ابن معین شخص مذکور را توثیق نموده است.

کعب را به اساس عمل کرد سنت در نماز بار دوم پیش کرد . هم چنان مفتی تهانوی صاحب می گوید : سنت بودن ختم قرآن در نماز تروایح از مداومت ومواظبت صحابه ثابت شده است.[1]

سوال110- در کدام شب رمضان ، ختم قرآن کریم در نمازتراویح بهتر است؟

جواب- در مذهب حنفی اگر ختم قرآن کریم در تروایح در شب بیست وهفتم صورت بگیرد بهتر است.

سوال111- چرا شب بیست وهفتم را در ختم قرآن درتراویح بهتر گفتید؟

جواب- مذهب حنفی ترجیح داده وفرموده اند : بنابر روایات متعدد در شب بیست هفتم احتمال وقوع شب قدر بیشتر می باشد بناء اگردرهمین شب ختم وحفل مجلس باشد بهتر است .

سوال112- یک تعداد قراء وامامان مساجد قرائت ، رکوع وسجده نماز تراویح را بسیار به عجله میخوانند چه حکم دارد ؟

جواب- عجله در قرائت نماز تراویح در مذهب حنفی کراهت دارد یعنی مکروه است.[2]

سوال113- چرا مکروه است ؟

جواب- گوش کن به آیات متبرکات واحادیث نبوی .

1. الله جلت عظمته در مورد ادب تلاوت می فرماید: (أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا)[3] ترجمه : یا بر نصف آن بیفزا، و قرآن را با دقّت و تأمّل بخوان)

وجه استدلال: به دقت وتأمل قرآن وقتی خوانده می شود که عجله در قرائت نباشد .

2. همچنان الله جل جلاله می فرماید: (لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ)[4] ترجمه : زبانت را بخاطر عجله برای خواندن آن [= قرآن] حرکت مده) این آیت شریف به صراحت عجله را درحالت قرائت منع نموده است .

3. الله تعالی می فرماید: (أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا)[5] ترجمه : آیا آنها در قرآن تدبّر نمی‌کنند، یا بر دلهایشان قفل نهاده شده است؟

1- اعلاء السنن، ج 7، ص 75
2- المحیط البرهانی فی فقه النعمانی، ج1، ص 455
3 - سوره مزمل، آیت 4
4- سوره قیامت، آیت 16
5- سوره محمد، آیت 24

4. الله جل جلاله می فرماید: (أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا)[1] ترجمه :
آیا درباره قرآن نمی‌اندیشند؟ اگر از سوی غیر خدا بود، اختلاف فراوانی در آن می‌یافتند.
وجه استدلال: در دوآیت مذکور به تدبر در آیات قرآن دستور داده شده است، زمانی تدبر صورت می گیرد که انسان آیت را درست و واضح بشنود. وقتیکه قرآن درست شنیده نشود چگونه تدبر وتفکر صورت گرفته ومحقق شود.
5. الله سبحانه وتعالی می فرماید: (فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِن قَبْلِ أَن يُقْضَى إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُل رَّبِّ زِدْنِي عِلْمًا)[2]
ترجمه :پس بلندمرتبه است خداوندی که سلطان حقّ است! پس نسبت به (تلاوت) قرآن عجله مکن، پیش از آنکه وحی آن برتوتمام شود؛ وبگو:«پروردگارا! علم مرا زیاد کن!»
وجه استدلال: به صراحت از عجله به قرآن منع شده است. پس کسیکه خلاف قرآن عمل می کند طبعاً مقصر بوده ودرگناه است.
6. عن ابي مسعود البدري قال : قال رسول الله صل الله علیه وسلم :لاَتُجْزِىءُصَلاَةُ الرَّجُلِ حَتَّى يُقِيمَ ظَهْرَهُ في الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ .)[3]
ترجمه : رسول اکر م صل الله علیه وسلم فرموده است : جائز نیست نماز، نماز گذار تا اینکه پشت خود را در رکوع وسجده برابرنکند (منظور اتمام قومه وجلسه است که بعد از رکوع درست استاده شده و بعد از سجده اول صحیح وراست بنیشیند) در حدیث تفاوتی را دربین نماز های نفل،سنت وفرض قائل نشد ه است.
7. عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ،قَالَ : قَالَ رَسُولُ الله صلى الله عليه وسلم:(لاَيَنْظُرُاللَّهُ إِلَى صَلاَةِرَجُلٍ لاَيُقِيمُ صُلْبَهُ بَيْنَ رُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ.)[4] ترجمه :
رسول اکرم صل الله علیه وسلم فرمود: الله بزرگ نگاه نمیکند به سوي آن نماز؛ که درآن بعد از رکوع استاده وبعد از سجده اول درست ننشسته باشد. منظور عدم قبول شدن نماز

1- سوره نساء، آیت 82
2- سوره طه، آیت 114
3- رواه أبوداود (226/1،رقم 855) ، والترمذی (51/2 ،رقم 265) وقال: حسن صحيح
4- رواه أحمد، 525/2(10812) »

است. هم چنان تهدید بر کسانیکه نماز را به عجله ادا می کنند.

1. عن ابي قتاده رضي الله عنه قال قال رسول الله صل الله عليه وسلم: أسوء الناس سرقةً الذي يَسرق مِن صلاته : قيل كيف يسرقُ من صلاته ؟ قال لا يُتِمّ ركوعَها ولا سُجُودَها ولا القراءة فيها)[1]

ترجمه : رسول اکرم صل الله عليه وسلم فرمود: بد ترين دزد ها دزدنماز است ، از او پرسيده شد که دزديدن نماز چه گونه است ؟ فرمود: عدم اتمام رکوع ، سجده وعدم درست قرآئت کردن. دزدیدن از نمازاست .یعنی درروز قیامت عوض مال دزدیده شده به صاحب مال ثواب دزد ویا گناهی صاحب مال بالای دزد انداخته می شود که دزد مفلس باقی گذاشته خواهدشد.همين طوردزد نماز در روزقيامت مفلس می باشد بخاطر اينكه نماز ش قبول نشده است.

9- وَعَنْ أَنَسٍ قَالَ : سَمِعْتُ رَسُولَاللَّهِ – صلى الله عليه وسلم- يَقُولُ : «تِلْكَ صَلَاةُ الْمُنَافِقِ يَجْلِسُ يَرْقُبُ الشَّمْسَ حَتَّى إِذَاكَانَتْ بَيْنَ قَرْنَيْ الشَّيْطَانِ قَامَ فَنَقَرَهَا أَرْبَعًا لَايَذْكُرُاللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا»[2]

ترجمه :رسول اکرم صل الله عليه وسلم فرمود: چنین است نماز منافق ، در اخير وقت بين دو شاخ شيطان نماز را طوري ادا مي كند كه ماكيان دانه را از زمين بردارد. (اداي نماز در وقت زردي آفتاب بدون رعايت رکوع وسجده صورت گيرد.) متأسفانه اكثر مردم ما نماز های پنج گانه را به همين شكل انجام می دهند.که یادراخیر وقت نمازمی خوانند،یادرست رکوع نمی کندکه حد اقل درحالت رکوع سه بار سبحان ربی العظيم بگویند ويا اینکه بعد ازرکوع درست ایستاده شوند که تمام اعضای بدن در مکان اصلی خود قرار گیرد واین ذکر راحد اقل بعد رکوع بخوانند(ربنا لک الحمد حمداًكثيراًطيباًمباركاًفيه) بلکه مردم نمازرا به گونه عادتی ،بدون درنظر داشت اصول شریعت می خوانند،که این ترتیب نماز را ؛ به اصطلاح شريعت، نمازمنافق می گويند.

2. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْأَشْعَرِيِّ – رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ – أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَأَى رَجُلًا لَا يُتِمُّ رُكُوعَهُ وَيَنْقُرُ فِي سُجُودِهِ

1- رواه الطبراني في الكبير (242/3 ،رقم 3283) ، وفى الأوسط (130/8 ،رقم 8179)، وأبونعيم فى المعرفة من طريق الحسن بن سفيان (751/2 ،رقم 2003) ، والحاكم (353/1 ،رقم 835) وقال : صحيح على شرط الشيخين .

2- رواه وأحمد "254/2"،والبخاري "56/2": "579"،ومسلم "424/1" "608/163"،وأبوداود "288/1":

وَهُوَ يُصَلِّي فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: " لَوْ مَاتَ عَلَى حَالِهِ هَذِهِ مَاتَ عَلَى غَيْرِ مِلَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ)[1]

ترجمه : ابو موسی اشعری می گوید: که محمد علیه السلام مردی را در نماز دید که رکوع را درست انجام نمی دهد ودر سجده مانند ماکیان نول میزند.پیامبر علیه صلی الله علیه وسلم فرمود: این شخص را ببینید اگر در همین حالت نقص نماز بمیرد، مرگ آن مرگی است به غیر سنت وملت محمد رسول الله صل الله علیه وسلم .

3. عَنْ بِلَالٍ أَنَّهُ أَبْصَرَ رَجُلًا لَا يُتِمُّ الرُّكُوعَ وَلَا السُّجُودَ فَقَالَ: لَوْ مَاتَ هَذَا لَمَاتَ عَلَى غَيْرِ مِلَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ)[2]ترجمه : بلال رضی الله عنه مردی را دید که در جریان نمازدرست رکوع وسجده نمی کند، وقتیکه آن مرد نماز خود را تمام کرد بلال برایش گفت: نماز نخواندید؛ راوی حدیث می گوید : که گمان می کنم آن مرد را گفت اگر در همین حالت وفا ت کنید، مرگ شما مرگ جهالت ویا به غیر ملت وسنت پیامبر علیه السلا م خواهد بود .

4. عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْمَقْبُرِيِّ،عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ،قَالَ:(دَخَلَ رَجُلٌ الْمَسْجِدَفَصَلَّى،ثُمَّ جَاءَ إِلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وسلم فَسَلَّمَ، فَرَدَّعَلَيْهِ السَّلاَمَ،وَقَالَ : ارْجِعْ فَصَلِّ فَإِنَّكَ لَمْ تُصَلِّ،فَرَجَعَ،فَفَعَلَ ذَلِكَ ثَلاَثَ مَرَّاتٍ،قَالَ : فَقَالَ : وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ مَا أُحْسِنُ غَيْرَهَذَافَعَلِّمْنِي،قَالَ : إِذَاقُمْتَ إِلَى الصَّلاَةِفَكَبِّرْ،ثُمَّ اقْرَأْ مَا تَيَسَّرَ مَعَكَ مِنَ الْقُرْآنِ،ثُمَّ ارْكَعْ حَتَّى تَطْمَئِنَّ رَاكِعًا،ثُمَّ ارْفَعْ حَتَّى تَعْتَدِلَ قَائِمًا،ثُمَّ اسْجُدْحَتَّى تَطْمَئِنَّ سَاجِدًا،ثُمَّ ارْفَعْ حَتَّى تَطْمَئِنَّ جَالِسًا،ثُمَّ افْعَلْ ذَلِكَ فِي صَلاَتِكَ كُلِّهَا.)[3] ترجمه : ابو هريره رضي الله عنه مي گويد : پيامبر صلى الله عليه وسلم داخل مسجد بود که مردي نيز وارد مسجد شد ونماز را ناقص اداکرد بعد از اداي نماز بحضورپيامبر صلى الله عليه وسلم آمدو سلام داد ؛ پيامبر عليه السلام برايش گفت: برويد نماز را ادا کنيد زيرا شما نماز را ادا نکرديد .شخص جهت اعاده نماز رفت واين عمل چند بار تکرار شد، ولي شخص مذکور به همان ترتيب سابق يعني نماز ميخواند رکوع وسجده خود را درست نمي کرد؛ پيامبر عليه السلام

1- رواه ابن خزيمة . وکنز العمال، شماره حديث 20009،

2- ترغيب ترهيب، شماره حديث755،

3- رواه البخاري في " باب ص 105 ، ومسلمفي " باب وجوب قراءة الفاتحة في کل رکعة "، ص 170. والنسائي في " فرض التکبيرة الأولى"، ص 141. رواه الترمذي في " باب وصف الصلاة "، ص 40

نمازرابرایش تعلیم داد وگفت : وقتیکه به نماز ایستاده شدید آنچکه براي شما آسان است قراءت کنید سپس رکوع کن تاوقتیکه در حالت رکوع مطمئن شوید بعد از رکوع برخیزید تا اینکه خوب اعتدال اعضاي بدن صورت گیرد. بعد از آن سجده کن تا اینکه در حالت سجده خوب مطمئن شوید بعد ازسجده اول دوباره به سجده دوم اطمنان حاصل نمائید.به همین ترتیب همه نماز هاي خود را ادا نمائید . منظور از حدیث شـــریف تأکید بر اتمام رکوع وسجده است حتي اینکه کسیکه نماز خواند، ولي درست رکوع وسجده نکرده بود نماز اورا پیامبر علیه السلام ناقص خوانده وبالایش ســـه مرتبه نماز را اعاده کرد .منظور ما در ایراد احادیث مذکور این است که مردم مسلمان بخصوص نسل جوانان بفهمند که هر نمازیکه نمازگذارآنرا درســـت ادانکند،توجه به رکوع وبعد از قیام از رکوع، سجده و بعد از نشستن از سجده وقرائت وسائر شــروط نماز، نداشته باشد نماز وی یا باطل ویا حد اقل ناقص خواهدبود. پس ای مومن ای کسیکه به حضـورالله جل جلاله ایستاده میشــوید ،ای کسیکه امید لقاء الله وامید جنت و آرزی باز شـدن دروازه های رحمت رب العالمین را ونجات از مقت غضـــب جبارذوالجلال را دارید، باید درست وضو کرد باید طبق هدایات ودساتیر شریعت نمازتروایح وسائر عبادت هارا انجام داد در غیر آن ، از عبادت وتراویح فائده نخواهد گرفت.

سوال114- در مورد قومه وجلسه اگرنظرمذهب حنفی را بیان نمائید بهتر خواهد بود؟

جواب- نظر مذهب حنفی ،نظر شریعت بوده طوریکه در مورد ایستاد شدن از رکوع ونشستن بین دوسجده در احادیث تأکید شده مذهب حنفی نیز تأکید می کند. امـام ابوحنیفـة رحمـةالله علیه وتعداي از دانشـــمندان فقه وحدیث به این عقیده اند که قومه وجلســـه یعني اعتدال از رکوع و نشستن درست بعد از سجده اول واجب است وحتا به نظر امام ابویوسف رحمه الله فرض می باشد اگر نماز گذار بعد از رکوع اگر دوباره ایستاده نشود وبین دوسجده درست ننشیند، نماز وی باطل بوده ونمی شـــود. (عن أبي حنیفةمن ترك القومة أوالجلســة أخاف أن لاتجوز صلاته).[1] ترجمه: از امام ابوحنیفة رضی الله عنه نقل شده که گفته است . کسیکه قومه ویاجلسه را در نماز ترك نماید، من از صحت نماز او خوف دارم .(قَال ابْنُ عَابِدِینَ : وَالْحَاصِــل أَنَّ الأْصَــحَّ رِوَایَـةً وَدِرَایَـةً وُجُوبُ تَعْدِیل الأْرْكَانِ) ترجمه : ابن عابدین که از مجتهدان مذهب حنفي اســـت مي گوید : بعد از بحث و تحقیق در مورد درست انجام دادن رکوع وسجده یعني ایستاده شدن از رکوع ونشستن از

1- تحفة الاحوذي، ج1، ص423

سجده اول؛ به این نتیجه رسیدیم که اقامه همین ارکان واجب است وَهُوَاخْتِيَارُالْمُحَقِّقِ ابْنِ الْهُمَامِ وَتِلْمِيذِهِ ابْنِ أَمِيرِحَاجٍ حَتَّى قَال: إِنَّهُالصَّوَابُ؛ لِلْمُوَاظَبَةِ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ، وَلِلأَمْرِفِي حَدِيثِ الْمُسِيءِ صَلاَتَهُ، وَ لِمَا ذَكَرَهُ قَاضِيخَانْ مِنْ لُزُومِ سُجُودِالسَّهْوِ بِتَرْكِ الرَّفْعِ مِنَ الرُّكُوعِ سَاهِيًا)[1]ترجمه : همین نظر که بلند شدن درست از رکوع وسجده اول واجب بوده در صورت ترك آن سهواً سجده سهو لازم مي شود نظر مجتهد رشید مذهب حنفي بن الهمام وشاگرد وی ابن امیر حاج و قاضي خان نیز مي باشد به دلیل مواظبت پیامبر علیه السلام به چنین ترتیب نماز وامر به اعاده نماز شخصیکه نماز را ناقص بدون تعدیل ارکان ادا کرده است. قال صاحب البحر (لَوْ تَرَكَهَا عَمْدًا يُكْرَهُ أَشَدَّ الْكَرَاهَةِ وَيَلْزَمُهُ أَنْ يُعِيدَ الصَّلَاةَ)[2]. ترجمه : اگر کسی قومه وجلسه را قصداً ترک نماید مکروه بوده وکراهت شدید تر دارد . لازم است بالای ترک کننده اعاده نماز. البته بعد از ارائه آیات ، احادیث ونظریات فقهی پیرامون احکام سجده ورکوع انسان به این نتیجه می رسد که خواندن نماز به عجله بدون رعایت ترتیب قرائت، رکوع سجده وسائر،شرائط وارکان نماز؛ نماز باطل بوده وهیچ اثری به آن مرتب نخواهد شد.

سوال115- اگر لطف کنید بگوئید که آیا عجله خواندن نماز تراویح به نظر حنفی چه حکم دارد؟

جواب- در مذهب حنفی خواندن نماز تراویح به عجله مکروه است . (وکذا یکره له أنه یعجل)[3] هم چنان به عجله خواندن مکروه است.

سوال6 11- هدف اصلی تان از آوردن آیات وحدیث در این مبحث چه بوده ؟

جواب- من در مورد چندین هدف را داشتم.

1. رساندن قرآن وحدیث.
2. دعوت اسلامی.
3. بیان حقایق.
4. اصلاح مردم نا آگاه.
5. هدف اصلی من این است که در اکثر مطلق مساجد افغانستان تراویح به مسخره گرفته شده متأسفانه یک تعداد نماز گذاران عوض کسب ثواب در تروایح یا مرتگب گناهی کبیره شده ویا حد اقل مرتگب گناهی صغیره میشوند .بخاطر اینکه درنماز تراویح مردم به دیده عبادت نگاه نکرده بلکه بدون رعایت اخلاص، خشوع، سکون ، تضرع،

1- شرح مشکاه، ج3، ص،292. بحر الرائق، ج1، ص317
2- البحر الرائق، ج1، ص317
3- المحیط، ج1، ص456

قیام ، قرائت ، رکوع وسجده بسیار به عجله نماز تراویح را ادا مکینند در چند دقیقه 20 رکعت را ختم مکینند. این نوع عبادت در شریعت عبادت گفته نمی شود. بلکه متأسفانه یک نوع مسخره گرفتن بوده است.

سوال117- چرا نماز تراویح به عجله ثواب نداشته باشد ویا انسان مرتکب گناه شود؟

جواب- ثواب ندارد بخاطریکه هر عبادت وقتی مورد پسند وقبول در گاه رب قرار می گیرد که درآن شرائط عبادت تکمیل باشد.

سوال118- آیا در تراویح مروجه شرائط عبادت تکمیل نیست؟

جواب- نخیر.

سوال119- چطور نیست در حالیکه مردم وضو دارند در مسجد جماعت میکنند قیام قرآئت وسائر شرائط نماز را تکمیل کرده اند؟

جواب- فرموده ی شمادرست است. ولی شرائط اصلی را در عبادت تروایح مراعات نکرده اند .

سوال120- شرائط اصلی در هرعبادت کدام است ؟

جواب- شرائط اصلی درهر عبادت عبارت اند از:

1. ایمان
2. اخلاص
3. موافقت عبادت به شرعیت میباشد .

سوال121- آیا نماز گذاران تراویح ایمان ندارند؟

جواب- بلی ایمان دارند؛ ولی دراخلاص داشتن ایشان، شک بوده وعمل ایشان مطابقت صحیح با شرعیت ندارد.

سوال122- آیا شما در مورد عدم اخلاص ایشان در تراویح دلیل دارید؟

جواب- بلی نشانه وعلامه عدم اخلاص بعضی نماز گذاران به تراویح وجود دارد.

سوال108- کدام علامه ونشانه است؟

جواب- ما وشما همه تجربه کردیم کسیکه به چیزی اخلاص داشته وآنرا ارزش بدهد به انجام آن اهتمام وتوجه می کند در حالیکه نماز گذاران تراویح، به این فکر واندیشه اند که ترا ویح چه وقت ختم می شود . در این مفکوره نیستند که آیا نماز تراویح ما مورد قبول وپذیرش الله قرار می گیرد ویا خیر؟ هریک ما اگر خواسته باشیم اتاق معمولی را اعمار کنیم بهترین مهندس وگلگار را انتخاب می کنیم . اما در

امامت هر امام و قاری که باشد در قبال حرفی نیست . ما برای گلکار ویا سائر کسبه کاران می گوئیم که خوب کار کن خیر است که طول هم کشید ،ولی همه برای قاری می گویند که به سرعت بخواند خلاص شود .کسی نمی گوید که خوب، آهسته وصحیح بخوان که مستحق ثواب شویم. در همه کار های خود دقت می کنیم که خراب نشود و مورد قبول صاحب کار قرار بگیرد .ولی در نماز تراویح فکر نکردیم که آیا خداوند چنین عبادت را قبول خواهد گرد؟آیا نماز بدون خشوع و تضرع قابل قبول است؟ نماز گذاران تراویح چه مقدار در نماز تراویح خشوع دارند. آیا تراویح نماز نیست؟ اگر تراویح نماز نیست چرا خوانده می شود؟ اگر هست چرا صحیح تضرع وخشوع وسائر فرائض وارکان در آن مد نظر گرفته نمی شود؟ آیا در کدام کتاب خوانده اند که نماز تراویح رکوع وسجده ندارد ؟ آیا در کدام روایت دیده اند که قرائت تراویح به حدی باشد که کسی نداند که قاری کدام آیت وسوره را تلاوت می نماید؟ آیا الله جل جلاله نفرموده است: وقتیکه تلاوت شنیده شد، گوش بگیرید؟ ما چه چیز را گوش بگیریم در حالیکه قرائت قاری قابل شنیدن وسمع نیست .آیا در کدام آیت وحدیث ثابت شده که نماز تراویح به سرعت خوانده شود ؟ آیا پیامبر علیه السلام ویا اصحاب کرام ویا تابیعن به چنین سرعت نماز تراویح را خوانده اند؟ آیا از مذهب کدام روایتی راجع به سرعت خواندن نماز تراویح آمده است؟

زمانیکه ما این گونه نماز وعبادت را در دین پیدا کرده نتوانیم پس توقع ثواب را چطور داشته باشیم و این همه پرسش ها عدم جوابات مقنع دلیل برعدم اخلاص بعضی از نماز گذاران تراویح می باشد.

سوال124- اگر در عبادت اخلاص وجود نداشته باشد نتیجه چه می شود؟

جواب- اگر در هرعبادتی اخلاص نباشد همان عبادت قبول نبوده ودر شریعت ارزش ندارد .

سوال125- آیا شما در مورد عدم پذیرش عبادت بدون اخلاص دلیل شرعی دارید؟

جواب- بلی دلائل متعدد وجود دارد نه یک دلیل .

سوال126- اگر دلائل را ارائه کنید بهتر خواهد بود ؟

جواب- الله جل جلا جلاله , فرموده است :

1- (هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَـهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ)[1] ترجمه : زنده (واقعی) اوست؛ معبودی جز او نیست؛ پس او را بخوانید در حالی که دین خود را برای او خالص کرده اید! ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است.

2- الله جل جلاله می فرماید: (وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ)[2] ترجمه : و به آنها دستوری داده نشده بود جز اینکه خدا, را بپرستند در حالی که دین خود را برای او خالص کنند و از شرک به توحید بازگردند، نماز را برپا دارند و زکات را بپردازند؛ و این است دین مستقیم و پایدار.

3- الله سبحانه وتعالی می فرماید: (قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ۚ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ)[3]ترجمه : بگو: پروردگارم امر به عدالت کرده است؛ و توجّه خویش را در هر مسجد (و به هنگام عبادت) به سوی او کنید! و او را بخوانید، در حالی که دین (خود) را برای او خالص گردانید! (و بدانید) همان گونه که در آغاز شما را آفرید، (بار دیگر در رستاخیز) بازمی‌گردید! البته چند آیت محدود را ذکر کردم در حالیکه اکثر آیات قرآنی ترغیب ویا امربه اخلاص نموده است. پس از مجموع آیات معلوم شد که هیچ عبادتی بدون اخلاص ارزش نداشته است.

سوال127- اخلاص به این اندازه چرا ارزش دارد؟

جواب- بخاطریکه الله , به عبادت هیچ یک ضرورت نداردآنچکه از بنده آرزو دارد یکتا پرستی بنده، اخلاص وصداقت بنده اش می باشد.

سوال128 - آیا بدون مطابقت شرعیت عبادت قبول نیست ؟

جواب- هر گز نه .

سوال129- آیا شما در مورد دلائل دارید؟

جواب- بلی دلائل نقلی و عقلی در مورد وجود دارد ؟

سوال130- اکر دلائل را بیان کنید که موضوع خوب فهمیده شود؟

1- سوره غافر، آیت 65
2- سوره بینة، آیت 5،
3 - سوره اعراف، آیت 29

جواب- اولا قرآن کریم هر جایکه جنت وجنتی را ذکر می کند، سپس می گوید : در جنت کسانی داخل می شوند که ایمان داشته وعمل صالح را انجام داده اند..

1- الله می فرماید:(وَ بَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِن ثَمَرَةٍ رِّزْقًاقَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِن قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ)[1]

ترجمه : به کسانی که ایمان آورده، و کارهای شایسته انجام داده‌اند، بشارت ده که باغهایی از بهشت برای آنهاست که نهرها از زیر درختانش جاریست. هر زمان که میوه‌ای از آن، به آنان داده شود، می‌گویند: این همان است که قبلا به ما روزی داده شده بود. ولی اینها چقدر از آنها بهتر و عالیتر است. و میوه‌هایی که برای آنها آورده می‌شود، همه (از نظر خوبی و زیبایی) یکسانند. و برای آنان همسرانی پاک و پاکیزه است، و جاودانه در آن خواهند بود). همه دانشمندان عقیده وتفسیر می گویند که منظور از صالحات در آیت شریف داشتن اخلاص در قلب وعمل هم مطابق به دستور شریعت باشد. البته کلمه صالحات در چندین آیت دیگری هم ذکر گردیده که منظورش به گفته مفسرین تأکید شریعت به داشتن اخلاص وموافقت به شریعت بوده است

2- عَن عَائِشَة رَضِيَ اللَّهُ عَنْها قَالَت : قَالَ رَسُول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : من أحدث فِي أمرنَا (هَذَا) مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رد"

وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (من عمل عملا لَيْسَ عَلَيْهِ أمرنَا فَهُوَ رد)[2].

ترجمه : عائشه رضی الله عنها از حضرت پیامبر صل الله علیه وسلم روایت نموده است که چنین فرموده : هرکسی که درآیین اسلام بدون اسناد شرعی چیزی را ایجاد نماید که آن از دین نباشد، مردود است. در روایتی دیگری آمده: هر شخصیکه عمل کند عملی که در آن، دستور دین ما نباشد مردود است.

وجه استدلال: از حدیث فوق به صراحت معلوم می شود هر عملیکه با اساسات دین وشرعیت مطابقت نداشته باشد ارزش وثواب ندارد. ومردود بوده ونه تنها که ثواب نمی داشته باشد ،بلکه مرتکب گناه هم میشود.

---

[1]- سوره بقرة، آیت 22

[2]- رواه البخاري في "الاعتصام في باب إذا اجتهد العامل، أو الحاكم فأخطأ"، ص 1092، تعليقاً، ورواه مسلم في"الأقضية في باب نقض الأحكام الباطلة"، ص77، ج 2.

3- دلیل عقلی : مسلمان حیثت مزدوکار وگلگار کار را دارد. مزدورکاروقتی موفق وعملش قبول وقابل مزد می باشد که مطابق به نقشه صاحب خانه عمل کرده باشد . مسلمان وقتی عبادتش مقبول می باشد که مطابق به نقشه شریعت عمل کند .

4- معیار خوبی وبدی هرعمل به شریعت ارتباط دارد . هر عملی را که شرعیت تائید کرد، قبول اگر رد کرد، رد . اگر سکوت کرد مسلمان هم باید سکوت نماید. نماز جماعت بهترین عبادت است ولی برای مسلمان اجازه نیست که سنت ها ی نماز را به جماعت بخواند. نماز بهترین عبادت است ولی حق ندارد که نماز نفل را بعد از نماز عصر وفجر بخواند. در نتیجه باید عرض نمود که هر عمل مسلمان اگر به شریعت برابر ومطابقت نداشته باشد، نه تنها که عبادت گفته نمی شود وثواب ندارد، بلکه صاحب عمل بنام مبتدع وعمل وی بنام بدعت یا د می شود.

سوال131- اجرت ومزد گرفتن در بدل تلاوت قرآن کریم چه حکم دارد؟

جواب- در مورد گرفتن پول در بدل قرآن وهر عبادت؛ احادیث مختلف وجود دارد اول به آیات واحادیث متعدد گوش کن سپس به نظریات فقهاء.

1- الله جل جلاله می فرماید: (وَآمِنُوا بِمَا أَنزَلْتُ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ ۖ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ)[1]

ترجمه : و به آنچه نازل کرده‌ام [قرآن] ایمان بیاورید! که نشانه‌های آن، با آنچه در کتابهای شماست، مطابقت دارد؛ و نخستین کافر به آن نباشید! و آیات مرا به بهای ناچیزی نفروشید! (و به خاطر درآمد مختصری، نشانه‌های قرآن و پیامبر اسلام را، که در کتب شما موجود است، پنهان نکنید!) و تنها از من (و مخالفت دستورهایم) بترسید (نه از مردم)!

2- الله سبحانه وتعالی می فرماید:(إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا ۙ أُولَٰئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ)[2]

ترجمه : کسانی که کتمان می‌کنند آنچه را خدا از کتاب نازل کرده، و آن را به بهای کمی می‌فروشند، آنها جز آتش

---

[1]- سوره بقره، آیت 41

[2]- سوره بقره، آیت ۱۷٤

چیزی نمی‌خورند؛ (و هدایا و اموالی که از این رهگذر به دست می‌آورند، در حقیقت آتش سوزانی است.) و خداوند، روز قیامت، با آنها سخن نمی‌گوید؛ و آنان را پاکیزه نمی‌کند؛ و برای آنها عذاب دردناکی است.

3- الله می فرماید: (وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَن يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ خَاشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا ۗ أُولَٰئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ)[1]

ترجمه : و از اهل کتاب، کسانی هستند که به خدا، و آنچه بر شما نازل شده، و آنچه بر خودشان نازل گردیده، ایمان دارند؛ در برابر (فرمان) خدا, خاضع اند؛ و آیات خدا, را به بهای ناچیزی نمی‌فروشند. پاداش آنها، نزد پروردگارشان است. خداوند، سریع الحساب است. (تمام اعمال نیک آنها را به سرعت حساب می‌کند، و پاداش می‌دهد.)

از مجموع آیات متبرکات معلوم میشود که نزول قرآن کریم جهت سازندگی بشریت بوده ، فرد ودولت باید تمام بخش های زندگی خود را طبق دستور قرآن عیار نمایند. واینکه به تطبیق، تلاوت، قرائت وتعلیم قرآن مخلص باشند.پس اگر اخلاص را در مورد قرآن از دست دایدیم در دین وشرعیت چیزی باقی نمی ماند. روی همین دلیل قرآن کریم از کتمان حق واز قرآن فروشی جداً پیروان خود را منع کرده ومی کند.

از احادیث شریف

4- (اقْرَءُوا الْقُرْآن وَلَا تَأْكُلُوا بِهِ ولاتجفوا عَنهُ ولاتغلوا فِيهِ ولاتستكثروا بِهِ) ترجمه : قرآن را بخوانید و آن را مایه ارتزاق خود قرار ندهید، و با آن افزون‌طلبی نکنید و از آن دور نشوید و در آن زیاده‌روی نکنید».[2]

5- عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْد اللهِ ، قَالَ:خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وسلم ، وَنَحْنُ نَقْرَأُ الْقُرْآنَ، وَفِينَا الْعَجِمِيُّ وَالأَعْرَابِيُّ ، قَالَ : فَاسْتَمَعَ، قَالَ: فَقَالَ: اقْرَؤُوا، فَكُلٌّ حَسَنٌ ، وَسَيَأْتِي قَوْمٌ يُقِيمُونَهُ كَمَا يُقَامُ الْقِدْحُ، يَتَعَجَّلُونَهُ وَلاَ يَتَأَجَّلُونَهُ.- وفي رواية : مَرَّ النَّبِيُّ صلى الله عليه وسلم بِقَوْمٍ يَقْرَؤُونَ الْقُرْآنَ فِي

[1]- سورف آل عمران، آیت ۱۹۹

[2]- رواه ابن ماجه (1168) در مورد صحت محدثین گفته اند که حدیث منکر وحدیث ضعیف است.أخرجه ابْن ماجة وَإِسْنَاده ضَعِيف الدراية فی تخريج احاديث الهداية باب الا جاره.

الْمَسْجِدِ ، فَقَالَ : اقْرَؤُوا الْقُرْآنَ قَبْلَ أَنْ يَجِيءَ قَوْمٌ يُقِيمُونَهُ إِقَامَةَ الْقِدْحِ يَتَعَجَّلُونَهُ وَلا يَتَأَجَّلُونَهُ.)[1]

ترجمه : از جابر بن عبدالله روایت است: در حالی که قرآن می‌خواندیم و در میان ما بادیه‌نشین و عجم هم بود، پیامبر صلی الله علیه وسلم نزد ما آمد و فرمود: (إقرؤوا فكل حسن، وسيجى أقوام يقيمونه كما يقام القدح، يتعجلونه ولايتأجلونه) ترجمه: (قرآن) را بخوانید که همه آن زیبا است، در آینده اقوامی می‌آیند که در ادا کردن الفاظ و کلمات آن دقت (مفرط) می‌کنند همانطور که در راست کردن تیر دقت می‌شود، و پاداش آن را در کوتاه مدت دنیا) می‌طلبند، وآن را برای آینده (قیامت) نمی‌گذارند».

و جمله (و سیجیء قوم یقیمونه) معنایش این است که : در مراعات مخارج و صفات و اصلاح الفاظ و کلمات تکلف و توجه (مفرط) می‌کنند، همانطوریکه تیر صاف و راست کرده می‌شود، و این عملشان به قصد ریا و شهرت‌طلبی است، و پاداش دنیا را بر ثواب آخرت ترجیح می‌دهند، و بوسیله قرآن ارتزاق کرده و توکل نمی‌کنند.[2]

6- عَنِ الْحَسَنِ ، عَنْ عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ ، أَنَّهُ مَرَّ عَلَى قَاصٍّ يَقْرَأُ ، ثُمَّ سَأَلَ ، فَاسْتَرْجَعَ ، ثُمَّ قَالَ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وسلم يَقُولُ:مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ ، فَلْيَسْأَلِ اللهَ بِهِ ، فَإِنَّهُ سَيَجِيءُ أَقْوَامٌ يَقْرَؤُونَ الْقُرْآنَ ، يَسْأَلُونَ بِهِ النَّاسَ.)[3]

ترجمه : حسن رضی الله عنه می گوید : عمران بن حسین رضی الله عنه از نزدیک قصه گوی گذشت که قرآن تلاوت می کرد سپس از مردم سوال نمود . عمران بن حسین رضی الله عنه إنا لله گفت . بعداً فرمود من از پیامبر علیه السلام شنیده ام که فرموده است کسیکه قران راتلاوت کند، باید توسط آن از الله, بخواهد .زیرا مردمی خواهد آمد که قرآن میخوانند بعداً از مردم می خواهند .

وجه استدلال: سوال کردن بعد از قرائت قرآن ، وپول گرفتن به نام تلاوت قرآن در شریعت مجاز نیست.

---

[1]- رواه أحمد 357/3(14916) . و"أبو داود" 830

[2]- عون المعبود (59/3)

[3]- رواه أحمد 436/4(20159) و"التِّرمِذي"2917

7- عَنْ أُبَيِّ بْنِ كَعْبٍ ، قَالَ: عَلَّمْتُ رَجُلاً الْقُرْآنَ ، فَأَهْدَى إِلَيَّ قَوْسًا ، فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لِرَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وسلم، فَقَالَ : إِنْ أَخَذْتَهَا أَخَذْتَ قَوْسًا مِنْ نَارٍ ، فَرَدَدْتُهَا .)[1].

ترجمه : ابو بن كعب رضى الله عنه مى گويد: من مردى را قرآن تعليم دادم. آن مرد برايم تفنگى را تحفه داد موضوع را با محمد صل الله عليه وسلم به ميان گذاشتم . پيامبرعليه السلام در جواب فرمود: اگر هديه را مى گرفتيد به يقين تفنگى آتشين را مى گرفتيد من هديه را پس رد كردم . وجه استدلال: وقتيكه هديه در بدل تلاوت قرآن مجاز نباشد، آيا اجرت ومزد گرفتن جواز خواهد داشت؟

8- عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ ؛ أَنَّ نَفَرًا مِنْ أَصْحَابِ رسول الله صلى الله عليه وسلم، مَرُّوا بحي من أحياء العرب ، وفِيهِمْ لَدِيغٌ ، أَوْ سَلِيمٌ. فقال: هَلْ فِيكُمْ مِنْ رَاقٍ ؟ فَانْطَلَقَ رَجُلٌ مِنْهُمْ ، فرقاه على شاء ، فَبَرَأَ، فلما أتى أصحابه كَرِهُوا ذَلِكَ. فَقَالُوا : أَخَذْتَ عَلَى كِتَابِ الله أَجْرًا. فلما قَدِمُوا على رسول الله ، صلى الله عليه وسلم أتوا رسول الله ، صلى الله عليه وسلم ، فأخبروه بذلك ، فدعا رسول الله ، صلى الله عليه وسلم، الرجل، فسأله. فقال : يا رَسُولَ اللَّهِ ، إنا مررنا بحي من أحياء العرب ، فيهم لديغ، أو سليم، فقالوا : هل فيكم من راق ؟ فرقيته بفاتحة الكتاب، فبرأ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّه، صلى الله عليه وسلم : إِنَّ أَحَقَّ مَا أَخَذْتُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا كِتَابُ اللَّهِ)[2].

ترجمه : عبدالله ابن عباس رضى الله عنه ميگويد: تعدادى از اصحاب پيامبر عليه السلام از قريه ى عرب عبور نمودند. در حاليكه شخصى آنها را گژدم گزيده بود .گفتن آيا از شما كسى است كه دم كند؟ گفتن بلى ! صحابى رفت مريض را دم انداخت ودر بدل دم كردن يک رس گوسفند را گرفت. مريض صحتمند شده. زمانيكه با دوستان وهم سفر هانش يكجا شد صحابه اين عمل شخص را بد ديده وگفتن شما در بدل كتاب الله مزد گرفتيد .وقيتكه همه از سفر بر گشتند، موضوع را به پيامبر عليه السلام ابلاغ نمودند. محمد رسول الله صل الله عليه وسلم شخص دم كننده را خواست وموضوع را از وى جويا شد. شخص مذكور تمام جريان موضوع را براى پيامبر عليه السلام بيان نمود. كه من مريض را به الحمد لله دم كردم . پيامبر

[1]- رواه ابن ماجة (2158) حديث را محدثين ضعيف گفته اند . علت ضعف اضطراب حديث وضعيف بودن عبد الرحمن .كه راوى حديث است ميباشد. كتاب تمهيد بن عبد البر، ج12، ص 113.
[2]- رواه البخاري 170/7 (5737)

علیه السلام فرمود: بهترین مزد وحقی را که گرفتید به کتاب الله, است.

وجه استدلال : از حدیث مذکور معلوم میشود که گرفتن پول در بدل خواندن قرآن جواز دارد .

9- (عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ السَّاعِدِيِّ أَنَّ رَسُولَ الله صلى الله عليه وسلم ، جَاءَتْهُ امْرَأَةٌ ، فَقَالَتْ : يَا رَسُولَ الله ، إِنِّي قَدْ وَهَبْتُ نَفْسِي لَكَ ، فَقَامَتْ قِيَامًا طَوِيلاً ، فَقَامَ رَجُلٌ ، فَقَالَ : يَا رَسُولَ الله ، زَوِّجْنِيهَا ، إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكَ بِهَا حَاجَةٌ ، فَقَالَ رَسُولُ الله صلى الله عليه وسلم : هَلْ عِنْدَكَ مِنْ شَيْءٍ تُصْدِقُهَا إِيَّاهُ ؟ فَقَالَ : مَا عِنْدِي إِلاَّ إِزَارِي هَذَا، فَقَالَ رَسُولُ الله صلى الله عليه وسلم : إِنْ أَعْطَيْتَهَا إِيَّاهُ، جَلَسْتَ لاَ إِزَارَ لَكَ، فَالْتَمِسْ شَيْئًا، فَقَالَ : مَا أَجِدُ شَيْئًا ، قَالَ : الْتَمِسْ وَلَوْ خَاتَمًا مِنْ حَدِيدٍ ، فَالْتَمَسَ فَلَمْ يَجِدْ شَيْئًا. فَقَالَ لَهُ رَسُولُ الله صلى الله عليه وسلم : هَلْ مَعَكَ مِنَ الْقُرْآنِ شَيْءٌ ؟ فَقَالَ : نَعَمْ ، مَعِي سُورَةُ كَذَا ، وَسُورَةُ كَذَا ، لِسُوَرٍ سَمَّاهَا ، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ الله صلى الله عليه وسلم : قَدْ أَنْكَحْتُكَهَا بِمَا مَعَكَ مِنَ الْقُرْآنِ.)[1]

ترجمه : سهل بن سعد روایت میکند خانمی نزد پیامبر علیه السلام آمد. گفت ای رسول خدا من نفس خویش را برایت بخشیدم. مدت طولانی ایستاده شد جوابی از پیامبر علیه السلام دریافت نکرد. مردی دیگری ایستاده شده وگفت ای پیامبر خدا اگر شما ضرورت برایش ندارید، برای من وی را به نکاح بدهید. پیامبر علیه السلام گفت آیا شما چیزی جهت پرداخت مهری دارید ؟ آن مرد گفت غیر از ازارم چیزی دیگری ندارم . پیامبر علیه السلام مزاح گویان برایش گفت اگر ازارت را بدهید باید نشسته باشید در حالیکه ازار نداشته باشید . بروید چیزی پیدا کنید. گفت نیافتم. گفت جستجو کن اگر چه انگشتر آهنی باشد. آن مرد رفت برگشت وگفت چیزی نیافتم. پیامبر علیه السلام آن مرد را گفت آیا شما چیزی از قرآن را حفظ دارید؟ گفت بلی! بعضی ازسوره ها را نام گرفت . پیامیر علیه السلام گفت من این خانم را به تو در بدل تعلیم چند سوره قرآن به نکاح دادم . در بعضی روایات تصریح کرده که د ربدل تعلیم قرآن خانم را برایت به نکاح دادم .

وجه استدلال: نکاح ومهر در بدل قرآن قرار گرفت پس وقتیکه قرآن به مهر حساب شود که منفعت است پس مزد گرفتن در بدل تعلیم وتلاوت قرآن نیز ، هم جواز دارد.

سوال132- اگر نظریات مذاهب را پیرامون مزد گرفتن در بدل عبادت توضیح دهید بهتر خواهد بود؟

جواب- قبل از اینکه نظریات مذاهب اسلامی را بیان نمایم میخواهم بگویم که انجام عبادت از طرف هرشخص باید صورت گیرد. زیرادر

---

[1]- رواه "البُخَارِي" 132/3 (2310) و22/7 (5135) و"مسلم" 143/4 (3471) و"أبو داود" 2111 والتِّرْمِذِيّ" 1114

برابر اسلام هرشخص مومن مکلفیت دارد. وهر شخص از اعمال خود مورد باز پرس قرار می گیرد.طوریکه کسی در گناهی شخصی دیگری مواخذه نمی شودهم چنان در عبادتی دیگری مستحق ثواب قرار نمی گیرد. مگر در بعضی حالات که نوازنده موسیقی را به آوزان بلند سرورده باشد ویا قاری ودعوت گر قرائت ودعوت را به گونه جهر انجام دهند ودیگران به اخلاص گوش دهند برایشان ثواب داده ویا در صورت اول مورد عقاب قرار می گیرند. ولی باید عرض نمود که تمام دانشمندان فقه اتفاق دارند که هر گونه خدمت قرآن به اخلاص بوده بدون مطلب متاع دنیا باشد بهتر می باشد. که در بدل آن چیزی اخذ نگردد. حالاگوش کن به نظریات فقهآی مذاهب اربعه

مذهب حنفی:

بزرگان و متقدمین مذهب حنفی گرفتن مال را در بدل تعلیم علوم اسلامی ، قرائت قرآن وامامت غیر مجاز می دانند. اما دانشمندان متأخرین گرفتن مال را در بدل طاعت مانند آذان دادن وامامت در صورت نیاز مباح دانسته اند.(أَنَّ الْفَتْوَى الْيَوْمَ على جَوَازِ الِاسْتِئْجَارِ لِتَعْلِيمِ الْقُرْآنِ وَالْفِقْهِ)[1] ترجمه : صاحب البحر می گوید: فتوای امروز جواز مزد واجاره گرفتن مال در بدل تعلیم قرآن وفقه است. صاحب فتوای شامی می گوید: (أن أخذ الأجرة على الطاعة لا يجوز مطلقا عند المتقدمين وأجازه المتأخرون على تعليم القرآن اماالمتأخرون جواز الاستئجار على تعليم القرآن والأذان والإمامة لا على تلاوته خلافا لمن وهم)[2]. ترجمه : در مذهب گذشتگان متقدمین عدم جواز مزد اجاره بر طاعت بود مانند: تعلیم قرآن، آذان دادن وامامت. اما امروز علمای متأخرین جواز مزد واجاره گرفتن را در بدل تعلیم قرآن داده اند، ولی به جواز گرفتن مزد در بدل تلاوت قرآن جایز نیست به خلاف فهم تعدادی.

مذهب مالکی:

(لا بأس بأخذ الأجر على تعليم الغلمان الكتاب والقرآن)[3] ترجمه: گرفتن مال در بدل تعلیم قرآن برای اطفال اشکالی ندارد.

مذهب شافعی:

(يجوز أن يأخذ الاجرة على تعليم القرآن أو سورة منه كما يجوز أن يأخذ الاجرة على تعليم الفقه والحديث ونحوهما ان كان محتاجا)[4] ترجمه : گرفتن مزد ومال در بدل تعلیم قرآن ویا یک

---

[1]- البحر الرائق ج3،ص165 باب المهر

[2]- حاشية بن عابدين ج1،ص275

[3]- المدونة ج3،ص431،باب اجارة المعلم

[4]- المجموع شرح المهذب، ج15، ص30، باب الاجاره

سوره خاص جواز دارد. طوریکه گرفتن مزد در بدل تعلیم فقه ، حدیث ومانند آن جواز دارد اگر به مزد محتاج باشد.

مذهب حنبلی:

(القول الراجح أنه تجوز الأجرة على تعلیم القرآن)[1]

ترجمه:سخن راجح برجواز گرفتن مزد در بدل تعلیم قرآن است.

سوال133- به اساس اظهارات فقهاء گرفتن پول ومزد دربدل تعلیم قرآن وامامت جوازداشت . اما شما قبلاً احادیثی را پیرامون خطر وتهدید گرفتن مزد وحتا بخشش به هدف تعلیم قرآن نقل نمودید. فقهآء جواب احادیث روایت شده را چه گونه داده اند.

جواب- طوریکه در همان صفحه هم اشاره نموده شد که در مورد احادیث تهدید کنند چند توجیه وجود داشت.

1- احادیث نهی ، احادیث صحیح وثقه نیست.

2- احادیث نهی بر شخصی است که هدف اصلی وی در بدل تعلیم وسائر طاعت ها همانا پول ومزد دنیوی باشد .

3- بهتر عدم اخذ مزد در بدل طاعات می باشد .

4- احادیث که گرفتن مزد را در بدل قرآن جواز داده قوی تر وصحیح تر می باشد.

5- اگر موضوع مزد نباشد شاید تعلیم قرآن تعطیل شود.شاید همه مصروف پیدا کردن لقمه طعام حلال شوند که مردم از تعلیم قرآن ،علوم اسلامی وسائر طاعات باز گذاشته شوند.

6-منظور از احادیث تهدید کننده مزد گرفتن در بدل تلاوت قرآن است.

7-فقهاء ومذاهب فقهی نسبت به همه ی ما به موضوعات اسلام آگاه ،داناتر ، متقی وپرهیز گار تراند.

8- امام ابوحنفیه رضی الله عنه زمانیکه پسرش سوره فاتحه را نزد استاد آموخت . امام برای استاد پسرش، یک هزار درهم تحفه داد وگفت: اگر بیشتر از این می بود، من شاید بیشتر از این مقدار را برایت می دادم . استاد پسرش، هم این پول را اخذ نمود.

9- فقهای متأخر استثنایی قایل شده و گفته‌اند، برای تعلیم قرآن‌کریم و علوم شرعی، گرفتن مزد و اجرت جایزاست و بجواز آن فتوی داده‌اند وآن را مستحسن شمرده‌اند، زیرا صله و عطا و هدایا، برای اینگونه‌کارها در صدر اسلام از جانب ثروتمندان و بیت‌المال پرداخت می‌شد و امروز همه چیز قطع شده است، پس بجهت دفع حرج ومشقت‌آن را، جایزدانسته‌اند چون

[1]- الشرح الممتع علی زاد المستقنع، ج10، ص11، باب الاجرة

معلمان برای زندگی خویش و خانواده و افراد تحت تکفلشان، محتاج بمال دنیا هستند و مردم نیز به تعالیم اسلام نیازاشد دارند.

10- الألوسي در تفسير آيت ذيل چنين مى گويد: (وَآمِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآَيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ)[1] ترجمه: ايمان بياوريد به چيزيکه من نازل کريدم نباشيد اولين کافر به قرآن .نفروشيد آيت های مارا به پول اندک وخاص از من بترسيد.

(وقد استدل بعض أهل العلم بالآية على منع جواز أخذ الأجرة على تعليم كتاب الله تعالى والعلم ، وروي في ذلك أيضاً أحاديث لا تصح، وقد صح أنهم قالوايا رسول الله أنأخذ على التعليم أجراً؟ فقال: إن خير ما أخذتم عليه أجراً كتاب الله تعالى وقد تظافرت أقوال العلماء على جواز ذلك وإن نقل عن بعضهم الكراهة ، ولا دليل في الآية على ما ادعاه هذا الذاهب كما لا يخفى والمسألة مبينة في الفروع).

ترجمه سخن الوسی : از اين آيت تعدادی از اهل علم به منع وحرمت گرفتن مزد به تعليم قرآن وعلم استدلال نموده اند . ودر اين مورد بعضی احاديث را نيز روايت نموده که صحت ندارد .وحديث صحيح روايت شده از پيامبر عليه السلام سوال نمودند که ای رسول الله صل الله عليه وسلم آيا ما به تعليم قرآن مزد بگيريم ؟ فرمود بهتر آنچيزيکه از مزد می گی ريد کتاب الله است. اقوال علمآء در مورد جواز گرفتن مزد در بدل تعليم نهايت زياداست .گرچه از تعدادی اهل علم کراهت نقل شده ولی دليلی در مورد بر منع وجود ندارد طوريکه اين مسئله در فروعات معلوم است.

سوال134- آيا گرفتن مزد ماهانه به عنوان معاش در بدل تعليم علوم اسلامی جواز دارد ويا خير؟

جواب- فقهاء می گويند: اجاره‌کردن برای تعليم قرآن و علوم بصورت ماهيانه يا غيرماهيانه و بطور مطلق جايز است و همچنين برای نوشتن دعا و نسخه‌های مصحف و نوشتن کتابهای علمی نيز اجاره جايز است چون در اين مورد نهی نيامده ، بلکه بمباح بودن اين‌کار تصريح شده است.

---

[1]- سوره بقرة، آيت 41

سوال135- نظر مذهب پیرامون مزد گرفتن دربدل ختم وتلاوت قرآن، بالای میت ودر تراویح چیست؟
جواب- طوریکه از عبارت فقهاء معلوم می گردد که مزد گرفتن دربدل مطلق عبادت عمل خوب نیست بنابر برضرورت به تعلیم علوم اسلامی اجازه داه شده. ولی مزد گرفتن در بدل تلاوت قرآن به اتفاق علمای گذشتشه وفعلی حرام می باشد. بخصوص اگر قبل از انجام عبادت عقد صورت گیرد نیت وهدف هم پول باشد. صاحب فتوای شامی چنین می گوید:
(تحريم مهم في عدم جواز الاستئجار على التلاوة ثم إن القرآن بالأجرة لا يستحق الثواب لا للميت ولا للقارئ وقال العيني في شرح الهداية (ويمنع القارئ للدنيا والآخذ والمعطي آثمان)[1]
ترجمه : حرام است گرفتن مزد در بدل تلاوت قرآن .بعداً اضافه نموده که قرآن خواندن به مزد که بالای میت باشد ویادرجای دیگری نه برای میت ونه برای قاری ثواب می رسد. باید قاری از قرائت ممانعت شود وپول گیرنده ودهنده در گناه است.
سوال136- اگر قاری در نماز تراویح بدون عقد ونیت پول ، تراویح وختم دهد. اما مردم بدون خواست قاری برایش تحفه وپول بدهند چه حکم دارد؟
جواب- در این صورت شاید برای قاری گناهی نباشد .
سوال137- چرا فقهاء مزد را د ر بدل تعلیم قرآن وسائر علوم اسلامی جواز داده ودر تلاوت وختم قرآن جواز نمی دهند؟
جواب- اول اینکه چنین است فتوای فقهآء دوم اینکه بین دوموضوع فرق است.
سوال138- چه فرق است در حالیکه هردو عبادت است؟
جواب- بلی در عبادت بودن هردو شکی نیست ،ولی در حکم ونتیجه فرق برزگ وجود دارد.
سوال139- چه فرق است اگر واضح سازید؟
جواب- اول اینکه آموختن علوم اسلامی وقرآن فرض می باشد. اما تلاوت بر میت ویا تراویح سنت . اگر تلاوت تعطیل شود کدام مشکلی جدی به بار نمی آید .اما اگر فرائض ترک گردد ایمان مومن به مشکل جدی مواجه می شود. پس به ترک فرض قاعده ضرورت واقع می شود اما به ترک سنت قاعده ضرورت نمی آید. روی همین دلیل به اساس ضرورت مزد گرفتن در بدل

[1]- حاشية بن عابدين، ج1، ص275

تعلیم علوم اسلامی وقرآن به نظر مذاهب فقهی جوازدارد. اما تلاوت قرائت به مزد چون مستحب وسنت است ضرورت نمی باشد جوازندارد.

سوال140- اگر کسی وصیت کند که قاری بالایم بعد از مرگم دربدل پول قرائت کند چه حکم دارد؟

جواب- صاحب بحر الرائق می گوید: (قال فیمن أوصي لقارئ القرآن علي قبره بکذا لا معني لهذه الوصیلة ولصلة القارئ بقراءته لأن هذا بمنزلة الأجرة والإجارة في ذلك باطلة وهي بدعة ولم یفعلها أحد من الخلفاء)[1]

ترجمه : مصنف بحر رائق می گوید: شخصیکه برای قاری وصیت کند که بعد از مرگ بالای قبرمن قرائت نماید. این اعتبار ندارد زیرا این عمل به منزله مزد گرفتن است ومزد گرفتن برتلاوت باطل ویک عمل بدعت می باشد که هیچ یکی از خلفاء چنین کاری را نکرده اند . بناءً نه برای قاری ونه برای میت ثوابی خواهد بود.

سوال141- اگر از اهل خانواده میت به نیت وصول ثواب برای میت تلاوت نمایند آیا برای میت ثواب می رسد؟

جواب- بلی انشاءالله بخاطر اینکه نیت مزد گرفتن نیست. اگر کسی دیگری هم بدون نیت مزد گرفتن باشد ثواب برای تلاوت کننده وبرای میت نیز می رسد.

سوال 142- چه مقدار ثواب بر هریک برسد؟

جواب - به تعبیر امروز گفته می توانم که مکمل ثواب برای تلاوت کننده می رسد وکاپی آن مکمل به میت .

سوال143- پول ومزد گرفتن در بدل امامت حج کردن و آذان دان چه حکم دارد ؟

جواب- قرار داد اجاره ومزد گرفتن در بدل نماز های فرض مشکل خود را دارد مذاهب منع می کنند. بخصوص اگر در امامت نیت اصلی وی مزد باشد نه عبادت .

سوال144- اجاره ومزد گرفتن در بدل غسل میت چه حکم دارد؟

جواب- در مورد غسل دادن در بدل مزد واجاره اختلاف نظر است . اگر گرفته نشود بهتر است، ولی اگر ضرورت شود وبدون مزد شخصی حاضر به شستن نباشد، بنابر به ضرورت جواز دارد.

سوال 145- مزد گرفتن در بدل قبر کندن جه حکم دارد؟

---

[1]- البحر الرائق، ج8، ص518 ، باب الوصیة

جواب_– جواز ندارد مگر اینکه مجبوریت باشد، بدون مزد ممکن نباشد.

سوال146– مزد گرفتن به دم کردن وتعویذ شرعی چه حکم دارد؟

جواب– به اتفاق فقهاء جواز دارد.

سوال 147– خلاصه همین ختم ما عقب قاریيکه بخاطر ختم قرآن کریم در نماز تروایح مزد می گیرد وقبلا هم با مردم در این مورد عقد می کند وشرط می گذارد نماز ما می شود ویا خیر؟.

چواب – اگر قاری قبل از ختم موضوع پول را مطرح می کند. وبخاطر همان پول ختم کند نماز عقبش نمی شود. بهتر است که عقب وی نماز وختم نشود.

سلام دادن در نماز تراویح

سوال **149**– حکم سلام دادن به نماز تروایح چیست؟

چواب – حکم سلام به نماز تروایح مثل سایر نماز ها است .

سوال150 – نماز تراویح چند رکعتی خوانده شود؟

جواب– نماز تراویح بهتر است که دو دورکعت خوانده شود.

سوال151– آیا نماز تراویح چهار چهار رکعت خوانده نمی شود؟

جواب– بلی خوانده می شود حدیث شریف است ودر مذهب حنفی جواز دارد ،ولی بهتر آن دو دو رکعت می باشد .

سوال152– حکمت چیست که نماز تراویح باید دو دو رکعت خوانده شود؟

جواب– حکمت اول آن ، چون عدد رکعت نماز تراویح بیشتر است سلام دادن بعد از هر دو رکعت آسانی را بار میارد.دوم نماز شب بیشتر در شرعیت دو دو رکعت گذارش داده وروایت شده است .

َ(عَن ابْن عمر أَن رجلا سَأَلَ النَّبِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَن صَلَاة اللَّيْل ؟ فَقَالَ رَسُول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : " صَلَاة اللَّيْل مثنى مثنى ، فَإِذا خشِي أحدكُم الصُّبْح صَلَّى رَكْعَة وَاحِدَة توتر لَهُ مَا قد صَلَّى " وَعنهُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْه ، عَن النَّبِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ : " صَلَاة اللَّيْل وَالنَّهَار مثنى مثنى)"[1]

---

[1]– رواه البُخَاريّ" 30/2 (990) و (مُسْلِم 171/2 (1695) و"أبو داود"1326 و(النسائي 233/3 ،

ترجمه : عبد الله ابن عمر رضی الله عنه می گوید : مردی ازپیامبر علیه السلام از کیفیت نماز شب سوال نمود. رسول کریم صلوات الله علیه در جواب فرمود: نماز شب دو دو رکعت می باشد. اگر یکی از شما از صبح شدن ترسید یک رکعت نماز وتر بخواند.ودر روایتی دیگری آمده که نماز شب وروز دو دو رکعت است.

سوال153- در یکی از روایت های صحیح نقل شده که پیامبر علیه السلام نماز شب رمضان را چهار چهار رکعت ادا نموده آیا با این روایت در تضاد نیست؟

جواب- نخیر. بلی چهار رکعت خوانده وخواندن چهار رکعت جائز می باشد، ولی در دو رکعت مداومت ومواظبت نموده .روی همین دلیل خواندن چهاررکعت حتا بیشتر از آن؛ در مذهب حنفی جواز دارد . اما بهتر نماز های شب وتراویح همانا دو رکعتی است.

سوال 154- اگر شخصی نماز تروایح را چهار کعتی بخواند نماز وی می شود؟

جواب - بلی برای امام وبرای تنها گذار نماز تروایح چهار رکعتی جایز است ، ولی خلاف افضل می باشد.

تعداد رکعات نماز تراویح

طوریکه در بحث های قبلی گذشت که نماز تراویح در اصل سنت پیامبرعلیه السلام بوده اما بنابرمعذرت مشهود که خوف فرض شدن نماز تراویح بود، ترک شد ؛ سپس باردوم از طرف امیر مومنین عمر ابن الخطاب رضی الله عنه جماعت تروایح احیا گردید. ولی سوال در این جا است که تراویح در عصر نبوت چند رکعت خوانده شده ودر عصر خلفای راشدین چند رکعت اداء گردیده است. من در بحث کنونی می خواهم که تعداد رکعت های تراویح را ازنظر احادیث ومذاهب اهل سنت به بحث بگیرم تا اینکه نظریات مذاهب کاملاً روشن گردد. ناگفته نباید گذاشت که همه دانشمندان اهل سنت به خواندن نماز تراویح یا به قیام شب های رمضان اتفاق نظر دارند. یعنی هیچ عالمی از قیام شب رمضان نه انکار داشته ونه مخالفت. همچنان همه علماء اتفاق نظر دارند که نماز تروایح فرض وواجب نیست . اما علت اختلاف نظر پیرامون تعداد رکعت های نماز تراویح بین مذاهب، عدم موجودیت نص واضح وصحیح بر ثبوت عدد رکعت نماز تراویح ویا قیام شب های رمضان وعدم مداومت پیامبر علیه السلام بر این سنت مبارک در ماه مبارک می باشد.گرچه بعضی روایت ها یازده وبیست رکعت را ثابت میسازد، ولی

سیزده رکعت هم ثابت شده که پیامبر علیه السلام قیام شب نموده است. طوریکه محدثین می گویند منظور از یازده رکعت مانند روایت عائشه رضی الله عنها اغلبیت در طول سال است. بخاطر اینکه سیزده رکعت هم ثابت شده . بیست رکعت هم روایت شده گرچه ضعیف است ،ولی بیشتر قرائن تقویه حدیث بر بیست رکعت موجود می باشد.

سوال 155- اگر نظریات مذاهب را پیرامون عدد رکعت تشریح کنید

جواب- نگاه کنید به نظریات مذاهب اهل سنت پیرامون تعداد رکعت های نماز تراویح.

مذهب حنفی:

در مذهب حنفی تعداد رکعت های نماز تراویح بیست رکعت می باشد .

قال الکاسانی :(وَالصَّحِيحُ قَوْلُ الْعَامَّةِ لِمَا رُوِيَ أَنَّ عُمَرَ رضي اللَّهُ عنه جَمَعَ أَصْحَابَ رسول اللَّهِ صلى اللَّهُ عليه وسلم في شَهْرِ رَمَضَانَ على أُبَيِّ بن كَعْبٍ فَصَلَّى بِهِمْ في كل لَيْلَةٍ عِشْرِينَ رَكْعَةً ولم يُنْكِرْ عليه أحد فَيَكُونُ إجْمَاعًا منهم على ذلك)[1] ترجمه : کاسانی می گوید : قول صحیح واکثر علمآء بر بیست رکعت نماز تروایح است. زیرا عمر ابن الخطاب رضی الله عنه اصحاب را در ماه رمضان به بیست رکعت نماز تراویح جمع نمود. ابی بن کعب برای مردم بیست رکعت جماعت داد در حالیکه صحابه حضور داشتن وانکار نکردن پس عدم انکار صحابه دلیل اجماع بر مشروعیت بیست رکعت تراویح می باشد. البته به اساس علم اصول فقه قوی ترین اجماع ، اجماع صحابه است.

(قال ابن الهمام :نعم ثبتت العشرون من زمن عمر في الموطأ عن يزيد بن رومان قال كان الناس يقومون في زمن عمر بن الخطاب بثلاث وعشرين ركعةوظاهر كلام المشايخ أن السنة عشرون ومقتضى الدليل ما قلناوجمع بينهما بأنه وقع أولا ثم استقر الأمر على العشرين) [2]

ترجمه : ابن الهمام که ازبزرگان ومحققین مذهب حنفی می باشد در مورد عدد رکعت نماز تراویح چنین می گوید: بلی عدد رکعت نماز تراویح در زمان خلافت عمرابن الخطاب رضی الله عنه طوریکه در موطا امام مالک ثابت می باشد بیست رکعت

---

[1]- بدایئع الصنائع، ج2، ص641

[2]- شرح فتح القدیر، ج1، ص466 ، علت ضعف حدیث بیست رکعت تراویح ، وجود ابي شيبه إبراهيم بن عثمان درسند حدیث است که تمام محدثین به ضعفش اتفاق نظر دارند.

است . چون مردم در زمان خلافت عمر ابن الخطاب رضی الله عنه بیست سه رکعت نماز می خواندن. وظاهر سخنان مشایخ وبزرگان دین، هم همین است که سنت تراویح بیست رکعت می باشد. ابن الهمام در مطلبی دیگری نیز اشاره می کند که در بعضی روایت ها، قیام شب رمضان یازده رکعت است . وی می گوید: عدد یازده رکعت هم درست وصحیح می باشد ولی جمع بین دو روایت چینین خواهد بود که در ابتداء یازده رکعت خوانده میشد اما بعدها نماز تروایح به بیست رکعت اسقرار حاصل نمود. ابن الهمام در مورد عدد بیست رکعت در عصر نبوت نیز تحقیق نموده وفرموده: روایت ابن عباس در مورد عدد بیست رکعت نماز تراویح در عصر نبوت حدیث ضعیف است.

امام زیلعی در نصب الرایة چنین تحقیق کرده است.

(ورُوِيَ عَن يَزِيد بن رُومَان قَالَ : «كَانَ النَّاس يقومُونَ فِي زمن عمر بن الْخطاب بِثَلَاث وَعشْرين رَكْعَة» .رَوَاهُ مَالك فِي «الْمُوَطَّأ» لكنه مُرْسل ؛ فَإِن يزِيد بن رُومَان لم يدْرك عمر. وَرَوَى الْبَيْهَقِيّ عَن عَلّي رَضِيَ اللَّهُ عَنْه أَيْضا قيام رَمَضَان بِعشْرين رَكْعَة .وَفِي رِوَايَة لَهُ من طَرِيق آخر«أَن عمر رَضِيَ اللَّهُ عَنْه أَمر أبي بن كَعْب وتميمًا أَن يقوما بِإِحْدَى عشرَة» قَالَ الْبَيْهَقِيّ " يجمع بَين الرِّوَايَتَيْنِ بِأَنَّهُم كَانُوا يقومُونَ بِإِحْدَى عشرَة ، ثمَّ قَامُوا بِعشْرين ، وأوتروا بِثَلَاث)[1] ترجمه : امام زیعلی در کتاب خود می گوید: از یزید بن رومان روایت شده که مردم در زمان عمر الخطاب در شب های رمضان بیست سه رکعت قیام داشتن بیست آن تراویح وسه رکعت آن وتر.اما این روایت مرسل است . زیرا یزید بن رومان عمر ابن الخطاب رضی الله عنه راندیده بود. حدیث مذکور را امام مالک روایت نموده . در روایتی دیگری نیز نقل شده که حضرت علی رضی الله عنه بیست رکعت تراویح خوانده است.در روایتی دیگری نقل شده که عمر الخطاب ابی بن کعب وتمیم داری را امر نمود که یازده رکعت تراویح بخوانند. امام بیهقی وتعدادی دیگری از محدثین وفقهاء می گویند : در ابتداء 11رکعت تراویح معمول بود . ولی در اخیر به بیست رکعت اتفاق نظر شد والی همین اکنون ادامه دارد.

عن السائب بن يزيد، قال: كانوا يقومون على عهد عمر بن الخطاب رضي الله عنه في شهر رمضان بعشرين ركعة، قال: وكانوا يقرءُون بالئين، وكانوا يتوكئون على عصيهم في عهد عثمان

[1]- نصب الرایة فی تخریج احادیث الهدایة، ج2، ص153

بن عفان رضي الله عنه من شدة القيام)[1].ترجمه : سائب ابن يزيد دريک روايت چنين فرموده : که ما در زمان عمر ابن الخطاب بيست رکعت قيام شب داشتيم . (تراويح ميخوانديم).
در روايتی که موجود است می گويد : مردم در زمان خلافت عمر بن الخطاب در ماه رمضان بيست رکعت قيام شب می کردند واضافه نموده که سوره های طولانی را قرائت می نمودند حتا در زمان خلافت عثمان رضی الله عنه مردم از شدت وکثرت ايستاد شدن بالای عصای خود تکيه می کردند. امام نووی در کتاب الخلاصه خود فرموده است:
ال النَّوَوِيُّ فِي "الْخُلَاصَةِ: إسْنَادُهُ صَحِيحٌ). ترجمه: اين اسناد صحيح است. يعنی در مورد سند يزيد بن رومان اگر اندکی مشکل علمی وجود داشته باشد که آن هم مرسل بودن حديث است.روايت موجود همان علت را رفع می کند . زيرا اگر حديثی بنابر انقطاع در اسناد ضعيف باشد سند ديگری که متصل وقوی تر باشد به حيث شاهد همان نقيصه را جبران می کند. پس به اساس علم حديث عدد بيست رکعت تراويح در زمان عمر الخطاب رضی الله عنه از جهت کثرت طرق حديث؛ صحيح می باشد. پس از مجموعه روايات ثابت می شود که خلفای راشدين بعد از ابی بکر صديق رضی الله عنه به بيست رکعت نماز تراويح اتفاق کردند. وعملاً بيست رکعت نماز تراويح را ادا نمودند.
عن يحيى بن سعيد أن عمر بن الخطاب امر رجلاً يصلی بهم عشرين رکعة)[2] يحيی بن سعيد روايت می کند که امير مومنين عمر بن الخطاب مردی را در رمضان مبارک امر نمود که به مردم بيست رکعت نماز تراويح بدهد.
قال بن عابدين : عليه عمل الناس شرقا وغرباَ)[3] ترجمه : ابن عابدين که از دانشمندان مشهور مذهب حنفی است می گويد : خواندن بيست رکعت تراويح عمل شرق وغرب دنيای اسلام است.

---

[1]- نصب الراية فی تخريج احاديث الهداية، ج2، ص153، رجال هذا الاسناد كلهم ثقات، ذكرها "المحقق النيموي الهندي" في "آثار السنن" ، ج 2، ص 54. في "باب قيام رمضان" ص 40، والبيهقي في "السنن" ص 496، ج 2 من طريق مالك. في "شرح الآثار" ص 207. محقق نصب الراية فرموده: که راوی های اين اسناد همه ثقه ميباشند. طوريکه محقق النيوی هندی در کتاب آثار سنن تحقيق نموده است.
[2]- مصنف اعلاء السنن حديث را به روايت ابی شيبة نسبت داده است. ج7، ص71
[3]- ردالمحتار، ج1، ص474

(فَعَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي ، وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الْمَهْدِيِّينَ الرَّاشِدِينَ ، تَمَسَّكُوا بِهَا، وَعَضُّوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِذِ)[1] ترجمه: پیامبر علیه السلام فرموده است: شما بر خود لازم گیرید وچنگ زنید به سنت من وسنت خلفای راشدین وهدایت شده گان. سنت ها را دندان بگیرید. وجه استدلال : محمد رسوالله صل الله علیه وسلم واضح دستور داده که به طریقه وسنت خلفای راشدین عمل کنید. اگر عمل کرد سنت های خلفای راشدین غلط می بود به هیچ وجه چنین دستور نمی داد. جماعت وعدد بیست رکعت نماز تراویح هم از سنت نبوی وهم سنت خلفای راشدین میباشد. واگر خلفای راشدین دلیلی بر عدد بیست رکعت تراویح نمی داشتن هر گز به چنین عدد مردم را جمع نمی کردند. اگر فرضاً جمع کرده ودستور دادند .عام صحابه کرام این دستور وطرز العمل را رد می کردند . زمانیکه صحابه موافقت خود را به عدد بیست رکعت اعلام ویا حد اقل سکوت نمودند دلیل قوی بر مشروعیت بیست رکعت نماز تراویح می باشد

مذهب مالکی:

(واستحب جماعة من العلماء والسلف الصالح بالمدينة عشرين ركعة والوتر واستحب منهم آخرون ستا وثلاثين ركعة والوتر وهو اختيار مالك في رواية ابن القاسم عنه).[2]

ترجمه : مصنف کافی در فقه مالکی می گوید: جماعتی از علمای سلف صالح اهل مدینه خوا ندن بیست رکعت تراویح را با سه رکعت وتر مستحب شمرده بودند. تعدادی خواندن سی شش رکعت تراویح را با اضافه وتر مستحب میدانند که البته این نظر از امام مالک به روایت قاسم آمده است.

در کتاب دیگری از مذهب مالکی چنین آمده :تراویح در ابتداء هشت رکعت بود البته با در نظر داشت طول قیام.بعداً به بیست رکعت تراویح رسید که طول قیام به کثرت سجده تبدیل شد. بعداً سوره های اخیر قرآن انتخاب گردید وتراویح به سی شش رکعت انتقال نمود.[3] از مجموع نظریات مذهب مالکی معلوم میشود که دانشمندان مذهب مالکی هم به بیست رکعت تراویح نظر دارند وهم به سی شش رکعت بدون نماز وتر. البته دلائل مذهب مالکی ها عین دلائل مذهب حنفی بود از تکرارش صرف نظر کردم.

1- رواه أحمد 126/4 (17275) . وأبو داود (4607)

2- الکافی فی فقه اهل المدینة ج1، ص245 . مواهب الجلیل لشرح مختصر الخلیل، ج2، ص 376

3- شرح مختصر خلیل، ج1، ص 9

مذهب شافعی:

(ومذهبنا أن التراويح عشرون ركعة)[1] ترجمه : در یکی از کتاب های امام شافعی نقل شده که فرموده است:در مذهب ما نماز تراویح بیست رکعت است.

(فَالَّذِي أَخْتَارُ عِشْرُونَ رَكْعَةً : خَمْسُ تَرْوِيحَاتٍ عدد ركعات قيام رمضان ، كُلُّ تَرْوِيحَةٍ شَفْعَانِ ، كُلُّ شَفْعٍ رَكْعَتَانِ بِسَلَامٍ ، ثُمَّ يُوتِرُ بِثَلَاثٍ : لِأَنَّ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ جَمَعَ النَّاسَ عَلَى أُبَيِّ بْنِ كَعْبٍ ، فَكَانَ يُصَلِّي بِهِمْ عِشْرِينَ رَكْعَةً جَرَى بِهِ الْعَمَلُ وَعَلَيْهِ النَّاسُ بِمَكَّةَ).[2]

ترجمه :در کتاب دیگری از فقه امام شافعی گفته شده است : آنچیزیکه در تراویح اختیار کردیم بیست رکعت در پنج ترویحه در قیام شب های رمضان است. هر ترویحه دو دو رکعت می باشد که به یک سلام ختم می شود. سپس سه رکعت وتر خوانده می شود. زیرا عمر بن الخطاب در مدینه منوره مردم را در قیام شب رمضان به امامت ابی ین کعب به بیست رکعت جمع کرده بود.به همین شکل مردم مکه عمل می کردند. بنده می گوید :در مجموع کتاب های فقه امام شافعی رحمة الله علیه پیرامون عدد نماز ترواایح نظریات به گونه باز واختیاری ذکر شده است. بعضی از دانشمندان وفقهای مذهب امام شافعی می گویند : نماز تراویح از هشت رکعت آغاز شده الی بیست رکعت ، سی شش رکعت وچهل رکعت نمازتراویح خوانده شده است. ولی نظر اکثریت را بیست رکعت تشکیل می دهد.

مذهب حنبلی:

(وهي عشرون ركعة" في قول أكثر العلماء)[3] صاحب کتاب مبدع می گوید: نماز تراویح به قول اکثر علماء بیست رکعت است.

(وسنة التراويح عشرون ركعة ويكره التنفل بينها)[4] یکی از دانشمندان فقه حنبلی می گوید: سنت نماز تراویح بیست ر کعت است ومکروه است نفل خواندن در بین نماز تراویح .

(قال ابن قدامة يروى عن يزيد بن رومان قال : كان الناس يقومون في زمن عمر في رمضان بثلاث وعشرين ركعة)

---

[1]- الحاوی للفتوای السیوطی، ج1، ص 334

[2]- الحاوی فی فقه الشافعی، ج2، ص291

[3]- المبدعشرح المقنع، ج2، ص20

[4]- المحرر فی الفقه، ج1، ص90

ابن قدامه رحمه الله فرموده است : از ابن رومان نقل شده که مردم در زمان خلافت عمر رضی الله عنه بیست رکعت نماز تراویح را درماه رمضان ادا می کردند.

(وعن علي أنه أمر رجلا يصلي بهم في رمضان عشرين ركعة)

وهذا كالإجماع وقد جاء عن النبي صلى الله عليه و سلم : (فَعَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي ، وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الْمَهْدِيِّينَ الرَّاشِدِينَ ، تَمَسَّكُوا بِهَا ، وَعَضُّوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِذِ)[1]

از علی رضی الله عنه روایت شده که مردی را دستور داد که در ماه رمضان برای مردم بیست رکعت تراویح را اداکند.این اجماع است طوریکه پیامبر علیه السلام فرموده است: شما بر خود لازم گیرید وچنگ زنید به سنت من وسنت خلفای راشدین وهدایت شده گان وسنت ها را به دندان بگیرید.

ابن قدامه که از شخصیت های بزرگ مذهب حنبلی است بعد از اینکه بیست رکعت نماز تراویح را ترجیح میدهد و به عمل کرد عمر ابن الخطاب استدلال می کند. مردم را در رمضان مبارک بر بیست رکعت تراویح وسه رکعت وتر جمع نمود. هم چنان علی رضی الله عنه مردی را امر داد تا برای مردم تراویح را بیست رکعت جماعت بدهد.

ابن قدامه می گوید: امر خلیفه بر بیست رکعت وسکوت اصحاب بر بیست رکعت دلیل اجماع اصحاب می باشد. بعد به حدیث علیکم بسنتی، استدلال میکند[2].

(قال شيخ الإسلام ابن تيمية رحمه الله: "له أن يصلي عشرين ركعة، كما هو مشهور من مذهب أحمد والشافعي، وله أن يصلي ستاوثلاثين، كما هو مذهب مالك، وله أن يصلي إحدى عشرة ركعة وثلاث عشرة ركعة، وكل حسن) فيكون تكثير الركعات أو تقليلها بحسب طول القيام وقصره)

ترجمه : ابن تیمیه رحمه الله می گوید: بر نماز گذار است که بیست رکعت تروایح میخواند مانند مذهب احمد وشافعی ویا سی شش رکعت تراویح می خواند مانند مذهب امام مالک .یا ،یازده رکعت وسیزده رکعت می خواند همه خوب است. اما کثرت رکعت وقلت آن به سبب طولانی بودن وکوتاه بودن قرائت درنماز تروایح می باشد.[3]

سوال 156- تعدادی از جوانان بیست رکعت تراویح را بدعت می گویند شما چه می گوئید؟

---

[1]- رواه أحمد 126/4 (17275) و أبو داود (4607)

[2]- المغنی، ج1، ص 833

[3]- المغنی، ج1، ص 833

جواب – آنها از فهم دین بعید تر هستند به دلیل اینکه بدعت به حکمی گفته می شود که اصل آن وجود نباشد، در حالیکه شخصی رسول الله صلی الله علیه وسلم ترایح را خوانده است اصحاب کرام به اتفاق بیست رکعت تروایح را به جماعت ادا نمودند چهار مذهب فقهی به مشروعیت ، بلکه به سنت بودن جماعت تروایح فتوی داده اند.

سوال 157- اگردلیل و تحلیل بیست رکعت تراویح را بیان نمائید بهتر خواهد بود؟

جواب – توجه نمائید به دلایل وتحلیل بیست رکعت تروایح

به مبحث قبلی گذشت که رسول الله صلی الله علیه وسلم سه شب نماز تراویح را بدون اینکه از عدد رکعت تراویح بگونه صریح نام برده شود به جماعت ادا نمود، ولی بخاطر خوف فرضیت آن، نماز تراویح را ترک کرداما روایت های از حدیث مرفوع وموقوف وجود دارد که رسول الله صلی الله علیه وسلم ، اصحاب کرام مجتهدین عظام نماز تراویح، را بیست رکعت ادا نموده اند.

حدیث از عبد الله ابن عباس رضی الله عنه نقل شده است **(عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ : كَانَ النَّبِىُّ -صلى الله عليه وسلم- يُصَلِّى فِى شَهْرِ رَمَضَانَ فِى غَيْرِ جَمَاعَةٍ بِعِشْرِينَ رَكْعَةً وَالْوِتْرَ)** [1]ترجمه: عبد الله ابن عباس رضی الله عنهما می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم در رمضان مبارک بدون جماعت بیست رکعت تراویح و وتر می خواند.

عن بن عباس قال صلى الله عليه وسلم كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يصلي في رمضان عشرين ركعة ويوتر بثلاث) [2]ترجمه : عبد الله ابن عباس رضی الله عنهما می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم در رمضان مبارک بدون جماعت بیست رکعت تراویح وسه رکعت وتر می خواند.

عن بن عباس قال صلى الله عليه وسلم كان النبي صلى الله عليه وسلم يصلي في رمضان عشرين ركعة والوتر) ترجمه عبد الله ابن عباس رضی الله عنهما می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم در رمضان مبارک بیست رکعت تراویح و وتر می خواند. ا[3]

در مجموع حدیثی که مستقیم بیست رکعت تراوایح را تثبیت می کند، به نظر جمعی از محدثین ، حدیث ضعیف می باشد. علت

---

[1]-- سنن الکبری بیهقی ج2ص498

[2]- عبد بن حميد في مسنده ج 1/ ص 218 ش 653

[3]لطبراني في معجمه الكبير ج 11/ ص 393 ش 12102

ضعف آنرا وجود ابراهیم ابن عثمان واسطی از پسران ابوبکر ابن شیبه می دانند، بیان نموده اند. در مورد ابراهیم ابن عثمان راوی حدیث مذکور ، امام احمد، ابن معین وامثال این ها ، وی را ضعیف در حدیث می دانند امام بخاری از سخن در مورد وی سکوت اختیار نموده است . اما برخی از علمای حدیث وی را حافظ گفته اند. وَإِبْرَاهِيم بن عُثْمَان ، هُوَ أَبُو شيبَة الوَاسِطِيّ ، كُوفِي حَافظ ، مقدم فِي ذَلِك ، وَأَخُوهُ عُثْمَان ، حَافظ ثِقَة ، وأخوهما الْقَاسِم ضَعِيف .

اما ابراهیم ابن عثمان رحمه الله احادیث زیادی را روایت نموده از جمله حدیث **(حدثنا إبراهيم بن عثمان . حدثنا الحكم بن عتيبة عن مقسم عن ابن عباس عَنْ مِقْسَمٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: لَمَّا مَاتَ إِبْرَاهِيمُ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم صَلَّى عَلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم وَقَالَ إِنَّ لَهُ مُرْضِعًا فِى الْجَنَّةِ وَلَوْ عَاشَ لَكَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا. وَلَوْ عَاشَ لَعَتَقَتْ أَخْوَالُهُ الْقِبْطُ وَمَا اسْتُرِقَّ قِبْطِيٌّ.)**[1]ترجمه : عبد الله ابن عباس رضی الله عنه می گوید: وقتیکه ابراهیم پسر رسول الله صلی الله علیه وسلم وفات شد در موردش رسول کریم صلوات الله علیه چنین فرمود: به یقین برای ابراهیم در جنت شیرده هی وجود دارد اگر ابراهیم زنده می بود به یقین صدیق ونبی می بود. اگر زندگی می کرد به یقین ماما های قبطی خود را از غلامی خلاص می نمود. البانی حدیث را تصحیح نموده است .

اگر به علم حدیث مراجعه شود، محدثین بزرگوار اسباب تقویت حدیث را افزون از کثرت طرق حدیث ، چیزهای دیگری بیان نموده اند که بدون روایت حدیث ازطریق دیگری سبب تقویت آن می گردد. حدیث مذکور نیز قراین دیگری به تقویت خود دارد که به تعداد آن اشاره می شود

حدیث مذکور را امام بیهقی ، ابن ابی شیبه ، طبرانی عبد ابن حمید وابن ماجه در کتاب های خود تحت عنوان حکم فقهی حدیث نقل نموده اند. وهر یک آنها حدیث زیر عنوانی درج نموده اند که این خود بیان گر، چند فیصد حدیث بودن آنرا ثابت می کند. زیرا وقتیکه به حدیث ضعیف گفته می شود، به گمان غالب که شاید حدیث درست نباشد، ولی چند فیصد احتمال صحت ان می باشد. همین دلیل است که با وصف

---

[1]- سنن ابن ماجه ج1ص484 تحقیق محمد فواد عبد الباقی الألباني حدیث را بجز کلمه العتق، بقیه را صحیح گفته است . ش 1511

ضعیف حدیث ، محدثین حدیث ضعیف را در کتاب های حدیث خود درج می کنند.
ابراهیم ابن عمثان که در حدیث علت ضعف شده است در بسیاری روایت های دیگری شریک بوده ولی محدثین حدیث روایت شده را ازطریق وی ضعیف نگفته اند. طوریکه مثال آنرا قبلا تذکر داده ام.
یکی از اسباب تقویه حدیث اجماع صحابه کرام به موافقت حدیث است که در عصر عمر ابن الخطاب رضی الله عنه مردم ،به جماعت بیست رکعت جمع کرده شدند ، این اتفاق اصحاب دلیل بزرگی بر صحت حدیث روایت شده می باشد. اگر در عصر نبوت بیست رکعت خوانده نمی شد؛ امیر المومنین رضی الله عنه هر گز چنین جسارت که بیست رکعت را تعین کند؛ نمی کرد. اگر وی جسارت کرده بود؛ هیچ گاه صحابه کرام اتفاق نمی کردند. پس اتفاق ایشان به بیست رکعت تراویح، حدیث مذکور را تقویه بیشتر می نماید.
بعد از موضوع عقاید واصول در کم مسایل است که چهار مذهب فقهی به مشروعیت وسنت بودن یک موضوع اتفاق کرده باشند، در حالیکه چهار مذهب محترم فقهی ، که هریک ایشان ستاره های درخشان اسلام اند ؛ به سنت بودن بیست رکعت تراویح اتفاق نموده اند.
از همان عصر وخلافت عمر رضی الله عنه الی همین اکنون در مقدس ترین اماکن در اماکن مهد نشر علم ومرکز مهبط وحی که حرمین شرفین مکه مکرمه ومدینه منوره می باشد، خواندن بیست رکعت تراویح ادامه دارد، دلیل بزرگی بر صحت حدیث مذکور وبر مشروعیت بیست رکعت تراویح دارد طوریکه ابن العابدین می گوید: قال بن عابدین : علیه عمل الناس شرقا وغرباَ)1 ترجمه :ابن عابدین که از دانشمندان مشهور مذهب حنفی است می گوید : خواندن بیست رکعت تراویح عمل شرق وغرب دنیای اسلام است.
تعدادی از علمای حدیث می گویند که فتوا دادن ، مجتهد وفق حدیث ، ویا عمل کردن محدث مطابق به یک روایت ،و ورود اجماع و یا قیاس سبب تقویت حدیث می شود. طوریکه ابن القیم الجوزی که از بزرگان دین می باشد، چنین می فرماید:(
والمرسل اذا اتصل به عمل وعضده قیاس او قول صحابی او کان مرسله معروفا باختیار الشیوخ ورغبته عن الروآیة عن

-[1] ردالمحتار، ج1، ص474

الضعأء والمتروكين ونحو ذالک مایقتضی قوته عمل به)[1]
ترجمه : ابن القیم می گوید: هر گاه حدیث مرسل را عمل ؛ قیاس ، سخن صحابی ویا اینکه ارسال کننده ی سند، به روایت از ثقه وترک راویان ضعیف وترک شده معروف باشد؛ به یقین که حدیث مرسل را تقویه می کند. افزون به همه دلایل فوق حدیث مذکور را ، احادیث ورایات زیر نیز تقویه می کند
الف: **حَدِيث أنه صَلَّى الله تَعَالَى عَلَيْهِ وَسلم صَلَّى بِالنَّاسِ عشْرين رَكْعَة لَيْلَتَيْنِ فَلَمَّا كَانَ فِي اللَّيْلَة الثَّالِثَة اجْتمع النَّاس فَلم يخرج إِلَيْهِم ثمَّ قَالَ من الْغَد خشيت أَن تفرض عَلَيْكُم وَلَا تطيقوها مُتَّفق عَلَيْهِ من رِوَايَة عَائِشَة بِدُونِ عدد الرَّكْعَات وَهُوَ غَرِيب)**[2]ترجمه : روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم برای عام مردم دوشب بیست رکعت تراویح را ادا نمود سپس بخاطر خوف فرض شدن؛ در شب بعدی نماز تراویح را به جماعت ترک کرد.
ب: **وَعَن السَّائِب بن يزِيد الصَّحَابِيّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْه ، قَالَ : " كَانُوا يقومُونَ عَلَى عهد عمر بن الْخطاب رَضِيَ اللَّهُ عَنْه فِي شهر رَمَضَان بِعشْرين رَكْعَة ، وَكَانُوا يقراؤون بالمئين ، وَكَانُوا يتوكؤون عَلَى عصيهم فِي عهد عُثْمَان من شدَّة الْقيام)**[3].
ترجمه : سایب ابن یزید رضی الله عنه می گوید: اصحاب کرام در عصر خلافت امیر المومنین عمررضی الله عنه در رمضان مبارک بیست رکعت تراویح می خواندند. ایشان در رکعت های نماز خود الی 100 آیت تلاوت می نمودند اصحاب کرام از شدت قیام وخستگی بالای عصا های خود در خلافت عثمان رضی الله عنه تکیه می زدند. یعنی بیست رکعت تروایح در زمانه خلافت امی المومنین عثمان رضی الله عنه هم به همان صورت انجام می شد.
ج- **عَنْ عُمَرَ أَنَّهُ جَمَعَ النَّاسَ عَلَى أُبَيِّ بْنِ كَعْبٍ فَكَانَ يُصَلِّي بِهِمْ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ عِشْرِينَ رَكْعَةً1)** ترجمه : عمر رضی الله عنه مردم را به امامت ابی ابن کعب در ماه رمضان به بیست رکعت تراویح جمع نمود.
ث: **رُوِّينَا عَنْ شُتَيْرِ بْنِ شَكَلٍ وَكَانَ مِنْ أَصْحَابِ عَلِيٍّ رَضِىَ اللَّهُ عَنْهُ : أَنَّهُ كَانَ يَؤُمُّهُمْ فِى شَهْرِ رَمَضَانَ بِعِشْرِينَ رَكْعَةً ، وَيُوتِرُ بِثَلاَثٍ. فى روايةٍ عَنْ أَبِى عَبْدِ الرَّحْمَنِ السُّلَمِىِّ عَنْ عَلِىٍّ رَضِىَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ : دَعَا الْقُرَّاءَ فِى رَمَضَانَ ، فَأَمَرَ مِنْهُمْ رَجُلاً يُصَلِّى بِالنَّاسِ**

---

[1]- زاد المعاد ج1ص379
[2]- البدر المنیر فی تخریج کتاب شرح الکبیر ج1ص181
[3]_ روایت بیهقی بِإِسْنَاد صَحِيح

عِشْرِينَ رَكْعَةً. قَالَ : وَكَانَ عَلِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يُوتِرُ بِهِمْ)ترجمه :[1] شتير ابن شكل كه از ياران على رضى الله عنه است روايت نموده، كه وى مردم آن عصر زمان را ، در رمضان ، بيست ركعت تراويح مى داد. در روايتى ديگرى نقل شده است كه على رضى الله عنه در ماه رمضان تمام حافظان قرآن كريم را جمع نمود بعد يكى آنها را دستور داد كه بيست ركعت تراويح دهد وخود وى رضى الله عنه نماز وتر را جماعت مى داد.

ادامه بيست ركعت نماز تراويح وسه ركعت وتر از زمان امير المومنين عمر رضى الله عنه الى قرون فاضله والى عصر كنونى از بزرگترين دلايل صحت بيست ركعت نماز تراويح مى باشد.

ه: اتفاق چهار مذهب فقهى ، بلكه اكثريت مطلق مفسرين ، محدثين واصولين بر سنت بودن بيست ركعت نماز تراويح ، افزون بر آن صحت بيست ركعت تراويح را بر جسته تر مى سازد . طوريكه مذهب حنبلى ها بيست ركعت تراوايح را عمل اكثر علماى جهان اسلام قلم داد مى كند(وهي عشرون ركعة" في قول أكثر العلماء)2 صاحب كتاب مبدع مى گويد: نماز تراويح به قول اكثر علماء بيست ركعت است. المبدعشرح

سوال 158-دلايل وتحليل هشت ركعت نماز تراويح اگر تشريح كنيد؟

جواب - پيرامون هشت نماز ركعت تراوايح احاديث وآثار از رسول الله صلى الله عليه وسلم واز اصحاب كرام روايت هاى صحيح وغير صحيح نقل گرديده است .

يكى از دلايل مشهور هشت ركعت نماز تراويح ؛ حديث براويت عائشه رضى الله عنها است .كه چنين نقل مى كند.

عَنْ أَبِى سَلَمَةَ قَالَ : سَأَلْتُ عَائِشَةَ رَضِىَ اللَّهُ عَنْهَا كَيْفَ كَانَتْ صَلاَةُ رَسُولِ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- فِى رَمَضَانَ؟ فَقَالَتْ : مَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- يَزِيدُ فِى رَمَضَانَ وَلاَ فِى غَيْرِ رَمَضَانَ عَلَى إِحْدَى عَشْرَةَ رَكْعَةً ، يُصَلِّى أَرْبَعًا فَلاَ تَسْأَلْ عَنْ حُسْنِهِنَّ وَطُولِهِنَّ ، ثُمَّ يُصَلِّى أَرْبَعًا فَلاَ تَسْأَلْ عَنْ حُسْنِهِنَّ وَطُولِهِنَّ ، ثُمَّ يُصَلِّى ثَلاَثًا)[3]ترجمه : ابو سلمه رضى الله عنها مى گويد : از عايشه رضى الله عنها سوال نمودم كه نماز رسول الله صلى الله عليه وسلم در رمضان وغير رمضان چگونه بود؟ عايشه رضى الله

[1] .سنن الكبرى للبيهقى ج2ص496

[2]- المبدعشرح المقنع، ج2، ص20

[3]- صحيح بخاري در كتاب التهجد ش 426

عنها فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم در رمضان وغیر رمضان ، از یازده رکعت زیاد نساخته است. چها ر رکعت ادا می کرد از حسـن نمازوقرائت وازطول قیام هیچ نپرس بعد چهار کعت ادا می نمود از حسن وطول نماز نپرس. بعد سه رکعت وتر می خواند.

وجه اسدلال : علمایکه هشت نماز تراویح را ترجیح می دهند می گویند: حدیث فوق به هشـت رکعت تراویح وسـه رکعت وتر صریح است وحدیث هم صحیح می باشد، بناء باید هشت رکعت تراویح را ادا نمود .

تبصره : محدثین پیرامون این حدیث نظریات متفاوت دارند.

از حدیث مبارک صریح معلوم می شـود که موضـوع حدیث نماز تهجد است نه تراویح . به دلیل اینکه عائشه رضی الله عنها از نماز خانه رسـول کریم منحیث شـریک زندگی وی خبر میدهد . اگر حدیث مذکور عدد رکعت نماز تراویح را بیان می نمود ، تراویح در مسجد به اشتراک صد ها تن از اصحاب کرام ادا گردید ، چرا غیر از خانم مبارک ، یک تن دیگری از اصـحاب کرام چنین روایت را نقل نکرده اسـت ؟ افزون برآن خود عائشه رضی الله عنها در روایتی دیگری فرموده است که نماز شب رسول الله صلی الله علیه وسلم 13 سیزده رکعت بود، ده رکعت نفل ، یک رکعت وتر ودو رکعت نماز فجر همین دلیل است که امام بخاری ؛ بلکه سـایر محدثین حدیث مذکور را تحت عنوان نماز تهجد ذکر نموده اسـت. بناء اسـتدال از این حدیث به ادای نماز تروایح بعید به نظر می رسد. زیرا روایت مذکور نماز پیامبر علیه الصلاة والسلام را طویکه در متن حدیث هم ذکر است در طول سال تشریح می کند ، که در طول سـال پیامبر بزرگوار اسلام نماز تهجد ووتر خود را اغلبا از یازده رکعت بیشتر نکرده است.

حدیث مذکور نماز پیامبر بزرگوار اسـلام را بگونه مداوم بیان می کند ، که رسـول الله صلی الله علیه وسـلم همیشه یازده ویا سیزده رکعت، نماز شب را خوانده است در حالیکه نماز تراویح تنها در ماه رمضـان ادا می گردد، مداوم نبوده ونیسـت. بناء اسـتدال به این حدیث به هشـت رکعت تروایح نهایت تکلف است.

از حدیث مذکور معلوم می شـود، که نماز نفل چهار رکعتی ادا شده است ، در حالیکه همه ی مذاهب به استناد احادیث دیگری به بهتر بودن ادا کردن دو رکعتی نماز های تراویح

ویا تهجد تاکید دارند. وعملا همه نماز تراویح وتهجد را همین براداران مخالف بیست رکعت ، دو دو رکعت می خوانند.یعنی با همین روایت عملا مخالفت دارند.
در این روایت عدد یازده رکعت قید شده است ،ولی تصریح نشده است که هشت رکعت تروایح بود سه رکعت وتر، ویا ده رکعت تراویح ،یک رکعت وتربود. در حالیکه برادران ما معمولا هشت رکعت تروایح می خوانند و یک رکعت وتر. یعنی خود بردارن ما مخالف همین حدیث عمل می کنند.
روایت های دیگری ازعائشه رضی الله عنه مخالف همین روایت مذکور واقع شده است ، که خود سوال برانگیز است مثلا روایت دیگری وی. **عَنْ عَائِشَةَ قَالَ : سَأَلْتُهَا عَنْ صَلاَةِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم قَالَتْ : كَانَتْ صَلاَتُهُ بِاللَّيْلِ فِى شَهْرِ رَمَضَانَ وَغَيْرِهِ ثَلاَثَ عَشْرَةَ رَكْعَةً ، مِنْهَا رَكْعَتَا الْفَجْرِ.)** رَوَاهُ مُسْلِمٌ ترجمه : از عائشه رضی الله عنها در مورد نماز رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسیده شد؛ وی فرمود : نماز رسول الله صلی الله علیه وسلم در شب های رمضان وغیرآن، 13 سیزده رکعت بود از آنجمله دورکعت نماز صبح) از این روایت معلوم می شود که این 13 رکعت به شمول دورکعت صبح در اخیر شب بوده است ، نماز تروایح معمولا د راول شب می باشد. البته این روایت ها دلیل بزرگ بر عدد رکعت تهجد محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم دارد، نه به عدد رکعت نماز های تراویح .
ثانیا این روایت مغایر روایت قبلی در الفاظ ودر محتوی است . در روایتی دیگری از وی چنین نقل شده است: **قالت كان يصلي ثلاث عشرة ركعة من الليل يصلي تسع ركعات قائما ويوتر فيهن**) ترجمه : عائشه رضی الله عنها می گوید: پیامبر علیه الصلاة والسلام 13 رکعت در شب نماز میخواند بعد می گوید : نه رکعت را ایستاده ادا می کرد ودر آن جمله وتر هم بود. یعنی اول حدیث با جز اخیر آن در تضاد است . در اول 13 رکعت می گوید ؛ د ر اخیر 9 رکعت . در راویتی دیگری چنین فرموده است : **عائشة - رضي الله عنها - : قالت : «كان النبيُّ -صلى الله عليه وسلم- يُصلِّي من الليل ثلاثَ عَشْرَةَ ركعة ، منها الوتْرُ وركعتا الفجر». وفي رواية قالت: «كانت صلاةُ رسولِ الله -صلى الله عليه وسلم- عَشرَ رَكعات ، ويُوتِرُ بسجدة ، ويركع رَكْعَتي الفجر ، فتلك ثلاثَ عَشْرَةَ».** ترجمه : عائشه رضی الله عنها می گوید : پیامبر علیه الصلاة والسلام در شب 13 رکعت می خواند یکی آن وتر دو ی متباقی ان، دورکعت نماز

فجر بود. در روایتی دیگری گفته که نماز رسول الله صلی الله علیه وسلم در شب ده رکعت بود یک رکعت وتر ودو رکعت نماز فجر . جمعا 13 رکعت

در روایتی دیگری نقل شده است : «**أَنَّ رسولَ الله -صلى الله عليه وسلم- كان يصلِّي إحدى عَشْرَةَ رَكْعَة ، كانت تلكَ صلاتُه - تعني : بالليل - فيسجد السجدة من ذلك قَدْر ما يقرأ أحدُكم خمسين آية قبل أن يرفعَ رأْسَهُ، ويركَع ركعتين قبل صلاة الفجر ، ثم يضطجع على شِقِّهِ الأيمنِ حتى يأتيَهُ المؤذِّنُ للصلاة**». ترجمه : پیامبر اسلام صلوات الله علیه وسلم یازده رکعت در شب می خواند به اندازه تلاوت پنجاه آیت ، سجده می کرد بعد دو رکعت نماز فجر را ادا می کرد بعد از آن به طرف راست خود تکیه می نمود تا اینکه موذن وی را به نماز دعوت می کرد. یعنی این حدیث صراحت کامل به نماز تهجد دارد که رسول الله صلی الله علیه وسلم به اندازه تلاوت پنجاه آیت شریف، طول سجده ی مبارک بود، در حالیکه برای امام بیشتر از سه مرتبه تسبیحات سجده مناسب نمی باشد.

وفي أخرى : «**أنه كان يُصلِّي بالليل إحدى عَشرَةَ ركعة ، يُوتِر منها بواحدة، فإذا فرغ منها اضطجع على شِقِّهِ حتى يأْتيَهُ المؤذِّنُ ، فيصلِّي ركعتين خفيفتين**». ترجمه : پیامبر صلی الله علیه وسلم در شب 11 رکعت نماز نفل ویک رکعت نماز وتر ادا می نمود بعد از آن به طرف راست خود، تکیه می نمود تا اینکه موذن نزد وی میامد سپس دو رکعت نماز فجر را ادا می کرد. بازهم تاکید حدیث به نماز تهجد است نه به تراوایح.

در روایتی دیگری ذکر شده است قالت : «**كان رسولُ الله -صلى الله عليه وسلم- يُصلِّي من الليل ثلاثَ عَشرَةَ ركعة ، يُوتِرُ من ذلك بخمس، لا يجلس في شيء إلا في آخرها**» ترجمه: رسول اکرم صلوات الله علیه وسلامه در شب 13 رکعت میخواند از آن جمله پنج رکعت وتر به یک سلام وبدون جلسه میان انها می خواند. تمام این روایات در کتاب های حدیث ثبت است . مثل صحیح مسلم شماره حدیث 737 صحیح بخاري ش 1147 سنن ترمذی ش 459 یعنی تعدادی روایات که در مورد از عائشه رضی الله عنها نقل شده است فعلا غیر معمول می باشد بلکه کاملا ترک شده است . فعلا تمام علماء سه رکعت وتر را ترجیح میدهند ، 9نه رکعت، پنج رکعت ویا یک رکعت وتر را که در روایت های عائشه رضی الله عنها روایت گردیده است مرجوح وتر ک شده است.همچنان در حدیث که از عائشه رضی الله عنها از چهار رکعت به یک سلام

ذکر گردیده است، نیز غیر معمول به می باشد افزون بر همه اجماع اصـــحاب کرام بر ادای بیســـت رکعت تراویح، روایات مذکور را زیر ســوال قرار می دهد به دلیل اینکه اگر روایت های ام المومنین اشــکالی نمی داشــت ،ویا مخصــوص به نماز تهجهد نمی بود، هر گز اصـــــحاب کرام مخالفت با حدیث رهبر محبوب خود نمی کردند.

در روایتی دیگری آمده است. عن مسروق [بن الأجْدع] قال : «سألتُ عائشةَ عن صلاةِ رسولِ الله -صلى الله عليه وسلم- ؟ فقالت: سَبْع ، وتِسْع ، وإحدى عشرةَ ركعة ، سوى ركعتي الفجر» ترجمه : عائشه رضی الله عنها می گوید : رسول الله صلی الله علیه وسلم در شب هفت ، نه ، ویازده رکعت بدون دو رکعت فجر ادا می کرد.

وعنها كَانَ رَسُول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُوتر بِأَرْبعَة وَثَلَاث وســت وَثَلَاث وثمان وَثَلَاث وَعشــر وَثَلَاث وَلم يكن يُوتر بأنقص من سـبع وَلَا بِأَكْثَرَ من ثَلَاث عشـرَة) سـنن أَبُو دَاوُد بِإِسْنَاد صَحِيح ترجمه : عائشه رضی الله عنها می کوید : رسول الله صلی الله علیه وسـلم چهار رکعت وتر ، سـه رکعت وتر ، شـش رکعت وتر ،سـه ونه رکعت وتر، ســه وده رکعت وتر وســه رکعت وتر . پیامبر علیه السلام از هفت رکعت وتر کم ، از سیزده رکعت وتر بیشتر نخوانده است .

دلیل دوم : أن عمر رَضِيَ اللَّهُ عَنْه أمر أبي بن كَعْب وتميمًا أن يقوما بِإِحْدَى عشـــرَة» قَالَ الْبَيْهَقِيّ " يجمع بَين الرِّوَايَتَيْنِ بِأَنَّهُم كَانُوا يقومُونَ بِإِحْدَى عشــرَة ، ثمَّ قَامُوا بِعشْــرين ، وأوتروا بِثَلَاث) [1]

ترجمه : امیر المومنین عمر الخطاب ابی بن کعب وتمیم داری را امر نمود که یازده رکعت تراویح بخوانند. این روایت کاملا به خواندن یازده رکعت صـــراحت دارد. که باید تراویح هشت رکعت ووتر سه رکعت ادا گردد.

تبصره : از اینکه سند این حدیث وهمچنان سند بیست رکعت تراویح در خلافت امیر امومنین عمر ابن الخطاب . صحیح است محدثین مثل امام بیهقی وتعدادی دیگری از محدثین وفقهاء می گویند : در ابتداء 11رکعت تراویح ادا شـــده بود؛ ولی بعد ها ودر اخیر به بیســت رکعت اتفاق نظر شــد والی همین اکنون ادامه دارد. امام بیهقی وامثال این بزرگواران نسبت به شخصیت های علمی این کشور، به مراتب قابل قدر ومنزلت ، صاحب ورع وتقوا ، فهم عالی خشیت وترس خدا در قلب های این شخصیت ها شراره می زند؛ عالم تر ، ومتقی تر هستند وقتیکه

---

[1]- نصب الراية فی تخریج احادیث الهداية، ج2، ص153

آنها اجتهادکنند ویک عمل را ترجیح دهند؛ بر شخصیت عصر امروزی مجال حرف زدن در مقابل آنها نیست.

سوال 159 - آیا در زمان خلافت عمربن الخطاب زنان تراویح میخواندن ویا خیر؟

جواب- بلی تراویح عبادت است .در عبادت مرد زن شریک می باشند.

سوال160- آیا زنان در جماعت ؛نماز تراویح را ادا کرده بودند ویا تنها گذار؟

جواب- به اساس روایت ها؛ احیانا به جماعت خود زنان واحیانا در خانه های ایشان. طوریکه روایت شده است شریک می شدند.

(أن عمر بن الْخطاب رَضِيَ اللهُ عَنْه جمع النَّاس عَلَى قيام شهر رَمَضَان ، الرِّجَال عَلَى أبي بن كَعْب ، وَالنِّسَاء عَلَى سُلَيْمَان ابْن أبي حثْمَة)[1] از عمر رضی الله عنه روایت شده که مردان را در رمضان مبارک به بیست رکعت به امامت ابی بن کعب، و زنان را به امامت سلیمان ابن ابی حثمة جمع کرده بود.

سوال161- در عصرامروز تعدادی مردم زنان را از رفتن درمسجد جهت نماز تراویح ویاتعلیم اسلامی منع می کنند آیا این عمل درست ؟

جواب- در صورتیکه امن ومصؤنیت باشد، منع زنها از مسجد منع کردن و ممانعت از دین خداوند است رسول الله صل الله علیه وسلم در مورد عدم جواز ممانعت زنان ازمسجد فرموده است : ، عَنْ عَائِشَةَ ، عَنِ النَّبِيِّ ؛ صلى الله عليه وسلم. قال : لاتَمْنَعُوا امَاءَ اللهِ مَسَاجِدَ اللهِ)ترجمه: شما زنان را از مساجد الله جل جلا له منع نکنید

سوال162- آیا زنان برای زنان جماعت فرض ویا تراویح را داده می توانند ؟

جواب- بلی بنابر روایت صحیح را که محدثین نقل کرده اند، تعدادی از خانم ها ی پیامبر علیه الصلاة والسلام نیز برای زنان جماعت داده اند.

سوال 163- آیا در مورد دلیل وجود دارد؟

جواب- بلی نگاه به حدیث

---

[1]- نصب الراية فی تخريج احاديث الهداية، ج1، ص،345

1- حَدِيثُ عَائِشَةَ: أَنَّهَا أَمَّتْ نِسَاءً، فَقَامَتْ وَسَطَهُنَّ) ترجمه: عائشه رضی الله عنها زنان را جماعت میداد در حالیکه در وسط ایشان ایستاده می بود.

2- عَنْ رَائِطَةَ الْحَنَفِيَّةَ، عَنْ عَائِشَةَ أَنَّهَا أَمَّتْهُنَّ فَكَانَتْ بَيْنَهُنَّ فِي صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ.ترجمه : رابطه رضی الله عنه می گوید: عائشه رضی الله عنها در حین جماعت بین خانم ها ایستاده می شد.

3- وَرَوَى ابْنُ أَبِي شَيْبَةَ، ثُمَّ الْحَاكِمُ مِنْ طَرِيقِ ابْنِ أَبِي لَيْلَى، عَنْ عَطَاءٍ، عَنْ عَائِشَةَ أَنَّهَا كَانَتْ تَؤُمُّ النِّسَاءَ، فَتَقُومُ مَعَهُنَّ فِي الصَّفِّ)

رائطة حنفیه می گوید: عائشه رضی الله عنها برای آنها در نماز فرض امامت می کرد در حالیکه در وسط ایشان استاده بود. چنین قول از عطاء هم روایت گردیده است.

4- عَنْ عَمَّارٍ الدُّهْنِيِّ، عَنْ امْرَأَةٍ مِنْ قَوْمِهِ يُقَالُ لَهَا: حُجَيْرَةَ، عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ أَنَّهَا أَمَّتْهُنَّ فَقَامَتْ وَسَطًا)

ترجمه : حجیرة رضی الله عنها روایت می کند که ام سلمة رضی الله عنها زنان را جماعت میداد در حالیکه در وسط ایشان ایستاده بود.

5- وَلَفْظُ عَبْدِ الرَّزَّاقِ: أَمَّتْنَا أُمُّ سَلَمَةَ فِي صَلَاةِ الْعَصْرِ فَقَامَتْ بَيْنَنَا.)

در روایتی دیگری ذکر شده که ام سلمة رضی الله عنها نماز عصر را برای زنان جماعت میداد در حالیکه در وسط ما ایستاده میشد.

6- وَأَخْرَجَهُ ابْنُ أَبِي شَيْبَةَ مِنْ طَرِيقِ قَتَادَةَ، عَنْ أُمِّ الْحَسَنِ أَنَّهَا رَأَتْ أُمَّ سَلَمَةَ تَقُومُ مَعَهُنَّ فِي صَفِّهِنَّ.)

ترجمه : از مادر حسن رضی الله عنها روایت شده که ام سلمة در جماعت زنان در وسط صف ایستاده شده بود. تمام روایت های مذکور را در کتاب بدر منیر کتاب تخریج احادیث نگاه کنید.[1]

سوال164- اگر توضیح بدهید که حالا نماز تراویح چند رکعت خوانده شود؟

جواب- من قبلاً نظریات مذاهب چهارگانه را، پیرامون عدد رکعت نماز تراویح تذکر دادم که بیشتر نماز ترروایح به اساس مذاهب سه گانه ویک روایت از امام مالک بر بیست رکعت نماز تراویح می باشد.صرف یک روایت ازامام مالک به بیشتر از بیست رکعت یعنی سی شش رکعت می باشد.

1- البدر المنیر فی تخریج الاحادیث والاثار، ج4، 519

سوال165- آیا پیامبر علیه السلام بیست رکعت نماز تراویح را خوانده است؟

جواب- روایت صحیح در مورد بیست رکعت از رسول الله صل الله علیه وسلم چیزی ثابت نشده البته روایت عبد الله ابن عباس دلیل به خواندن مبارک می باشد که روایت ابن عباس رضی الله عنه را اجماع صحابه وموقف امیر المونین تقویت می کند.

سوال166- صحابه کرام به کدام دلیل، بیست رکعت نماز تروایح ادا وترجیح داده اند؟

جواب- تا جائیکه نظریات فقهاء تحلیل می شود حتما همان روایت عبد الله ابن عباس صحیح بوده است که اصحاب کرام به خواندن بیست رکعت توافق کردن، در غیر آن صحابه کرام مخالف از رسول الله صلی الله علیه وسلم نمی کردند.

سوال167- یعنی عدد هشت رکعت ، بیست رکعت وبیشتر از آن جواز دارد؟

جواب- بلی همه جواز دارد مشروط بر اینکه هشت رکعت مانند گذشته خوانده شود که صحابه الی نزدیک صبح تروایح را میخواندند.

سوال168- تعدادی از جوانان بیست رکعت را بدعت فکر می کنند آیا این مفکوره درست است؟

جواب- قبل از جواب من سوال می کنم که دین را عمرابن الخطاب و سائر خلفای راشدین خوب می فهمیدن ویا نوجوانان امروز؟ آیا دین را همه صحابه می فهمیدند ویا جوانان امروز؟ در حالیکه هیچ صحابه خواندن بیست رکعت را در قرن اول اسلام نهی نکردند، بلکه قبول نمودند. آیا تابعین واصحاب مذاهب چهار گانه دین را درست درک کرده بودندویا جوانان امروز؟ آیا تقوای جوانان امروز بیشتر است ویا از اصحاب ، تابعین واصحاب مذاهب چهار گانه ؟ طوریکه من قبلاً نظریات مذاهب اربعه را پیرامون بیست رکعت نقل نمودم هیچ یک از آنها بیست رکعت را رد نکردن ولی چهار جوان امروز بیست رکعت را نفی ونهی می کند.

بلی اگر تقوی را اختیار کرده اند و خود را پیرو سنت میدانند چرا هشت رکعت را الی نزدیک های صبح ادا نمی کنند طوریکه پیامبر علیه السلام ادا کرده است.

سوال169- بعضی از برادران همرای امام هشت رکعت تراویح را میخوانند بعداً جماعت را ترک می گویند چه حکم دارد؟

جواب- گوش کنید به نصیحت ابن عثیمین رحمه الله که ازدانشمندان بزرگ معاصر ومدرس درمسجد نبوی می باشد چنین توصیه نموده:

(ویؤسفنا كثيراً أن نجد في الأمة الإسلامية المتفتحة فئة تختلف في أمور يسوغ فيها الخلاف ، فتجعل الخلاف فيها سبباً لاختلاف القلوب لا ينبغي لنا أن نغلو أو نفرط وقد غلا في هذه المسألة طائفتان وهذا لا شك أنه خطأ)[1]

ترجمه : از شیخ ابن عثیمین در مورد کسانیکه بیشتر از بیست رکعت تراویح را بد می گویند پرسیده شد وی توصیه می کند، ما را متأسف ساخته عمل بیساری از مردم در این امت اسلامی که در موارد مسائل خلاف واجتهادی، سبب اختلاف قلب ها می شوند. در حالیکه در بین گذشته ها صرف اختلاف نظر بود نه اختلاف قلب ها . مناسب نیست که ما در مورد افراط گری نموده واز حد اعتدال عبور نمائیم . در حالیکه در مورد نماز تراویح دو گروه افراط گری کرده اند . تعدادی بیست را انکار وتعدای هشت را انکار می کند شکی نیست که هر دو گروه وطائفه در خطا هستند.

سوال170- یک تعداد از هشت رکعت انکار دارند شما چه نظر دارید؟

جواب- اگر انسان از دریچه علم ودور از تعصب صحبت نماید وموقف گیرد، باید به تمام روایت های اسلامی حرمت گذاشته وحد اقل یکبار عمل نماید . هشت رکعت؛ نیر در بعضی روایت ها صریح است طوریکه قبلاً تذکر دادیم و بیست رکعت هم روایت حدیث وعمل صحابه وخلفای راشدین است واجماع آنها است .هر دو عمل اسلامی است .ولی باید گفت ما کوشش کنیم که موجب وسبب اختلاف در بین قوم نشویم . بخاطر اینکه خود پیامبر علیه السلام جهت حفظ وحدت ودور شدن از اختلاف عمل خیر وبهتر را که اعمار کعبه شریف به ساخت ابراهیمی بود ترک نموده است .

(حديث عَائِشَةَ، قَالَتْ: قَالَ لِي رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَوْلاَ حَدَاثَةُ قَوْمِكِ بِالْكُفْرِ لَنَقَضْتُ الْبَيْتَ ثُمَّ لَبَنَيْتُهُ عَلَى أَسَاسِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلاَمُ، فَإِنَّ قُرَيْشًا اسْتَقْصَرَتْ بِنَاءَهُ وَجَعَلَتْ لَهُ خَلْفًا)[2]

---

[1]- الشرح الممتع " (4 / 225 البته من متن شيخ عرب را مختصر آورده والا در مورد بیشتر توضیح داده است.

[2]- رواه البخاري في: 25 كتاب الحج: 42 باب فضل مكة وبنيانها.

ترجمه : عائشة رضی الله عنها می گوید : پیامبر علیه الصلاة والسلام روزی برایم خطاب نمود که اگر قوم تو نزدیک کفر نمی بود (یعنی جدیداً مسلمان شده اند) من کعبه شریف را ویران سپس به ساختمان ابراهیم علیه السلام اعمار می کردم . زیرا قریش در بنای کعبه کوتاهی کرده اند قسمتی از کعبه را گذاشته اند).[1]

از حدیث شریف به صراحت معلوم می شودکه از سبب اختلاف اجتناب گردد گرچه بعضی از کارهای اولا وافضل ترک شود طوریکه پیامبر علیه الصلاة والسلام اعمار خانه کعبه به ساخت ابراهیمی که یک عمل خوب وبهتر بود تر ک نمود.

سوال171- صحابه کرام وتابعین جه گونه نماز تراویح را ادا می کردند؟

جواب- به روایت حدیث از کفیت ادا کردند دقت کنید.

(عَن عبد الله بن أبي بكر ، قَالَ : سَمِعت أبي يَقُول : " كُنَّا ننصرف فِي رَمَضَان من الْقيام فنستعجل الخدم بالسحور مَخَافَة الْفجْر " . وَرَوَى مَالك، عَن مُحَمَّد بن يُوسُف ، عَن السَّائِب بن يزِيد قَالَ : " أَمر عمر بن الْخطاب أبي بن كَعْب، وتميما الدَّارِيّ أَن يقوما للنَّاس ، وَكَانَ الْقَارئ يقْرَأ بالمئين ، حَتَّى كُنَّا نعتمد عَلَى العصي من طول الْقيام ، وَمَا كُنَّا ننصرف إِلَّا فِي فروع الْفجْر)[2]

ترجمه : عبد الله ابن ابو بکر می گوید : من از پدرم شنیده ام که گفت: ما در ماه مبارک رمضان وقتی از نماز تراویح وقیام شب بر می گشتیم نزدیک سحری می بود روی همین علت خدمه را دستور میدادیم که سحری را آماده سازند از جهت ترس اینکه روزنشود.

هم چنان از سائب بن یزید که صحابی کوچک می باشد روایت شده که عمر ابن الخطاب رضی الله عنه ابی بن کعب وتمیم داری را امر فرمود تا برای مردم در شب رمضان جماعت بدهند.

---

[1]- به اساس تاریخ ابراهیم علیه السلام کعبه را چهار کنج تقریباً بوده ارتفاع آن از 14، متر؛ عرض کعبه از جهت شرق 84، 12، متر عرض آن از جهت غرب 11 ،12، متر از جهت شمال 11، متر از جهت جنوب 11،متر بود ودو دروزاه داشت یکی خروجی دوم دخولی دروازه ها به روی زمین . اما قریش چند متر آنرا کم ساختن که بنام حطیم میباشد ویک دروازه راهم مسدود نمودند ودروازه موجود را تقریباً یک متر از زمین بلند کرده اند . پیامبر علیه السلام از جهت اینکه اختلاف ظهور نکند تصمیم خود را عملی نکرد.

[2]- مشكاة المصابيح ج1، 193 قال البانی : وهذا إسناد صحيح جدا فإن السائب بن يزيد صحابي صغير. ارواء الغليل، ج2،ص192،

قاری سوره های طولانی را قرائت می نمود حتا که ما در جریان نماز از طول قیام وکثرت قرائت بالای عصا های خود تیکه می کردیم . وما از نماز تراویح وقتی بر می گشتیم که نزدیک به روز شدن می بود.
اما چیزیکه مهم واساسی است نماز تراویح باید باکمال اخلاص و با نیت تقرب الی الله خوانده شود. نه اینکه بانماز تراویح تلاعب شده وبه مسخره گرفته شود. طوریکه در بسیاری از مساجد ملاحظه و مشاهده می شود. که بعضی از امامان وقاری ها قرائت ، رکوع ، قیام وسجده نماز تروایح را بسیار به سرعت وعجله می خوانند حتا شنونده وسامع نمی داند که قاری در کدام سوره بوده . وکدام آیت را تلاوت می کند. وحتا مقتدیان در رکوع وسجده حد اقل یک مرتبه تسبیح گفته نمی توانند. حتا بعضی از نماز گذاران عقب امام التحیات واللهم صل علی محمد را خوانده نمی تواند. در خاتمه عرض می کنم اگر هشت رکعت می خوانند باید مانند پیامبر علیه السلام وصحابه کرام ادا کنند که حد اقل پج ساعت ویا یشتر از آن ایستاده شوند. اگر بیست ویا بیشتر از آن میخوانند باید تمام شرائط نماز را مد نظر گیرند. زیرا مهم در عبادت کثرت نبوده، بلکه موضوع کیفیت ومطابقت با شریعت درعبادت ارزش خود را دارد. الله , در قرآن کریم هیچ وقت به کثرت عبادت دعوت نکرده بلکه همیشه دعوت بسوی کیفت نمازوسائر عبادت بوده.
الله , می فرماید: (الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ)[1]
ترجمه : الله آن ذاتی است که مرگ وحیات را آفریده ،تا اینکه شما را امتحان کندکه کدام یک از شما بهتر عمل را انجام می دهد . الله ذات غالب وبخشنده است. در آیت شریف ذکر نشده که کدام یک شما زیاد عمل می کنید، بلکه فرموده است که کدام یک احسن وبهتر عمل می کند .
سوال اگر شخصی نماز تراویح را ترک کند چه حکم دارد؟
چواب – ترک نماز تراویح چند حالت دارد.
1 – بخاطر مریضی ، خستگی بیش از حد، مصروفیت بسیار شدید ترک می کند هیچ اشکالی ندارد.
2 اگر بخاطر این ترک می کند که سنت است فرض واجب نسیت . در این صورت یقینا مرتگب تقصیر شده بزرگترین ثواب وفضیلت را ترک نموده است.

[1]- سوره ملک، آیت 2،

3 اگر به نماز تراویح تمسخر می کند وسپس نماز تراویح را ترک می کند ، در این حالت خطر کفر وی می باشد. زیرا تمسخر به شعابر دینی کفر است.

بخش دوم
نماز وتر

سوال172- وتر چه معنادارد؟

جواب- وَتر به فتح کاف، ضد جفت را گفته می شود. که جنس مقابل نداشته باشد.

سوال151- آیا لفظ وتر در قرآن حدیث آمده ویاخیر ؟

جواب- بلی کلمه وتر در قرآن کریم یکبار ذکر شده است (وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ)[1] ترجمه : قسم به جفت وتاق. ودراحادیث هم کلمه وتر تذکرداده شده است.

(عَن عَلّي رَضِيَ اللَّهُ عَنْه قَالَ : قَالَ رَسُول الله [صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) : : " يَا أهل الْقُرْآن أوتروا ، فَإِن الله وتر يحب الْوتر"[2] ترجمه:علی رضی الله عنه روایت می کندکه پیامبر علیه الصلاة والسلام فرموده است: ای اهل قرآن! وتر بخوانید به یقین که الله , تاق است تاق را دوست دارد.

(أبي هُرَيْرَة مَرْفُوعا «إذا استجمر أحدكُم فليوتر ؛ فَإِن الله وتر يحب الْوترأما ترَى السَّمَوَات سبعا وَالْأَرضين سبعا وَالطّواف سبعا)[3] ترجمه :

از ابو هريرة رضی الله عنه به صورت حدیث مرفوع روایت شده که فرموده: زمانیکه استنجا کردید باید تاق باشد. زیرا الله جلاجلاله تاق را دوست دارد. آیا ندیدید که آسمانها هفت وزمین هفت است. وطواف کعبه هم هفت می باشد.

سوال173- وتر چند رکعت باید خوانده شود؟

جواب- تعداد رکعت های وتر را در احادیث نگاه کنید .

1- عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الأَنْصَارِيِّ ، أَنَّ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وسلم قَالَ:الْوِتْرُ حَقٌّ ، فَمَنْ شَاءَ فَلْيُوتِرْ بِخَمْسٍ ، وَمَنْ شَاءَ فَلْيُوتِرْ بِثَلاَثٍ، وَمَنْ شَاءَ فَلْيُوتِرْ بِوَاحِدَةٍ.)[4]

ترجمه : ابو ایوب انصاری رضی الله عنه روایت نموده است که پیامبر علیه الصلاة و السلام فرموده : وتر حق واجب است هر که

---

[1]- سوره فجر، آیت 2

[2]- رَوَاهُ الإمَام أَحْمد (1 / 110) ، وَأَبُو دَاوُد (1416) ، وَالتِّرْمِذِيّ (453) وَقَالَ : حسن . وَالنَّسَائِيّ (3 / 228، 229) ، وَابْن ماجة (1169)

[3]- البدر المنير، ج1،ص365.

[4]- أخرجه أحمد 418/5(23941) و"الدارِمي" 1582 و"أبو داود" 1422 و"ابن ماجة" 1190 و"النَّسائي" 238/3 ،

میخواهد پنج رکعت بخواند. کسیکه میخواهد سه رکعت بخواند وکسیکه خواسته باشد یک رکعت بخواند.

2- عَنْ أَنَسٍ، قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وسلم يُوتِرُ بِتِسْعِ رَكَعَاتٍ، فَلَمَّا أَسَنَّ وَثَقُلَ أَوْتَرَ بِسَبْعٍ ، وَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ وَهُوَ جَالِسٌ ، يَقْرَأُ فِيهِنَّ بِالرَّحْمَانِ ، وَالْوَاقِعَةِ.قَالَ أَنَسٌ : وَنَحْنُ نَقْرَأُ بِالسُّوَرِ الْقِصَارِ :إِذَا زُلْزِلَتْ)، وَ(قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ)، وَنَحْوِهِمَا.[1]

ترجمه : انس ابن مالک رضی الله عنه می گوید: پیامبر علیه الصلاة و السلام نه رکعت وتر می خواند. وقتیکه موسن وفربه شد هفت رکعت وتر خواند بعداً دورکعت را درحالت نشسته ادا نمود. که در آن سوره های الرحمن، الواقعة را قرائت می نمود. انس می گوید که ما سوره های کوتاه را مانند (إِذَا زُلْزِلَتْ ،قلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ) و امثال آنها ها را میخواندیم.

1- (قال الترمذي :رُوِيَ عَن النَّبِي – صَلَّى الله عَلَيْهِ وَسلم – : «الْوتر بِثَلَاث عشرَة ، وَإِحْدَى عشرَة ، وتسع ، وَسبع ، وَخمْس ، وَثَلَاث ، وَوَاحِدَة» .[2]

ترجمه : امام ترمذی می گوید که از پیامبر علیه الصلاة والسلام نقل شده که سیزده، یازده، نه، هفت، پنج ،سه ویک رکعت وتر خوانده است. گرچه بر خی از بزرگان دین می گویند: که منظور از روایت سیزده ویازده رکعت تمام نمازهای پیامبر علیه الصلاة والسلام در شب بوده، نه اینکه سیزده ویا یازده رکعت وتر خوانده باشد . ولی بازهم این توجیه است احتمال صواب وخطا رادارد.

از مجموع روایت ها واضح شد که شخص رسول کریم صلوات الله علیه وتر را به ا رقام مختلف ادا نموده است. یعنی از یک رکعت الی سیزده رکعت نماز وتر را ادا کرده است. اما بعداز تتبع وجستجو از متون حدیث وسخن های فقهاء معلوم می شود که نه، هفت ،پنج ویک رکعت وتر در ابتداء بوده در اواخر در سه ویک رکعت ادای وتر استقرار پیدا کرده است. که همین حالا مذاهب چهارگانه به خواندن سه رکعت با نظر داشت کیفت ادای آن ترغیب داده وبرتر دانسته وبه جواز یک رکعت خواندن وتر در وقت ضروت نیزمعتقد بوده واجازه می دهند.

سوال174- از احادیث خواندن نه رکعت وتر ثابت شده اگر بگویید چگونه خوانده می شود؟

1- أخرجه ابن خُزَيْمَة (1079 و1105)

2- رواه الترمذی باب الوتر سبع. شماره حدیث 4137 ،

جواب- نگاه کن به حدیث . (کان النبي صلی الله علیه و سلم یوتر بالتسع والسبع قلت کیف یوتر بالتسع والسبع ؟ قال یصلي مثنی مثنی ویسلم ویوتر بواحدة)[1]

ترجمه : پیامبر علیه الصلاة والسلام نه وهفت رکعت نماز وتر را ادا می کرد . گفتم چگونه نه وهفت رکعت می خواند؟ گفت دو دو رکعت نماز می خواند بعداً یک رکعت وتر را ادا کرده است.

سوال175- پیامبر علیه الصلاة والسلام پنج رکعت وتر را چگونه ادا کرده بود؟

جواب- نگاه کن به حدیث به روایت عائشة رضی الله عنها (عن عائشة قالت: کانت صلاة النبي صلی الله علیه و سلم من اللیل ثلاث عشرة رکعة یوتر من ذلك بخمس لا یجلس في شيء منهن إلا في آخرهن فإذا أذن المؤذن قام فصلی رکعتین خفیفتین)

ترجمه : عائشه رضی الله عنها می گوید : نماز پیامبر علیه الصلاة والسلام در شب سیزده رکعت بوده که پنج رکعت وتر بدون جلسه، مسلسل می خواند ونمی نشست مگر در رکعت اخیر آن .زمانیکه مؤذن اذان می گفت ایستاده می شد ودو رکعت خفیف وسبک را ادا می کرد. یعنی وتر را پی درپی پیوست بدون سلام دادن، ادا می کرد.

سوال176- سه رکعت وتر چگونه ادا می گردد؟

جواب- سه رکعت وتر چند صورت دارد.

سوال177- اگر صورت های ادای سه رکعت وتر را بیان کنید؟

جواب- نگاه کن به حالات خواندن وتر:

1- دورکعت رامی خواند بعد از تشهد درود ودعا سلام می دهد. بعداً یک رکعت دیگری را به قصد وتر نیت وادا می کند.

2- صورت دوم آن؛ سه رکعت را بدون قعده والتحیات می خواند.

3- صورت سوم آن سه رکعت را با خواندن التحیات بدون سلام می خواند. طوریکه مذهب حنفی نماز وتر را مثل نماز شام ادا می کند.

سوال178- آیا در مورد صورت های اداکردن وتر، دلیل از حدیث وجوددارد ویا خیر؟

جواب- بلی ! هیچ گاه فقهآء حکمی را بدون دلیل صادر نمی کنند نگاه کن به احا دیث.

---

[1]- رواه ترمذی، شماره 459، قال الشیخ الألباني: صحیح

1. (عن عائشة رضي الله عنها أنه صَلَّى الله تَعَالَى عَلَيْهِ وَسلم كَانَ يُوتر بِثَلَاث رَكْعَات لا يسلم الا في آخرهن)[1]

ترجمه : عائشة رضی الله عنها می گوید: پیامبر علیه الصلاة والسلام سه رکعت وتر را می خواند در حالیکه سلام نمی داد مگر در اخیر آن .

2. عَنِ ابْنِ عُمَرَ ، قَالَ:صَلَّيْتُ مَعَ النَّبِيِّ صلى الله عليه وسلم فِي الْحَضَرِ وَالسَّفَرِ ،وَالْمَغْرِبَ ثَلاَثً، وَبَعْدَهَا رَكْعَتَيْنِ ، وَقَالَ :هِيَ وِتْرُ النَّهَارِ)[2]

ترجمه : عبد الله ابن عمر رضی الله عنهما می گوید: من همرای پیامبر علیه الصلاةو السلام در سفر واقامت نماز را ادا کردم . نماز شام را سه رکعت خواندیم سپس فرمود : نماز مغرب وتر روز است. استدلال مذهب حنفی این است طوریکه نماز شام اداد می گردد باید وتر هم خوانده شود.

3. (عَنْ نَافِعٍ عَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ:كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم يَفْصِلُ بَيْنَ الْوِتْرِ وَالشَّفْعِ بِتَسْلِيمَةٍ وَيُسْمِعُنَاهَا.)[3]

ترجمه : عبد الله ابن عمر روایت می کند که پیامبر علیه الصلاة والسلام نماز وتر سه رکعتی را توسط سلام از هم جدا می کرد که ما می شنیدیم.یعنی نماز وتر را در قدم نخست دورکعت ادا می کرد سپس سلام می داد ویک رکعت دیگری را می خواند.

از بعضی روایت ها معلوم می شود که پیامبر بزرگوار اسلام زمانیکه هفت ویا پنج رکعت وتر خوانده به گونه پیوست بدون سلام وسخن در بین وتر بوده است . این خود نشان دهنده بر تری پیوست خواندن وتر می باشد.

4. (عَن أم سَلمَة قَالَ كَانَ رَسُول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُوتر بِسبع و بخمس لَا يفصل بَينهُنَّ بِسَلام وَلَا كَلَام)[4]

ترجمه : ام سلمه رضی الله عنها می گوید: پیامبرعلیه الصلاة والسلام هفت ، وپنج رکعت وتر میخواند در حالیکه بین آنها نه سلام ونه سخنی بود. این حدیث شریف موضوع را روشن تر می سازد.که خواندن سه رکعت وتر بدون سلام دربین دورکعت می باشد.

---

[1]- رَوَاهُ أَحْمد وَالنَّسَائِيّ وَالْحَاكِم وَالْبَيْهَقِيّ من رِوَايَة عَائِشَة قَالَ الْحَاكِم صَحِيح عَلَى شَرط الشَّيْخَيْنِ . البدر المنير باب نماز نفل .

[2]- أخرجه الترمذي (552)

[3]- البخاري 30/2 (991) أخرجه أحمد 76/2(5461) ، أخرجه مالك "الموطأ" 326.

[4]- اخرجه مسلم، ج1، ص508

سوال179- آیا برای ما هر سه صورت خواندن وتر جائز است ؟

جواب- بلی در تمام حالات روایت های از حدیث وجود دارد باید حد اقل یک مرتبه مطابق به هر حدیث خوانده شود. ولی مذهب حنفی هم دلیل قوی خود را داشته است که وتر سه رکعت با خواندن تشهد بین سه رکعت بدون سلام می باشد طوریکه فعلا جریان دارد.

سوال180- آیا خواندن یک وتر جایز می باشد؟

جواب- بلی جواز دارد احادیث در موردش وجود دارد اما مذاهب حنفی شافعی وحنبلی بنابر دلائل وفهمی که از شریعت دارند خواندن یک رکعت را بهتر نمی دانند. توجه نمائید به حدیث شریف.

عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الأَنْصَارِيِّ ، أَنَّ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وسلم قَالَ: الْوِتْرُ حَقٌّ ، فَمَنْ شَاءَ فَلْيُوتِرْ بِخَمْسٍ ، وَمَنْ شَاءَ فَلْيُوتِرْ بِثَلَاثٍ ، وَمَنْ شَاءَ فَلْيُوتِرْ بِوَاحِدَةٍ.)[1]

ترجمه : ابو ایوب انصاری رضی الله عنه روایت نموده که پیامبر علیه الصلاة والسلام فرموده است: وتر حق واجب است هر که می خواهد پنج رکعت بخواند .کسیکه می خواهد سه رکعت بخواند وکسیکه خواسته باشد یک رکعت بخواند. روایت های دیگری ثابت است که یک رکعت وتر وجود دارد وخوانده شده است.ولی طوریکه احساس می شود از احادیث یک رکعت وتردر وقت ضرورت ومشکل می باشد.

سوال181- آیا خواندن یک رکعت وتر درمذهب حنفی جائز می باشد؟

جواب- نظریات متعدد است بعضی بزرگان می گویند یک رکعت وتر نمی شود بعضی ها می گویند خواندن یک رکعت بهتر نیست ولی ادای آن جواز دارد.

سوال181- مذهب حنفی چطور یک رکعت وتر را اجازه نمی دهد در حالیکه احادیث به خواندن یک رکعت وتر وجود دارد؟

جواب- در است که احادیث وجود دارد ولی مشکلات علمی در مورد یک رکعت وجود دارد روی همین ملحوظ مذهب حنفی سه رکعت وتر را ترجیح داده است. نگاه کن به دلائل زیرین.

1. چرا مسلمانان هفت پنج رکعت وتر نمی خوانند در حالیکه در مورد حدیث صریح وثابت است.

---

[1]- أخرجه أحمد 418/5(23941) و"الدارِمِي" 1582 قال : و"أبو داود" 1422 و"ابن ماجة" 1190 و"النَّسائي" 238/3 ، وفي "الكبرى" 442 .

2. به خواندن یک رکعت وتر از جهت آسـان بودن وکم بودن آن تعدادی زیاد علاقمندی دارد نه اینکه درمورد حدیث وجود دارد.

3. تنها مذهب حنفی با یک رکعت وترمخالفت ندارد، بلکه مذاهب فقهی دیگری هم توجیهاتی دارند. وسه رکعت را نسبت به روایت های دیگری ترجیح می دهند. با یک تفاوت که مذهب حنفی صـرف سـه رکعت وتررا جواز میدهد، ولی دیگران همه روایت ها یکه درمورد خواندن وتر آمده جواز ولی شـافعی وحنبلی سه رکعت را ترجیح داده اند اما مالکی ها یک رکعت وتر را تر جیح داده اند.[1]

4. روایتی که یک رکعت وتر را ثابت می سـازد بیشـتر آن روایت ها؛ وتر را بعد ازدورکعت نفل یاد کرده اسـت. طور مثال:

(عَنِ ابْنِ عُمَرَ أ نَّ رَجُلاً سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم عَنْ صَلاَةِ اللَّيْلِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم « صَلاَةُ اللَّيْلِ مَثْنَى مَثْنَى، فَإِذَا خَشِيَ أَحَدُكُمُ الصُّبْحَ صَلَّى رَكْعَةً وَاحِدَةً ، تُوتِرُ لَهُ مَا قَدْ صَلَّى.[2]

ترجمه : شخصی از پیامبر علیه الصلاة والسلام نماز شب را سوال نمود رسول کریم صلوات الله علیه فرمود: نماز شب دو دو است . اگریکی از شما از صبح شدن خوف داشت یک رکعت وتر بخواند. مذهب مالکی که یک رکعت را جواز میدهد مشـروط بر اینکه نماز گذار قبل از یک رکعت وتر باید دورکعت نماز غیر از فرض را خوانده باشد.[3]

1. طبیعی است که ثواب وپاداش سه رکعت نسبت از یک رکعت بیشتر می باشد .

2. همه دانشمندان اسلام در رمضان مبارک وتر را سه رکعت می خوانند.

3. ازبعضی روایت ها ثابت می شود که یک رکعت وتردر وقت ترس روز شدن می باشد .نه د رحالت طبیعی ونورمال نگاه کن به حدیث که درصفحه قبلی گذشت.

4. بعضـی روایت ها خواندن یک رکعت را منع کرده اسـت. أَن رَسُول الله صَلَّى الله عَلَيْهِ و سلم نهَى عَن البتيرا قَالُوا وَهِي الْوتر

---

[1]- كشاف القناع، ج1،ص416. المغنى، ج2، ص165، الدستوقى، ج1، ص316

[2]- أخرجه مالك "الموطأ" 319. و"البُخَاريّ" 30/2 (990)

[3]- الدستوقى والشرح الكبير، ج1، ص316

بِرَكْعَة)[1]. ترجمه : از پیامبر علیه الصلاة و السلام نقل شده که ازخواندن نماز بتیراء منع کرده . بتیراء را تفسیر کرده اند یک رکعت وتر را گفته می شود.

5. معمولاً نفل از یک رکعت کم نیست نماز سنت ویا واجب چطور یک رکعت باشد.

6. محقیقن مذهب حنفی سائر روایت های وتر را رد نکرده بلکه سه رکعت را قوی وراجح تر می دانند.

سوال182- در مذهب حنفی چند رکعت وتر در رمضان وغیر رمضان باید خوانده شود؟

جواب- در مذهب حنفی در تمام سال ، سه رکعت وتر خوانده می شود؟

سوال183- آیا خواندن وتر در ماه مبارک رمضان وغیر رمضان فرق دارد ویا خیر؟

جواب- نخیر، فرقی ندارد. صرف در ماه مبارک رمضان وتر به جماعت ادا می گردد ودر غیر از رمضان وتر مانند سنت ها انفرادی خوانده می شود جماعت آن مجاز نیست.

سوال184- حکم نماز وتر در مذهب ما چیست؟

جواب- به نظر امام ابوحنیفه رحمة الله علیه وتر واجب است. اما به نظر شاگردانش واما مان مذاهب سه گانه، وتر را سنت مؤکدمی دانند.

سوال185- دلیل واجب بودن نماز وترچیست؟

جواب- دلیل واجب بودن وتر؛ احادیث قولی وفعلی می باشد.

1. در احادیث به ادای نماز وتر امرکرده طوریکه معلوم می شود. امر دلالت به وجوب می کند بناءً حکم وتر واجب است.

2. پیامبر علیه الصلاة والسلام نماز وتر را بالای مرکب ادا نمی کرد مانند نماز فرض از مرکب پائین می شد. در حالیکه غیر از وتر وفرض را در بالای مرکب ادا کرده است. این عمل رسول الله صل الله علیه وسلم ثابت کننده بر تری وتر، نسبت به سنت های روز مره می باشد.

3. نماز وتر اگر از رسول کریم صلوا ت الله علیه ترک میشد قضائ ادا می کرد . د رحالکیه نماز های سنت قضائی ندارد.

---

[1]- نصب الراية، ج2،120 در مورد حدیث مذکور امام نووی فرموده که حدیث بتیراء حدیث مرسل وضعیف است.

4. (عن عَمْرَو بْنَ الْعَاصِ يَقُولُ : أَخْبَرَنِي رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وسلم يَقُولُ : إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم قَالَ: إِنَّ اللَّهَ ، عَزَّ وَجَلَّ ، زَادَكُمْ صَلاَةً ، فَصَلُّوهَا فِيمَا بَيْنَ صَلاَةِ الْعِشَاءِ إِلَى صَلاَةِ الصُّبْحِ، الْوَتْرُ، الْوَتْرُ.)[1]

ترجمه : مردی از اصحاب محمد رسول الله صل الله علیه وسلم روایت نموده که چنین فرموده: به یقین، الله جل جلا له برای شما نماز را زیاد کرده . این نماز را بین نماز خفتن الی نماز صبح بخوانید. این نماز وتر است.

امام ابو حنیفه (رح) استدلال می کند. در حدیث زیادت نماز به الله , نسبت داده شده پس معلوم می شود که وتر جایگاه خاص در شریعت داشته بناءً حکم واجب را بخود اختصاص می دهد. زیرا به نماز های سنت چنین چیزی نسبت داده نشده است.[2]

1. عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الأَنْصَارِيِّ ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم قَالَ: الْوِتْرُ حَقٌّ ، فَمَنْ شَاءَ فَلْيُوتِرْ بِخَمْسٍ ، وَمَنْ شَاءَ فَلْيُوتِرْ بِثَلاَثٍ ، وَمَنْ شَاءَ فَلْيُوتِرْ بِوَاحِدَةٍ.)[3]

ترجمه :ابو ایوب انصاری رضی الله عنه روایت نموده که پیامبر علیه الصلاة والسلام فرموده : وتر حق واجب است هر که می خواهد پنج رکعت بخواند. کسیکه می خواهد سه رکعت بخواند وکسیکه خواسته باشد یک رکعت بخواند.

وجه استدلال: در لفظ حدیث به صراحت لفظ واجب استعمال شده است. بناءً حکم وتر واجب می باشد.

سوال186- بعضی ها می گویند که فرض از جانب الله متعال ، واجب از طرف جبریل وسنت از جانب رسول اکرم صلوات الله علیه می باشد آیا این تقسیم بندی درست وعلمی است؟

جواب- نخیر. تقسیم بندی فرض ، واجب وسنت طوریکه د رجلد اول در بخش اصطلاحات فقهی نوشته کردم به اسا س قوت وضعف ثبوت ودلالت، دلیل می باشد.نه چنین تقسیم بندی شما.

سوال187- نماز وتر چه وقت خوانده شود؟

جواب- نماز وتر بعد ازفرض نماز خفتن وقبل از نماز صبح خوانده می شود.

سوال188- وقت بهتر آن چه وقت است؟

---

[1]- أخرجه أحمد، 7/6 (24352)

[2]- شرح فتح القدير، ص426

[3]- أخرجه أحمد 418/5 (23941) و"الدارِمِي" 1582 قال : و"أبو داود" 1422 و"ابن ماجة" 1190 و"النَّسائي" 238/3

جواب- بهترین وقت نماز وتر نصف اخیر شب است اگر به بیدار شدن متقین باشد.
سوال189- اگر نماز وتر را در اول شب خوانده شود چه حکم دارد؟
جواب- نماز وتر وقت واسع وبیشتر دارد بعد ازنماز فرض خفتن ، الی قبل از نماز صبح وفجر خوانده می شود.
سوال190- آیا در مورد دلیل شرعی دارید ؟
جواب- بلی نگاه کن به روایت حدیث شریف:
(أنه سأل عائشة عن وتر رسول الله ؟ صلى الله عليه و سلم؟ فقالت من كل الليل قد أوتر أوله وأوسطه وآخره)[1]
ترجمه : شخصی از عائشه رضی الله عنها از وتر پیامبر علیه السلام سوال نمود : عائشه رضی الله عنها گفت : پیامبر علیه السلام وتر را در اول ، وسط وآخرشب خوانده است.
سوال191- آیا بعداز نماز وتر نفل خواندن جائز است؟
جواب- بلی خواندن نفل بعد ازوتر جایز است، ولی بهتر نیست.زیرادر مورد نهی آن، حدیث مبارک وجود دارد.
سوال192- اگر همان روایت حدیث را تحریر نمایئد بهتر خواهد بود؟
جواب- نگاه کن به روایت حدیث شریف.
(عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ ، رضي الله عنهما ، عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وسلم ، قَالَ:اجْعَلُوا آخِرَ صَلاَتِكُمْ بِاللَّيْلِ وِتْرًا.)[2] ترجمه : رسول الله صلی الله علهی وسلم فرموده است : آخرین نماز تانرا در شب وتر را بگردانید و فقآء نیزمی گویند : شخصی بالای نفس خود به بیدار شدن مطمئن باشد نماز وتر را به تعویق اندازد. در غیر آن بهتر است که قبل از استراحت نماز وتر را ادا کند. و اینکه فرموده آخرین نماز تانراوتربگر بگردایند. یعنی بعداز وتر نباید نماز خوانده شود.
سوال193- آیا در نماز وتر سوره های مشخص خوانده می شود ویا هر سوره که خوانده شود؟
جواب- هر سوره و آیتی اگر از قرآن خوانده شود جائز می باشد، ولی در بعضی روایت های تخصیص دا ده شده است که در نماز وتر سوره های مشخص خوانده شده است.

---

[1]- رواه ترمذی، باب الوتر، شماره456 ، قال الشيخ الألباني : البانی گفته که حدیث صحیح است.
[2]- "البُخَارِي" . وفي 31/2 (998) "مسلم" 173/2 (1702) أخرجه أحمد 20/2 (4710)

عَنْ أَنَسٍ ، قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وسلم يُوتِرُ بِتِسْعِ رَكَعَاتٍ ، فَلَمَّا أَسَنَّ وَثَقُلَ أَوْتَرَ بِسَبْعٍ ، وَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ وَهُوَ جَالِسٌ ، يَقْرَأُ فِيهِنَّ بِالرَّحْمَانِ ، وَالْوَاقِعَةِ.قَالَ أَنَسٌ : وَنَحْنُ نَقْرَأُ بِالسُّوَرِ الْقِصَارِ: إِذَا زُلْزِلَتْ) ، وَ(قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ) ، وَنَحْوِهِمَا.[1]ترجمه : انس ابن مالک رضی الله عنه می گوید: پیامبر علیه الصلاة والسلام نه رکعت وتر می خواند. وقتیکه موی سفید وفربه شد هفت رکعت وتر خواند بعداً دو رکعت را درحالت نشسته ادا نمود. که در آن سوره های الرحمن، الواقعة را قرائت می نمود. انس می گوید که ما سوره های کوتاه را در وتر میخوانیم. مانند (إِذَا زُلْزِلَتْ ،قلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ).

از حدیث معلوم می شود که خواندن هر سوره در نماز جواز دارد. ولی بهتر آن سوره های است که در حدیث واردشده است.

سوال194- اگر لطف کنید بگوئید که سوره هایکه در نماز وتر باید خوانده شود کدام سوره ها است؟

جواب- نگاه کن به حدیث :عَنِ ابْنِ أَبِي أَوْفَى قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُوتِرُ بِثَلَاثٍ يَقْرَأُ فِيهِنَّ فِي الْأُولَى بِ سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى، وَفِي الثَّانِيَةِ بِ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ، وَفِي الثَّالِثَةِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ فَإِذَا سَلَّمَ)[2] ترجمه : ابو اوفی می گوید: پیامبر علیه الصلاة والسلام سه رکعت وتر می خواند. در رکعت اول آن (سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى)، در رکعت دوم آن (قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ) و در رکعت سوم آن (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) را تلاوت می کرد.

قنوت

سوال195- قنوت چه معنا دارد؟

جواب- قنوت در زبان عربی به معنای سکوت ، ایستاده شدن ،اطاعت، طلب نمودن ودعا راگفته می شود.

سوال196- در وطن ما دعای قنوت می گویند آیا این تکرار دوکلمه درست است؟

جواب- مشکل نیست دعا وقنوت هر دو به معنای طلب دعا استعمال می شود تکرار آن عرف شده است.

سوال197- چرا این جریان به نام دعای قنوت یاد شده است؟

---

[1]- أخرجه ابن خُزَيْمَة (1079 و1105)

[2]- ابن ماجة" 1171 (1182) أحمد 123/5 (21459) "النَّسائي" 235/3

جواب- شاید بخاطر این باشد که انسان ایستاده دعا می کند بنام قنوت گفته شده است .

وقت خواندن قنوت

سوال198- قنوت چه وقت خوانده می شود ؟

جواب- قنوت در رکعت اخیر نماز وتر خوانده می شود.

سوال199- خواندن دعا در رکعت اخیر نماز خفتن در تمام مذاهب سنت است؟

جواب- بلی همه مذاهب خواندن دعا را در وتر سنت می دانند.

سوال200- آیا در غیر از نماز وتر دعا خوانده می شود ؟

جواب- در بعضی از مذاهب اسلامی مانند مذهب امام شافعی در رکعت اخیر فرض صبح هم می خوانند.

سوال201- در کدام رکعت در نماز فرض صبح دعا می خوانند؟

جواب- در رکعت اخیر بعد از رکوع قنوت می خوانند.

سوال203- کدام نوع دعا باید در وتر نماز خفتن خوانده شود؟

جواب- هر دعائیکه در قرآن وحدیث ثابت شده باشد، خواندن آن در وتر جواز دارد .

سوال204- در احادیث کدام دعا در وتر خوانده شده است.؟

جواب- در احادیث دعای ها متعدد نقل شده است:

1. (اللَّهُمَّ إِنَّا نستعينك ونستغفرك ، ونؤمن بك ونخضع لَك ، ونخلع ونترك من يكفرك ، اللَّهُمَّ إياك نعْبد ، وَلَك نصلي ونسجد، وَإِلَيْك نسعى ونحفد، نرجو رحمتك ونخاف عذابك، إن عذابك بالكافرين مُلْحق)[1]

2. اللهم إنّا نَستعِينُکَ ونستغفرُکَ ونُؤ مِنُ بِکَ ونتو کلُ علیکَ ونُثنِی علیک الخیر نشکُرُکَ ولا نَکفُرک ونَخلعُ ونتر گ مَن یفجُرک اللهمّ ایّاکَ نعبد وَ لک نُصلِّی ونسجدُ والیک نَسعَی ونَحفِد ونر جوُ رحمتکَ ونَخشَی عذابَک إنّ عذابَک با لکفّار مُلحِق)

(اللهم إنّا نَستعِینُکَ ونستغفرُکَ صلی الله علیه وسلم ای بارخدایا ا ز تو کمک واز تو مغفرت میخواهم صلی الله علیه وسلم ونُؤ مِنُ بِکَ صلی الله علیه وسلم یا الله به تو ایمان میا وریمصلی الله علیه وسلم ونتو کلُ علیکَصلی الله علیه وسلم اعتماد وتوکل میکنم با لا ی تو صلی الله علیه وسلم ونُثنِی علیک الخیر

[1] - البيهقي في "السنن الكبرى" "210/2، 211"

صـلـی الله علیـه وسـلـم وهمیشـه ثـنـا ی خیـر را بـه تـو مـی گـوئـیم، نـشکُرُکَ ولا نَـکفُـرک صلی الله علیـه وسلم یـا الله از تـو شکر گـذار یـم کفـرا ن ونـا سـپـاسـی نـمـی کـنـیم صـلـی الله عـلـیـه وسـلـم ونَـخـلعُ ونـتـر گ مَـن یـفـجُرکصــلـی الله عـلـیـه وسـلـم مقـاطـعـه وتـرک مـی کـنـیم بـا کسیکـه فسـاد مـیکـنـد صلی الله عـلیـه وسلم الـلـهمّ ایّـاکَ نـعـبدُ صلی الله علیـه وسلم یـا الله خاص تـو را عبـادت مـی کـنم صلـی الله عـلیـه وسـلـم وَ لـک نُصلِّی ونـسجدُصلی الله علیـه وسلم خـاص بـه تـو نـمـاز مـیخـوانـیم وبـه تـو سـجده مـیکـنیم صـلی الله عـلیـه وسـلـم والـیک نَـسعَی صـلـی الله علیـه وسـلـم وبـه سـوی دیـن تـو سـعی تـلاش مـی کـنم صـلـی الله عـلیـه وسـلـم ونَـحفِـدصـلـی الله عـلیـه وسـلـم خدمت وکـوشـش مـی کـنـیم صـلـی الله علیـه وسـلـم ونـر جوُ رحمتکَ صـلـی الله عـلیـه وسـلـم امیـد وار رحمت تـوهسـتیم صـلـی الله عـلیـه وسـلمونَـخشَـی عـذابَـک إنَّ عـذابَـک بـا لـکفـّار مُـلحِقصلی الله علیـه وسلم مـی تـر سیم از عـذاب تـو یـقـینـا عـذاب تـو رسیدنـی است بـر مـردم نـا سپـاس.

3. دعـای دیـگری در وتـر (عَنِ الْحَسَــــنِ بْنِ عَلِيٍّ ، قَـالَ:عَلَّمَنِي رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه وسلم هَـؤُلاَءِ الْـكَلِمَاتِ ، فِـي الْـوَتْـرِ ، قَـالَ : قُـلِ : الـلَّـهُمَّ اهْـدِنِـي فِـيمَنْ هَـدَيْـتَ ، وَعَـافِـنِـي فِـيمَنْ عَـافَـيْـت وَبَـارِكْ لِـي فِـيمَـا أَعْطَـيْتَ ، وَتَـوَلَّـنِـي فِـيمَنْ تَـوَلَّـيْتَ ، وَقِـنِـي شَـرَّ مَـا قَـضَـيْتَ ، فَـإِنَّكَ تَـقْـضِـي وَلاَ يُـقْـضَـى عَـلَـيْكَ ، وَإِنَّـهُ لاَ يَـذِلُّ مَـنْ وَالَـيْتَ ، ولا يَـعزُّ مَـنْ عاديت تَـبَـارَكْتَ رَبَّـنَـا وَتَـعَـالَـيْتَ ، وَصَلَّـى اللهُ عَلَـى الـنَّـبِيِّ مُـحَمَّـدٍ)[1]

تـرجمـه : حسن رضی الله مـی گـویـد: پـیـامـبر عـلیـه الـصلاة والـسلام دعـای وتـر را بـرایـم چنین تـعلیم داد. ای بـار خدا یـا مـن را هـدایـت کـن بـاکســانـیکـه آنـهـا را هـدایـت کـرده ائـیـد. صــحت و سلامت نـگـه دا ر مـن را در سلامت هـا . بـرکـت دهـیـد چـیـزی را کـه بـرایـم داده ائـیـد. دوست دار مـن را در جملـه دوست داشتـه گـان ویـا حفـظ کـن و مـن را در پـنـا هت نـگـاه کـن بـا حفـظ شــــده گـان .نـگـاه کـن مـن را از شــر تـقـدیـر و قـضــای بـد .بـه یـقـیـن کـه تـو فـیـصـــلـه مـیکـنـی در حـالـیکـه کـســی بـالای تـو فـیصـــلـه کـرده نـمـی تـوانـد. بـه یـقـیـن کـه ذلـیـل نـمـی شـود کسیکـه بـا تـو دوسـتـی کـرده بـاشـد.عزت مـنـد نـمـی شـود کسیکـه بـا تـو دشـمـنـی کـنـد. زیـاد شـده خیـرتـودر دنـیـا وآخـرت ای خدایـا. بـلـنـد اســت عظمت وبـزرگـی تـو ای خدایـا. ایـنـکـه الله رحمت نـمـوده بـالای محمـد صل الله عـلـیـه وسـلـم.

سـوال205- آیـا خـوانـدن غیـر از ایـن دعـا هـا؛ دعـا هـای دیـگـری جـواز دارد؟

---

[1]- أخرجـه الـنَّسَــــائِي 248/3 ، وفـي "الـكـبـرى" 1447 و8047 أخرجـه أحمـد 201/1 (1735)

جواب- بلی هر دعائیکه در نماز وتر خوانده شود صحیح است، ولی مطابق به سنت نیست.

سوال206- مطابق به سنت کدام دعا است؟

جواب- سنت در وتر همان دعای است که در حدیث ثابت شده باشد که رسول کریم صل الله علیه وسلم انجام داده باشد.

سوال207- تعدادی دعای قنوت رایادندارند در عوض قنوت الحمد شریف را می خوانند آیا جائز است؟

جواب- نخیر، آیا آب ؛ عوض غذا کفایت می کند. طبیعی است که کفایت نمی کند در وتر کاملا باید دعا خوانده شود.گرچه الحمد شریف دعا است، ولی خواندن ان ذر وترثابت نیست.

سوال208- اگر شخصی دعای قنوت را یاد نداشه باشد می تواند که اللهم ربنا آتنا فی الدنیا ووو را در قنوت بخواند ؟

جواب- بلی می تواند.

سوال209- دعای قنوت جهر خوانده می شود ویا خفیه ؟

جواب- خواندن دعای وتر دو حالت دارد .

1. حالت جماعت مانند جماعت رمضان . در این صورت امام اختیار دارد که دعای وتر را بلند می خواند ویا خفیه . اگر خفیه خواند باید مقتدی ها هم خفیه بخوانند اگر جهربخواند به نظر امام ابویوسف مقتدی هم بخواند وبه نظر امام محمد مقتدی ها آمین بگویند. (وَإِنْ كان إمَامًا يَجْهَرُ بِالْقُنُوتِ لَكِنْ دُونَ الْجَهْرِ بِالْقِرَاءَةِ في الصَّلَاةِ)[1] ترجمه : اگر امام باشد قنوت را بلند بخواند ولی نه، جهریکه در سائر نماز ها خوانده می شود. اما فتوا وعمل کرد فعلی در مذهب حنفی خواندن قنوت به گونه آهسته وخفیه می باشد.

سوال210- آیا این نظر مذهب حنفی است ویا از مذاهب دیگری؟

جواب- تمام نظریات گذشته از تمام مذاهب فقهی بوده و مطابق به مذهب حنفی می باشد. در کتاب فتح القدیر[2] چنین بیان شده است.

درحالت انفرادی. مذهب حنفی می گوید : در هرصورت انفرادی نمازگذار مختار است که دعای قنوت را جهر می خواند ویا آهسته.

1- البدایع الصنائع، ج1، ص123

2- شرح فتح القدیر شرح هدایة، ج1، ص438

نگاه کن به عبارت فقه (إنْ كان مُنْفَرِدًا فَهُوَ (بِالْخِيَارِ إنْ شَاءَ جَهَرَ وَأَسْمَعَ غَيْرَهُ وَإِنْ شَاءَ جَهَرَ وَأَسْمَعَ نَفْسَهُ وَإِنْ شَاءَ أَسَرَّ)[1] ترجمه : اگر نماز گذار تنها بود وی مختار است که دعای وتررا بلند می خواند که صرف خود وی بشنود ویا بلند می خواند که دیگران هم بشنوند. اگر خواسته باشد کاملاً مانند قرائت آهسته می خواند.

سوال211- در مذهب حنفی دعای قنوت بعد از رکوع خوانده می شود ویا قبل از رکوع ؟

جواب- خواندن دعای قنوت وتر قبل از رکوع جواز دارد وهم بعدازرکوع ،ولی درمذهب حنفی؛ خواندن قنوت قبل از رکوع می باشد .

سوال212- به کدام دلیل ؟

جواب- نظر به احادیث شریف:

1. عَن أبيّ بن كَعْب رَضِيَ اللَّهُ عَنْه «أن النَّبِي - صَلَّى الله عَلَيْهِ وَسلم - كَانَ يقنت قبل الرُّكُوع»[2]

ترجمه از ابو بن کعب رضی الله عنه روایت شده که پیامبر علیه الصلاة والسلام قبل ازکوع دعای قنوت را می خواند.

2. عَن عبد الله أن النَّبِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يقنت فِي الْوتر قبل الرُّكُوع)[3]

ترجمه : از عبد الله روایت شده که رسول اکرم صلوات الله علیه قبل از رکوع دعای وتر را می خواند.

3. قالَ سَأَلْتُ أَنَسَ بْنَ مَالِكٍ عَنْ الْقُنُوتِ ، فَقَالَ : قَدْ كَانَ الْقُنُوتُ. قُلْتُ : قَبْلَ الرُّكُوعِ أَوْ بَعْدَهُ ؟ قَالَ : قَبْلَهُ . قَالَ فَإِنَّ فُلاَنًا أَخْبَرَنِي عَنْكَ أَنَّكَ قُلْتَ : بَعْدَ الرُّكُوعِ . فَقَالَ : كَذَبَ ؛ إِنَّمَا قَنَتَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم بَعْدَ الرُّكُوعِ شَهْرًا[4]

ترجمه : شخصی از انس ابن مالک رضی الله در مورد وقت خواندن دعای وتر سوال نمود ؟ گفت دعای وتر وجود دارد . گفت: قبل از رکوع ویا بعد از رکوع ؟ گفت دعای وتر قبل از رکوع بود . گفت فلانی گفته بودکه شما گفته بودیدکه دعای وتر بعد از رکوع بوده است. فرمود :کذب ودروغ گفته، رسول

---

[1]- البدا یع الصنائع ج1،ص356

[2]- أخرجه أبو داود "64/2، 65": كتاب الصلاة: باب القنوت في الوتر، حديث "1427، 1428"، وأخرجه النسائي "235/3"

[3]-"النَّسائي" 235/3،

[4]- البُخَاريّ" 32/2 (1002)

کریم صلوات الله علیه وسلم صرف یک ماه بعد از رکوع دعای قنوت را بعد از رکوع خوانده بود.

4. عَن أبي هُرَيْرَة رَضِيَ اللَّهُ عَنْه «أن رَسُول الله – صَلَّى الله عَلَيْهِ وَسلم – قنت بعد رفع رَأسه من الرُّكُوع فِي الرَّكْعَة الْأَخِيرَة» .[1]ترجمه : از ابو هریره رضی الله عنه روایت شده که رسول کریم صل الله علیه وسلم بعداز اینکه سر خود را ازرکوع بلند می نمود دعای وتر را می خواند. بنابر روایات حدیث، خواندن دعای قنوت قبل از رکوع وبعد از رکوع ثابت بوده است. اما مذهب ما قنوت را قبل از رکوع ترجیح داده وبر تر می داند.

سوال213- درکدام وقت خواندن دعای قنوت بهتر است ؟

جواب- در مذهب ما خواندن دعای قنوت بعد از رکوع جواز؛ ولی قبل از رکوع بهتر است.

سوال214- اگر شخصی دعای قنوت را سهواً ویا قصداً بعد از رکوع ادا کند چه حکم دارد ؟

جواب- جواز دارد .

سوال115- چطور جواز دارد ؟

جواب- بخاطر اینکه در هردو صورت حدیث شریف وجود دارد.

سوال216- قبل از خواندن دعای قنوت چه باید کرد ؟

جواب- قبل از دعای قنوت در رکعت اخیر سوره فاتحه بایک سوره دیگری می خواند سپس الله اکبر می گوید .

سوال217 - وقتیکه می خواهد که الله اکبر بگوید آیا دست ها را مانند تکبیر تحریمه بلند می کند ویا خیر؟

جواب- در مذهب حنفی در وقت تکبیر دعای قنوت، باید دست ها مانند تکبیر تحریمه الی گوش ها بلند شود.

سوال218- آیا درمورد بلندکردن دست ها الی گوش ها در دعای وتر دلیل شرعی وجود دارد ویا خیر ؟

جواب- بلی در مورد بلند کردن دست ها در دعای قنوت حدیث شریف است.

(عَن ابْن عَبَّاس مَرْفُوعا وموقوفا "لَا تُرْفَعُ الْأَيْدِي إلَّا فِي سَبْعَةِ مَوَاطِنَ" ، وَذَكَرَ مِنْهَا الْقُنُوتَ)،[2]

---

[1]- أخرجه أحمد "255/2"، والنسائي "2 0 1/2" كتاب التطبيق: باب القنوت في صلاة الصبح، وابن ماجة "394/1"

[2]- الهيثمي في الزوائد ص 238 ، در مورد صحت وسقم حديث نظريات متعدد است: تعدادی محدثین معتقد است که حدیث ضعیف ومرسل است .

ترجمه : از عبد الله ابن عباس رضی الله عنه به صورت مرفوع وموقوف روایت گردیده است که رسول کریم صلوات الله علیه فرموده: دست ها بلند نمی شود مگر در هفت محل . از آن جمله بلند کردن دست ها در وقت دعای قنوت می باشد.

سوال 219 - درو قت خواندن دعای قنوت دست ها بلند باشد مانند سائر دعا ها ویا اینکه دست ها را بسته کنیم؟

جواب- شکی نیست که بلند کردن دست ها در حالت دعا به اتفاق تمام مذاهب اسلامی به اساس موجودیت روایت حدیث متواتر معنوی جایز می باشد. چنین حالت مطابق نظرامام ابوحنیفه رحمة الله علیه است. ولی فعلا در وطن ما بسته کردن دست ها در حین دعای قنوت رایج می باشد.ولی بنابر احادیث وعمل کرد عبد الله این مسعود بهتر می باشد . (أن عبد الله بن مسعود رضي الله عنه كان يرفع يديه في القنوت إلى صدره)[1]

ترجمه : از عبد الله ابن مسعود روایت شده که در وقت خواندن دعای قنوت دست های خود را الی سینه خود بلند می کرد.

سوال220- اگر شخصی در قنوت وتر چنددعا را بخواند جواز دارد ویا خیر؟

جواب- بلی جواز دارد که در قنوت وتر چندین دعا خوانده شود.

سوال221- اگر صرف دعای مختصر را د ر قنوت بخواند جواز دارد؟

جواب- بلی جواز دارد مشروط بر اینکه دعا مسنونه ودر شریعت ثابت باشد.

سوال222- حکم دعای قنوت چیست ؟

جواب- به نظر امام ابوحنیفه رحمة الله خواندن دعای قنوت واجب وبه نظر امام محمد وابویوسف سنت است.

سوال223- اگر دعای قنوت فراموش شود چه باید کرد ؟

جواب- اگر بعد از رکوع به یادش بیاید می تواند دعا را بعد از رکوع بخواند. اگر در سجده وبعد از آن یادش آمد سجده سهو نماید.

تعدادی به صحت عقیده دارند وتعدای انتقاد دارند که حدیث افاده حصر را نکرده ونمی کند. وحتا تعدادی از محدثین معتقد به عدم صحت حدیث مذکور هستند.

[1]- تحفة الاحوذی شرح، ترمذی، ج2، ص464

سوال224- اگر سجده سهو را فراموش کرد چه باید کرد ؟

جواب- نماز وتر وی دراصل درست می باشد ولی ناقص بوده ثواب آن کم می شـــود. اگر بخواهد می تواند نماز وتر را اعاده کند.

قــــنـــوت نـــازلـــــه

سوال225- قنوت نازله چه معنا دارد؟

جواب- قنوت نازله به اســاس تعریف فقهآء عبارت از دعا وقنوتی است که مسلمانان در وقت مصیبت عام وشمول در نماز های فرض وجهری دعا می کنند و. طوریکه ابن عابدین می گوید: (إذا وقعت نازلة قنت الإمام في الصـــلاة الجهرية)[1] ترجمه : هر گاه بالای مسلمانان مصیبتی نازل شود امام در نماز های جهری دعا کند .

سوال226- در کدام رکعت نماز جهری قنوت نازله خوانده می شود ؟

جواب- در رکعت اخیر نماز فرض.

سوال227- آیا در سایرنماز ها ی فرض خوانده می شود ؟

جواب- بلی می شـــود، ولی قنوت نازله در مذهب حنفی در نماز فرض صبح، بهتر می باشد.

مآخذ:
قـــــرآن کـــریم
1- ابراهیم انیس، وهمکاران وی (1960-م).المعجم الوسیط. ج- 1. ترکیه : المکتبة الاسلامیة .
2- ابن حبان، محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم التميمي البستي.(1414 هــــ- 1993م).صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان تحقيق : شعيب الأرنؤوط-بيروت : مؤسسة الرسالة.
3- ابن حجر، شهاب الدين احمد بن علي عسقلاني.(1407- هـ) فتح الباری شـــرح صـــحیح البخاری) قاهرة : دار المطبعة السلفية

[1]- حاشية بن عابدين، ج2، ص11.

4- ابن حنبل .أحمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشيباني.(1420هـ). مسند الإمام احمد: شعيب الأرنؤوط .بيروت : مؤسسة الرسالة .

5- ابن خزيمه ،محمد بن إسحاق بن خزيمة أبو بكر السلمي النيسابوري. (1430 هـ) صحيح ابن خزيمة تحقيق : د. محمد مصطفى الأعظمي. بيروت ،: المكتب الإسلامي .

6- ابن أبي شيبة، أبوبكر عبد الله بن محمد بن إبراهيم بن عثمان العبسي (ب-ت) المصنف طبعة دار القبلة.

7- ابن عابدين ، محمد امين . (ب ت) . ردالمحتار. ج – 3 . پاكستان – كراچى : سعيد كمپنى .

8- ابن عادل ،ابو حفص عمر بن على الحنبلى الدمشقى . (1419 هـ1998م) . اللباب فى علوم الكتاب . بيروت :دار الكتب العلمية.

9- ابن قدامه ، عبدالله بن احمد بن قدامة . (1405 هـ – 1984 م) . المغنى . ج – 8 . بيروت : دارالفكر.

10- ابن كثير،اسماعيل بن عمرالدمشقي أبوالفداء. (ب ت) تفسيرالقرآن العظيم. قاهره: مكتبة دار التراث .

11- ابن ماجه، محمد بن يزيد أبو عبدالله القزويني.(ب ت) سنن ابن ماجه: . تتحقيق : محمد فؤاد عبد الباقي. بيروت : دار الفكر

12- ابن نجيم ، زين الدين بن ابراهيم بن محمد . (ب ت) . البحر الرائق . ج – 3 . پشاور : المكتبة الحقانيه .

13- ابن همام ، محمد بن عبدالواحد الحنفى . (ب ت) . فتح القدير . ج – 3 . پشاور : المكتبة الحقانيه .

14- أبو داود ، سليمان بن الأشعث السجستاني الأزدي .(1408 هـ 1988م)سنن أبي داود تحقيق : محمد محيي الدين عبد الحميد دار الريان .

15- أبو عمر يوسف بن عبد الله بن عبد البر القرطبي الكافي في فقه أهل المدينة

16- ابو ضياء خليل بن اسحاق بن موسى- مختصر الخليل- بيروت

17- البخارى ، ابو عبدالله محمد بن اسماعيل . (ب ت) . صحيح البخارى . ج-3 . كراچى : قديمى كتب خانه.

18- البهوتي،منصوربن يونس بن ادريس. (1402هـ 1982م) .كشاف القناع عن متن الاقناع.ج3،تعليق الشيخ هلال مصيلحي . مصطفى هلال،بيروت:دارالفكر،
19-ترمذي، محمد بن عيسى أبو عيسى. ( ) الجامع الصحيح سنن الترمذي: تحقيق : أحمد محمد شاكر وآخرون . بيروت : دار إحياء التراث العربي.
20-جرجاني،علي بن محمد بن علي الجرجاني. (1405 هـ) . التعريفات.تحقيق إبراهيم الأبياري. بيروت: دار الكتاب العربي .
21-حاكم،محمد بن عبدالله أبوعبدالله النيسابوري. (1411 هـ 1990م) . المستدرك على الصحيحين ،تحقيق مصطفى عبدالقادرعطا ،بيروت:دارالكتب العلمية،
22-حصكفي،محمد علاء الدين بن علي. (1386هـ). الدرالمختارشرح تنويرالأبصارفي فقه مذهب الامام أبي حنيفة،بيروت:دارالفكر،
23-دارقطني ، علي بن عمر أبو الحسن ا البغدادي . (1386م) .سنن الدارقطني . تحقيق . السيد عبد الله هاشم يماني المدني) بيروت :دار المعرفة .
24-دردير، احمد بن محمد بن احمد العدوى الشهير . (1999م).شرح الكبير مختصر الخليل للخرشي .بيروت : دارالفكر
25-دُسُوقِيُّ،مُحَمَّدُ بْنُ عَرَفَةَ ا الْمَالِكِيُّ. (ب ت) حاشية الدسوقي. بيروت لبنان :المكتبة العلمية
26-رملي، شمس الدين محمد بن أبي العباس أحمد بن حمزة ابن شهاب الدين .(1404هـ - 1984م) . نهاية المحتاج إلى شرح المنهاج. بيروت : دار الفكر .
27-زيلعي ،عبدالله بن يوسف أبو محمد الحنفي .(ب ت) .نصب الراية لأحاديث الهداية.تحقيق :محمد يوسف البنوري. مصر : دار الحديث .
28-زيلعي ، عثمان بن علي الحنفي .(1313هـ.) . تبين الحقائق شرح كنز الدقائق .. القاهرة : الناشر دار الكتب الإسلامي. .
29-سرخسي، ابى بكر محمد بن محمد، (1427 هـ82006م) . المبسوط كويته: مكتبة الغفارية.
30-طبراني،سليمان بن أحمد بن أيوب أبوالقاسم. (ه 1404 هـ) المعجم الأوسط ،تحقيق.حمدي بن عبدالمجيد السلفي .قاهرة: مكتبة الزهراء،

31-سيوطي، جلال الدين عبد الرحمن بن أبي بكر. (1421هـ – 2000م) الحاوي للفتاوي في الفقه تحقيق : عبد اللطيف حسن عبد الرحمن دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان - الطبعة : الأولى

32-عليش، محمد . (1409 هـ 1989 -م).منحال جليل شرح على مختصر سيد خليل، بيروت: دارالفكرللطباعة،

33-عطية ، بن محمد سالم. شرح بلوغ المرام

34-قاري علي بن سلطان محمد الهروي. (ب ت)مرقات شرح المشكات المصابيح مكتبه الاسلاميه كويته.

35-كاساني علاء الدين ابى بكر بن مسعود (ب ت) .بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع.پشاور:مكتبة حقانية محله چنگى

36-مالك،ابن أنس أبوعبدالله الأصبحي . (ب ت)موطأالإمام مالك رواية محمد بن الحسن الشيباني،تحقيق: عبدالوهاب عبداللطيف، كويت: وزارةالأوقاف،

37-مرغياني،علي بن أبي بكر بن عبد الجليل الرشداني.(ب ت) .الهداية شرح بداية المبتدي.هند : المكتبة الإسلامية.

38- مسلم ، بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري.(ب ت) صحيح مسلم.تحقيق : محمد فؤاد عبد الباقي بيروت:دار إحياء التراث العربي.

39-ميداني، عبد الغني الغنيمي الدمشقي.(ب ت) اللباب في شرح الكتابمحقق : محمود أمين النواوي. قاهرة: دار الفكر.

40-مغربي،محمد بن عبد الرحمن أبوعبدالله. (1398هـ) .مواهب الجليل لشرح مختصرخليل،بيروت:دارالفكرللطباعة،

41-نَّسائي ،أحمد بن شعيب أبو عبد الرحمن النسائي. (1986م).سنن" النَّسائيتحقيق : عبدالفتاح أبو غدة . بيروت: :مكتب المطبوعا الإسلامية.

42-نظام الدين وجماعة من علماء الهند. (1411هـ 1991م) الفتاوى الهندية في مذهب الإمام الأعظم أبي حنيفة النعمان،بيروت:دارالفكر.

43-نواوى -محيى الدين يحيى بن شرف الدين. (ب ت) المجموع شرح المهذب-بيروت : دار الحكم .

44- يوسف،بن عبدالله بنم حمد بن عبدالبر بن عاصم النمري القرطبي. (ب ت) التمهيد لمافي الموطأ من المعاني والأسانيد. مؤسسة القرطبه .